

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

تضاد و شکاف در نظام سرمایه داری جهان (تصویر من از نظام سرمایه داری غرب)، قسمت اول

The Contradictions and split in world's capitalism(my image of West capitalism), part one

مقاله 279 بر اساس نظرات اقتصاددان غربی و پالایش این نظرات بر اساس قواعد دانش مفید

The article 279 according of Western economic ideas and refining these ideas based on rules of useful knowledge

نویسنده و تحلیل گر : محمود صانعی پور

Writer and analyzer: mahmoud saneipour



Mahmoud saneipour

به بعضی مقالات این نویسنده پیرامون مقاله حضر در انتهای این نوشته مراجعه نمایید

تصویر من از نظام سرمایه داری غرب

آنچه در این گفتار می خوانید ، قسمت اول کالبد شکافی نظام سرمایه داری به رهبری آمریکا (ینگه دنیا(antipodes) ، شامل قاره آمریکای شمالی و مرکزی و جنوبی)، میباشد ، و در این سلسله گفتار ملا حظه خواهید کرد که وقتی ینگه دنیا تصمیم گرفت ، نظام سوسیال-دمکرات را بر اساس مرام انجمن فابیان (Fabian society) در انگلستان در قاره خود پیاده کند ، وعده هائی برای مردم جهان داد که آمریکا بهشت جهان خواهد شد ، همه در رفاه خواهند بود؛ بدون فاصله طبقاتی ، کشوری با علم و فناروی برتر و صدها بیانییه و منشوری که اگر کسی می خواهد سعادت مند شود باید ینگه دنیائی (یا غرب گرا) باشد و یا باید رژیم مطلوب این قاره را مو بمو و قدم به قدم در کشور خود پیاده کرده و از رهبری و کمک های امریکا استفاده کند.

My image of West capitalism

What you read this article; it is part one of anatomy of capitalism by amerina,s leadership (antipodes) , including the North American continent and South Central and will be insignificant the series speech that when a trip to this side of the world decided for being established the Social-Democrats according of Fabian society in their continent , has made many Promises to people that America will be the world's paradise, all will be in welfare , without class distinctions , by high science and technologies and hundreds of charters and statement that if someone wants to be happy should be West oriented and or what this favorable regime in his country, should implement step by step this continent's regime and uses from America's help and leadership.

در آن موقع نه از سرمایه داری چپاول گر سخنی بود و نه کمونیستی دایر مدار اداره کشور هائی در جهان بود ، لذا مسابقه برای رفتن به ینگه دنیا یک آرزوی مطلوب و زندگی در آمریکا و یک خوشبختی بزرگ برای هر کس به شمار میرفت ، این قاره به تدریج به بهشت جهان تبدیل شده و زندگی در آنجا یک رویا شیرین برای بسیاری از مردم جهان بوده و از سوئی دیگر تمام کشورهای شرق و غرب برای اقبال از چنین رژیمی به مسابقه پرداختند و اینکه ما تصور کنیم که سرمایه داری و تکاثر یک خصلت صرفاً امریکائی است و بقیه مردم و حکومت های دنیا مقدس بوده و در انصاف هستند ، یک تصور غلط است ، برای اینکه این خصیصه انسان دنیا پرست است که در روی زمین جولان می دهد.

In that time, were not any speech from plunderer capitalism and neither communism in the world, so, the race to go on a dream trip to this side of the world was desirable and life in America was one big happiness for everyone, this continent changed to world's paradise gradually and other side, all the countries of East and West competed for the attention of the same regime and we assume that capitalism and being numerous is a purely American character only and rest of the people and countries are sacred and just, it is a misconceive, because it is this feature is a worldly man that who run across a race course on Earth.

بازی خصوصی سازی و یا نظام حکمرانی دولتی خوب، که از اقتصاد های کلاسیک و نوکلاسیک و بویژه از رفتار های اقتصادی نظام سرمایه داری ناشی میشد ، موضوعی است که بیشتر به همین خصلت های دنیا پرستانه معطوف میشود ، در این میان نظام سرمایه بر خلاف وعده های سوسیال-دمکرات به تاراج منابع مربوط به تمامی مردم و انفال حکومتی و واگذار کردن آنها از منابع نفتی ، گاز ، مراتع و معادن و غیره به مهاجم های انگیزی که دایر مدار حکومت این قاره شدند ، مبادرت شد و در واقع مورد

تصرف عدوانی و غارت قرار گرفت و برای خاموش کردن قیام ، اعتراض ها و تظاهرات قبائل سرخ پوست و سیاه که از قبل آنها در آن جا سکونت داشتند، قریب به 20 میلیون نفر به عنوان برده قتل عام شدند ، من این وقایع تلخ تاریخی از جنایات انگلیسی ها را در کشورهای آمریکا ، استرالیا و آسیا در مقالات مختلف آورده و در انتهای همین مقاله ضمیمه کرده ام ، در اواسط قرن نوزدهم و در پی قیام بردگان جهان و رفع برده داری در اروپا ، وبا اهتمام اهتمام آبراهام لینکلین رئیس جمهور وقت آمریکا رئیس جمهور وقت آمریکا ، بردگی جسمی بردگان سرزمین آمریکا به پایان رسید ، اما برده هویی که تمامی جسم و جان انسان آزاد را اسیر میکند ، ایجاد شد.

Privatization play or the system of good governance that arises from classical and neoclassical economics and especial from the economic behavior of the capitalist system, it is a subject that relates to same such worldly behaviors, meanwhile, the capitalism system paid plunder the resources of all people and governmental assets to Britannia aggressives, opposite of its social – democratic promises like oil sources mines, gas, big grassland and so on , and to turn off the uprising, protest demonstrations Indian tribes and black those where he lived in America, nearly 20 million people were massacred as a slave, I brought these historical and bitter Britannia crimes in America, Australia and Asia in many articles and attached them at end this article, In the mid-nineteenth century and after in the wake of the uprising of slaves in the world to eliminate slavery in Europe, America Land of physical slavery slaves ended by trial of Abraham Lincoln (sixteenth president of America) , but every object has an identity that captured the soil and body of free man was created ever .

ظلم و تعدی به حقوق مردم در حاشیه نشینی و یا کسانی که قدرت دفاع از حقوق خود نداشتند و عمدتاً بصورت کارگران معادن و کارخانجات و یا در مزارع بزرگ ، زحمت تولید را بدوش میکشیدند که از طریق نظام سرمایه داری دیکته میشد و در سایر کشورها هم تعمیم می یافت ، در امریکا بارها از سوی توده زحمت کش ، قیام های توفنده ای به وقوع پیوسته است که یکی از آنها مربوط به قیام کارگری در 1911 در امریکا بود که مرحوم دکتر شریعتی این واقعه را در سخنرانی خود تحت عنوان " به عقل آمدن سرمایه داری " نام میبرد ، این قیام بگونه بود که گمان میرفت که نظام کمونیستی در امریکا بر پا میشود ، ولی سرمایه داران با ترفند های مختلفی از قبیل واگذار کردن بخشی از سهام کارخانجات به کارگران و ایجاد نوعی احساسات کارفرمائی "آمبورژوا" که شباهتی با طبقه سرمایه دار و مرفه (Bourgeoisie) امریکا داشت ، شکل گرفت ، سرمایه دار آمریکائی برای اینکه این تضاد سرمایه داری باعث انفجار نشود نوعی احساس کاذب در کارگر بوجود آورد و آن آمبورژوازه کردن کارگر است که دسته ای از جامعه شناسان به دروغ می گویند: "راسیونالیزه شدن سرمایه داری" یعنی هرچه ماشین تولید اضافی می کند و سرمایه دار قدرتمندتر می شود و کارگر ناتوان تر، ایجاد احساس کاذب زندگی کارفرما در کارگر و

احساس کاذب خرید در او باینصورت که مثلا هزار تومان حقوق می گیرد می تواند اتومبیل پنجاه هزار تومانی بخرد، بوسیله قسط و اسارت هرچه بیشتر کارگر (بردگی مدرن).

injustice to the rights of the marginalized people or those who did not have the power to defend their rights and mainly miners, in factories or big farm, Production both pulling claimed that the capitalist system was dictated in America and even other regions, in America over the toiling masses, taking happen many insurgences in America, that was One of which is related to workers' uprising in 1911 in America that dr. Shariati called it “the rationalized of capitalism” , the uprising was thought that the communist system in a way will get up in America, but rich men in America given over part of their factories shares to workers by many tricks and Create a sense of employer” amborgova “ such Bourgeoisie manner be fraud of workers, the additional means of production and the capitalist machine becomes more powerful and handicapped worker, creating a false perception of employers in workers who felt false price that is, for example, he gives 1000 dollars salary but he can rids a car amount to ffifty thousand dollars, by installment and captured more(modern slave).

با این ترفند آمریکا از کمونیستی شدن نجات یافت و در سال 1917 ، لنین و همراهانشان انقلاب کمونیستی را در شوری سابق برپا کردند ، کشتار و غارت روسیه و کشورهای هدف را فرا گرفت و تمام کسان مربوط به امپراطوری تزار و هواداران آنها راکشته شده و یا فرار کردند و حتی به سگ و گربه آنها هم رحم نکردند و به قول دکتر شریعتی ، رژیمی که میرفت یقه آمریکا را بگیرد ، یقه بلوک شرق را گرفت ، شرق پس از 70 سال مصائب و بدبختی از سوی رژیم فاسد کمونیستی ، بلاخره راه خود را به سوسیالیسم فعلی گشود ولی آمریکا استحکامات نظام شوم سرمایه داری خود را محکم و محکم تر کرد و امروز دچار صدها مشکل غیر قابل حل ، 95 میلیون بیکار و 49 نفر گرسنه (آمریکای گرسنه) شده است مقالات من در این مورد در انتهای این نوشته ضمیمه است.

America saved itself by this trick, Lenin and his companions held the communist revolution in the former Soviet Union in 1917, destruction and plunder Russia swept the other target states and all those who are fans of the Tsarist Empire was killed or escaped fast and they did not even spare the cat or dog, according saying of Dr. Shariati, a regime that would take Collar America, East took the collar blocks, East after 70 years of suffering and misery from the corrupt communist regime, finally, make their way to the current socialist opened, but America firmly hold their fortress capitalist America ever and today, has become with hundreds of insoluble problem, 95 million unemployed,

and 49 people hungry (hunger America), my related article are attached end of this article.

زمانی را یاد می آورم که ایران (در زمان پهلوی) در چنگال غرب و بویژه آمریکا بود ، غربی که دارای نظام سرمایه داری مسلط بر جهان را تجربه می کرد ، به اصطلاح از شیر مرغ تا جان آدمیزاده به کشورهای تحت سلطه خود سرازیر می نمود ، کالاهای مصرفی و تکنولوژی های منسوخ شده بطور بفور تا درب خانه تدارک میشد ، نیازی به کشت وکار نبود ، همه چیز برای خوردن و استراحت کردن تا اقصاء نقاط کشورهای تحت سلطه و مردم هم لذت میبردند ، لذا میلی یا اراده ای شخصی برای اداره کشت و زرع های بزرگ و یک پارچه نبود ، تصمیمات سیاسی تحمیلی ، بازاری را تنظیم کرده بود که کلیه محصولات مصرفی با قیمت های ارزان و گاهی رایگان به مردم عرضه شود و برای خالی نبودن عریضه و رعایت مصلحت زمان و مقابله با بعضی اعتراضات ملی و شخصیت های فهیم ملت که میدیدند که غربی ها منابع کشورهای تحت سلطه را مفت میبرند و کشتی های محصولات مصرفی با ترکیبات مغرضانه خود وارد کشورها می کنند ، کارخانه ای در شهر ها دایر نمودند که آنها هم فاقد فناوری های مناسب و همگرا با منابع خدادادی کشورها داشته و از تبدیل آنها به محصولات تکنولوژیک خبری نبود و زمینه های بود برای تزیید مصرف ملی و عادت کردن مردم به خوردن ، تفریح کردن ، سرگرمی های اسراف گونه و بطور کلی از بین بردن توان تولیدی محصولات کشاورزی ، صنعتی ، صنایع پیشرو و توسعه پایدار بود ، روستاها از بین رفت ، سرزمین متراکم از جنگ ها و مراتع طبیعی به سرزمین لم یزرع تبدیل شد و میلیون های زن و مرد و بچه به زاغه ها ، کوخ ها و حلبی آباد شهر ها روانه شدند و این اقتصاد شد عادت و رویه مستمر مردم غافل و سیاست مداران طماع و رژیم های نوکرمآب کشورهای ذلیل شده و رونق پیدا کردن کاخ سازی ، دکان های سوداگری و ساختارهایی که این رویه را توسعه داده و قوام بخشی نماید .

I remember a time when Iran (before regime) was in the grip of West and especially America, the west that prove by experience capitalism superior in the world, in idiomatically, everything from soup to nuts was flooded into itself countries dominated, consumer goods and outdated technologies would provide even to door, There is no need for cultivation, all things to eat the rest of the away distance far of the countries or points out, was dominated countries and People enjoyed too, so, there isn't any interest for managing big farms from people's side, Political decisions imposed, has arranged a market that all consumer goods by cheap price and even free got supply to people and for not empty Petition and considering of any policies , established a factory in the sides of city has been lack of suitable technology and it is a bed for more consuming and getting of people's habit to eat , game , lavish entertainments and eliminating of the production of agricultural products generally , Industrial, pioneer industries and sustainable development, the Villages destroyed, dense natural forest and pasture land changed

to wasteland and millions men, women and their children departed to Slums, Koch and tin-plated houses cities' border and this economy manner have used as People unaware of the continuous process , greedy politicians and the servant regimes of many countries and brisking up for making castells , brokerage and making the proof strictures according such this manner and method for plundering.

این مصائب را هزاران نفر نظیر من از نزدیک مشاهده کرده اند و صدها نفر برای اعتراض در چنگال دژخیمان مرگ زیر شکنجه ها مُردند و یا با بدن های نیمه جان بدار آویخته شدند و با رگبار جوخه اعدام ، دار فانی را وداع گفتند ، ولی این فرهنگ غالب چنان نفوذی در جسم و جان مردم مصرف زده نموده بود که دیدگان آنها قادر به دیدن به یغما رفتن منابع ، شرف و ناموس ملی نبود و شکم بارگی بجای عقلانیت حکم میراند و در هر کوی و برزن ، رقص شیطان را دیده میشد و قبح و عیب این فساد ها از بین رفته بود و عده قلیلی که همان ها بودند که انقلاب اسلامی علیه غرب و شیطان بزرگ بر پا کردند ، آنها در محافل مخفی و یا بصورتی که به آن رفتارها تقیه (dissimulation) میگویند "یعنی به قول حضرت علی علیه السلام فرمود: در بین مردم مانند زنبور عسل باشید که پرندگان دیگر آنها را به حساب نمی آورند و سبک می شمارند، اما اگر میدانستند چه برکتی (عسل) در شکم آنها نهفته است، با آنها اینچنین نمی کردند. شما با زبان و بدن خود با مردم رفت و آمد کنید ولی قلبهای شما و اعمالتان از آنها فاصله داشته باشد، مدرک: daneshnameh.roshd.ir ، لذا با رهبران عالیقدر و شجاع زمان و تشکیل کلونی های مذهبی و هیئت های سیاسی غیر رسمی مخالفان رژیم های فاسد و دست نشانده ، و با اتکال به خداوند متعال و تقویم جریان تکوینی ، این دستجات به ظاهر کوچک به قوای بزرگی تبدیل شده و با دست خالی بر کاخ های ظلم تاختند ، ولی نتوانستند ، روحیه و عادات مصرف گرایی و مصرف رایگان را از قاطبه ملت ها قطع کنند ! و این امر مهمی است که جهان حاضر شاهد آنست .

The thousands like me have observed closely these suffering matters and Hundreds of people died under torture at the hands of executioners' death for their protesting, or by half- dead have hanged and by gallows-tree went to one's last resting place, but this conquered culture so entrenched in the soil and body of people's consumers who was not able to see their eyes related to plunder their sources and national honor and was gluttony rather than rationality rules and in each dormitory and alley , can be seen dance of Satan and was gone any corruption bad morally and few are the ones who raised Islamic Revolution against Great West and big Satan , they hide in circles or by behavioral like dissimulation were activated hard , that is, in the words of Imam Ali said:" Among them like honey bees that other birds do not count them and light , but if you knew what a blessing (honey) lies in their bellies, they were not so, you come and go whit people by your tongue but Your hearts and your deeds have away from

them” source: daneshnameh.roshd.ir, therefore, the brave supreme leader and by establish religion’s colonies , whit relying on Allah and calendar genesis flow ,these small collectives changed to big power and have rushed to injustice castells , but they couldn’t cut off the spirit of consumerism habits and free consumers from nations! And it is important that the world is currently witnessing.

من در مقالات عدیده ای این پدیده را اینگونه شرح و بسط دادم که رویه ها، مدل ها و انشاء های سرمایه داری بطور گسترده با حیل و رفتاری مختلف وحتی توسل به زور و تجاوز و قدرت های قهری در تمام کشورهای جهان منتشر شده است ، از نظر من بطور قطع و یقین ، چارچوب های سرمایه داری از طریق آموزه های راهبردی ، تدریس در دانشگاه ها ، واردات محصولات مصرفی و یا هدف دار ، تعطیل کردن منابع کشورها و یا به یغما بردن آنها ، کاستن خوی و فرهنگ تولید و زحمت کشی و مقاومت در مقابل دنیا طلبی و زیاده خواهی و نظیر اینها ، که هزاران جنبه ، زمینه ، نسخه عمل آماده و بیسترهای فرهنگی جوامع گردیده بود و مظاهر گول زننده مدرنیته و پسا مدرنیته از طریق تحصیل کرده های خارجی و یا گردشگری و غیره ، تب این مرام را افزایش داده و هنوز هم ادامه دارد، دنبال علل خیالی دیگر نگردید.

I described expansion in my many articles this phenomena that capitalism, s rules, models and its prescriptions have issued and published in all countries of the world with different behavioral and tricks and even by rape, transgression and forced power, in my opinion certainly and absolutely, the frameworks of capitalism on the way of strategy teaching, study in universities, imports of consumer or targeted goods, suspending countries,s resources and or plundering them, reducing of culture and temper production,hard wiring and resistance opposite These willing worldly and the world seeking so lot and so on, those have been thousands of concepts, prepared prescriptions and areas of communities culture and objects of view deceptive trappings of modernity and post modernity increased via foreign educated or tourism and such this temperature of fever and continues yet, don’t follow other imaginary causes.

انقلاب های بوقوع پیوسته در هر جای جهان ،علیه رژیم سرمایه داری غرب خیلی زیاد بود و به خصوص انقلاب اسلامی با ویژگی های ناب از اسلام ، توسط بنیانگذار عالیقدری چون امام خمینی (ره) ، مردمی فداکار که هزاران شهید را نثار این انقلاب شکوهمند کردند و رهبری فرزانه چون آیت الله خامنه ای شاگردی مطیع و با بصیرتی بالا و نیروهای مقاوم که مرزبان بنیان های انقلاب هستند،خواب غرب را بهم زدند ،شیوه های رهبری باخصوصیات ویژه مکتب اسلام و با جریان های خود بنیان تکوینی ، تشریحی و ابداعات نوظهور، عرصه را به جهات مختلف بر شیطان بزرگ تنگ کرده است ، بطوریکه ، هر ملتی و یا کشوری در هر جای این دنیا بلند میشود ، به گردن جمهوری اسلامی ایران می اندازد !، و موارد آن بسیار زیاد است و کسانی هم که یا قادر نیستند به زیاده خواهی ادامه بدهند و یا در مرام و رویه

های رژیم گذشته کم آوردند و یا باختند ، لشکر غرب را تشکیل دادند ، اعتقادی ندارند ، حيله و تزوير دروغ و تفرقه افکنی و از این ترفند ها ، خوراک و نقادی روزشان است و ضربه زدن به انقلاب به هربهانه و جای هیچ گونه تعجبی ندارد نه از داخل و نه از کاخ سفید و نه از طرفداران سرمایه داری غرب در اروپا و نه از هیزم بیار معرکه توسط صهیونیسم جهانی که کارش همواره گرم نگه داشتن تنور و آتش اختلاف و مدام هیزم ریختن در این کوره است، اینها تعجبی ندارد! ، من از چیز هائی تعجب میکنم که در 280 مقاله نوشتم و برای همه فرستادم. ، اینها ریشه های اصلی چالش های فعلی است.

The happened revaluations in the world were many and great against capitalism, special Islamic revaluation according lead of high-founder of like Imam Khomeini (mercy from Allah on him), the people who thousands martyrs scattered at Islamic revaluation and the wise leader like ayatollah Khamenei, High-abiding student and high insight and hardy people who are frontier controller of this revaluation, s foundations , Bedroom West scuttled, the methods of leadership by special features of Islam and whit current self-foundation genesis , Legislative emerging and appears innovations , arenas in different directions on the Great Satan has narrowed, so-that, any nation or country anywhere in the world rises, gets throws neck into Islamic Republic of Iran! , because they are not looking of causity, or those who are unable to continue their greed and having less money than many people or loosed, West Division formed, they do not believe, tricky lies and divisiveness of these tricks, it is their foods and criticism and tapping the revolution under any pretext, not surprisingly leaving no room for anybody from internal or external country, no from Wight house and no from pro-capitalist West in Europe or Bring firewood not great by international Zionism that he always keeping warm oven and firewood is constantly pouring in this oven, it is not surprising! , I am surprising from many things those it I have Witten about them and issued, these are the roots of challenges today's.

از نوشته هائی که می تواند با رویکرد های نوینی ،طبق قاعده" جری- انطباق" یک درس تاریخی برای ما باشد ، نوشته کارل مارکس در کتاب سرمایه است ، او به جنبه هائی که امروز ما شاهد آن هستیم ، تاکید ات خاصی داشته است ، اگرچه عمر او کفاف نداد آنچه فکر میکرد , مشاهده کند(زایش او در مه 1818 در پروس غربی- بخشی از آلمان شمالی و فوت وی در مارس 1883)، یکی از این موارد که در کتاب سرمایه تشریح کرده است ، موضوع انباشت کالا و سرمایه در نظام کاپیتالیسم است ، این جریان در هنگامی که کشورها و ملت ها از تکنولوژی های متعارف و فناوری های برتر محروم بوده واز ارزش افزائی سرمایه ها و منابع خود غافل بودند و یا آنها را در غفلت نگه داشته بودند ، برای غرب روزگاری بس شیرین بوده است ، نه فقط برای اهالی غربیها ، بلکه در بازار های مکاره و گسترده با نفوذ آمریکا در بلوک شرق ، اروپا با کمک انگلستان استعمار گرو صهیونیسم جهانی در جای جای این کره زمین ، توسط واسطه ها و تجار سودا گر ، محصولات مصرفی بطور انبوه وارد کشورهای هدف میشد و بجای

ساختن کاخانجات تولیدی صنایع پایه و مادر ، مبادرت به تاسیس صنایع مونتاژ، ساخت محصولات مصرفی و انبار های بزرگ و حجیم در کشورهای مصرف کننده جهان و انتقال کالا از انبار کمپانی های بزرگ به انبار خانه ها بود ، چنین روزگاری پر سودی را که یک شبه فردی ویا گروهی صاحب گنج قاورن بشود، در تاریخ گذشته بشر سراغ نداریم.

The posts can be for us a historical lesson is an approach rule as” current – conformity” from Karl Heinrich Marx in book of capital, has emphasized certain the aspects that we see today, although his life was not enough what thought, view (His birth in May 1818 in the western part of the North German Prussian and he died in March 1883), one of these cases is described in the book capital, Subject accumulation of goods and investments in the system of capitalism, this current while countries were deprived from technologies and neglected from synergy about their resources, For West was once so sweet, not only for the residents of the West, rather in everything markets by America influential in the East, with the help of the British colonial Europe and global Zionist, it was aimed at the mass consumer goods imports a lot and instead of building industry production base and mother factories , venture to Establish Industrial assembly, making of consumer goods and big warehouses and delivering of commodities from big company’s stores to hocuses stores , Upon full benefit of such a group or individual who overnight becomes the owner of the treasure Korah, in the past history of mankind do not know.

مارکس که از خانواده یهودی به سوی مسیحیت و پروتستان روی آورد و روحیه انقلابی که لازمه ایجاب و ایجاد جریان های ضد چپاول گری در نظام سرمایه داری بود و بخصوص وقتی با فلسفه تضاد و دیالکتیک هگل آشنا شد و رفقائی مثل فریدریش انگلس و لنین پیدا کرد ، مارکس دارای چارچوب های عمل کردی بود و نظرات خود را تحریر کرده و منتشر نمود و با افتراها و تهمت ها و مخالفان سرسختی نیز به مقابله پرداخت .

Marx Jewish family, who turned to Christianity and evangelical Protestants and has the revolutionary spirit for creating follow against plundering in capitalism and especially when contrasted with the philosophy of Hegel and his dialectic and found many friend like Engels and Lenin, Marx has the practical framework and wrote their opinions to publish them and got for confronting with defamation and violation tenacity about these matters.

غربی ها که هر روز به فلسفه فیلسوفان بدکردار واقف میشدند و از احکام غیر انسانی و اکیاولیسم (نیکولو ماکیاولی) تبعیت میکردند (که برای رسیدن به هدف کشتن دوست را مباح میداند- به مقاله من به عنوان انسان در جستجوی مطلوبیت مطلوب خود مراجعه نمایند- مولف) و آموزه های شیطانی تحت عناوین لیبرالیسم و مدرنیسم و غیره در فرهنگ خود و جهان مسلط خود نفوذ میدادند، حاصلی جزء اسراف، مصرف گرایی و به قهقرا بردن انسان دنیا پرست نداشت و فلسفه های استعلائی فیلسوفان، ایده آلیستی لقب گرفت و با مزاج شیطانی غرب خوش نیامد و ایده آلیستی مورد مذمت قرار گرفت و دانشگاه های جهان رهبری این طرز تفکر را به عهده گرفتند و ادبیات غرب برای اهل غرب پسند، مثل آیات وحی عمل میکردند که شیطان رهبری آنها داشت، نشانه ها و پدیده هایی از این دست، توسط کارل مارکس درک میشد و آنچه تصویر میکرد می نوشت و انتشار میداد.

Western while understood to bad behavior philosopher's views on that time and followed of Machiavellism (Nicola Machiavelli), (he gets to know permissible to kill friend- refer to my article about this matter) and many Satan doctrines such Liberalism and modernism, etc. entered in its culture and world's culture by their influence, there was nothing in parts of lavishment, consumerism and worldly-minded man to retrogradation, and transcendental philosophy from philosophers, was called Idealism, West evil nature are not welcome and Idealism became unsuitable from west's side and universities of the world accepted leadership this mentality and West literature to the West-friendly such inoperative verses that Satan has leadership in this matter, symptoms phenomenon like this Was conceived by Karl Marx and what he Imaged then wrote and issued.

مرام و رویه و دست آورد های فکری و فرهنگی غرب شد مایه تقلید، عادت و پز دادن سایر ملت ها و غرب هر روز که میگذشت به اهداف و اغراض شیطانی نزدیک تر میشد و چنگال خود را تا آخر در گلوی مردم جهان فرومیبرد و نشانه های خود را با جسارت و بیشرمانه آشکار می ساخت و از هیچ قدرتی، کشوری، انقلابی و... واهمه نداشت و تمام مساعی خود را برای به حداکثر رساندن تکاثر و خالی کردن جیب ملت ها و افزایش فقر جهانی ادامه داد (به مجموعه مقالات من در مورد فقر جهانی و نشانه شناسی دمدار ها مراجعه شود www.elmemofid.com)، تا اینکه طبیعت خشم خود را نشان داد، که غرب آنها را یک از انکشافات خود بنام تئوری آشوب (chaos theory) به ثبت رساند، ولی ابعاد آشوب طبیعت با ثبت و ربط بازی ها علمی آرام نگرفت، پاره شدن ازون (ozone) بر اثر گاز های متصاعده کارخانجات غربی و به دنبال آن، خشک سالی ها، جنگل سوزی ها و نظایر اینها، پی در پی پدید آمد، به قول مارکس، میوه ای که طبیعت می سازد و سوداگر مست آنها بی زحمت می بلعد، به تدریج از باغات کاسته شد و جریان تکوین خشم طبیعت را آشکار می ساخت، ولی اهالی کره زمین تصرف شده در خواب بودند.

The west Ideology and its accomplishments became caricature, posture and habits of other nations and west came nearer to its objectives and evil intentions everyday as if past and swallowed their grip on the throats of the rest of the world's people and cleared their signs by boldly and shamelessly and no power of the country, the revolution and was not afraid and all their efforts to maximize the multiplier and empty the nations,s pockets and increasing of world's poverty(refer to my set of articles about this matter – www.elmemofid.com) , till the nature of his anger revealed, that West advertised as one of its development as chaos theory patented!, but the chaos of nature Sign and Scientific Games wasn't quiet at all, being torn if ozone lyres(the warming of the Earth's atmosphere caused by the increasing concentration of atmospheric gases, such as water vapour and carbon dioxide. These gases absorb radiation emitted by the Earth, thus slowing down the loss of radiant energy from the Earth back to space.) and after that being dry-lands, forest fires and so on, subsequently emerged, according to Marx saying , fruit that nature makes and drunk businessman strike it devours, decreased gardens gradually and during development, revealing nature's wrath, but the inhabitants of the planet were captured in a dream.

سده 19 میلادی از قرن های پرجوش و خروش بود که از 1801 شروع و تا سال 1914 به عنوان سده نوزدهم طولانی بیک دوره تاریخی خاص با ویژگی های منحصر به دوره اثر گذار معروفیت پیدا کرد (https://fa.wikipedia.org/wiki/سده_۱۹_میلادی) ، این قرن سرمنشاء تشکیل کنگره وین ، زمینه ساز جنگ جهانی اول ، پایان امپراطوری های عثمانی ، اسپانیا و پرتغال بود و امپراتوری مغول و روم مقدس نیز به پایان رسید و از سلطه کلیسا خبری نبود ، ولی انگستان به عنوان امپراطوری بریتانیا ، یک ربع از جمعیت جهان و یک سوم سرزمین های کره خاکی را در اختیار گرفت و تجارتي که امروزه آثار آنرا می بینید ، راه انداخت ، برده داری در این دوره به پایان رسید و الکتریسیته ، صنعت نفت و فولاد در کشورهای چون آلمان ، ژاپن و امریکا رونق گرفت و تبدیل به امپراطوری های این زمان شدند و همراه این دگرگونی ها ، موجبات دومین انقلاب صنعتی نیز فراهم شد ، در روسیه انقلاب شد و سلسله چینگ در چین وارد انقلاب شدند و آشوب های اجتماعی فراوانی رخ داد که بسیار مفصل است.

The century of 19 AD was a hotblooded century that beginning from 1801 to 1914 as the 19 century take a spatial and long time so effective and famous(https://fa.wikipedia.org/wiki/سده_۱۹_میلادی) , this century was origin for established of congress Vienna, the ay of first world war , end of Turkish empire , Spain , Portugal and Mongol Empire ended the Holy Rome too and there was no church domination , but the British empire as Great Britain, has Talked a quarter of

the world population and one-third of earth of the world and has started commercialized today you can see it result, in this period ended slavery and Electricity, oil and steel industry in countries such as Germany, Japan and the US flourished and these countries changed to empires in during time and fellow this divergence, the second industrial revolution was also caused, in the Russian became revolution and Qing Dynasty in China was the revolution and occurred many big chaoses in this time those are mentioned in detail.

افراد پرسر و صدائی با ایده ها و نگرش های ویژه ای را در این دوره ملاحظه میکنید مثل کارل مارکس ، هگل ، نیچه ، انگلس ، لنین ، آبراهام لینکلن، امیر کبیر در ایران و غیره بود ، در این دوره آراء متضاد از هرگونه تفکر را ملاحظه میکنید ، و جنگ های عدیده ای در سراسر جهان ، فریدریش ویلهلم نیچه (زاده ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴ – درگذشته ۲۵ اوت ۱۹۰۰) ، در میان این کشمکش های فکری ، جنگ ها ، تصرف سرزمین ها ، قتل و غارت ها کتابی بنام کتاب دانش طربناک (دانش شادان) نوشت که بخشی از آن بنام دیوانه نام گرفت ، او در این بخش گفت :خدا مرده است (نعوذ بالله - آیه 58 سوره فرقان " وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ") و ما اورا کشتیم ، حال چگونه خود را تسلی خواهیم داد ([https://fa.wikipedia.org/wiki/فریدریش نیچه](https://fa.wikipedia.org/wiki/فریدریش_نیچه)) ، بگذریم که این نوع تفکر ، ضعف خدا شناسی است ولی نشان دهنده ابعاد وسیع جنایات و آشوب های بشری در این دوره میباشد، نیچه اضافه کرد "خدا مرده است. خدا مرده باقی می ماند؛ و ما او را کشته ایم. چگونه خود را تسلی خواهیم داد، جنایتکاران تمام جنایتکاران را؟ آنچه مقدس ترین و مقتدرترین چیز بود که تاکنون جهان به خود دیده است؟! بر اثر خونریزی بسیار حاصل از چاقوهای ما مرده است؛ چه کسی ما را از این خون ها پاک خواهد کرد؟ چه آبی برای ما موجود است تا خود را بشوئیم؟ چه اعیادی بهر کفاره، چه مناسک مقدسی را از خود ابداع خواهیم کرد؟ آیا عظمت این عمل بیش از اندازه برای ما عظیم نیست؟ آیا نبایستی تنها خود خدایانی دیگر شویم تا شایسته این کار باشیم؟ لذا او در دفاع از این منظر و نقدهایی تبارشناسانه بر دین و اخلاق مسیحی و نظریه او در این رابطه تحت عنوان « اخلاق ارباب برده ای (Master-slave morality) در واکنشی به پدیده « مرگ خدا » و بحران عمیق هیچ انگاری (nihilism)، و تعریف سوژه بشری به عنوان تجلی گاه اراده های متنازع و در کشاکشی که در مجموع با عنوان "اراده قدرت" اشاره میکند ، نیچه در آثار بعدی اش مفاهیم تأثیرگذاری همچون "آبر-مرد" و " بازگشت جاودان" را مطرح کرد) یعنی ما به ابر مرد وبا برگشتی جاودان نیاز داریم) و به طور فزاینده ای با قدرت های خلاقه فرد به عنوان نیرویی برای غلبه بر پیش فرض های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و نیل به ارزش های نو و سلامت زیبایی شناسانه درگیر شد و به غور و تفحص در باب آن ها پرداخت (مدرک Wicks, R. (Summer 2011) "[Friedrich Nietzsche](#)". The Stanford Encyclopedia of Philosophy, Edward N. Zlatan (Ed.). Retrieved 6 October 2011).

You can see many noisy persons with by ideas and spatial views in this time, like Karl Heinrich Marx, Hegel, Nietzsche, Engels, Lenin, Abraham Lincoln,

Amir Kabir in Iran and others, can you see the contrasting views consider of any course in their thinking and many wars in over the world, Friedrich Wilhelm Nietzsche (born October 15, 1844 - died August 25, 1900), between this conflicts thinking, wars, arrogating the territories, murder and plunders, he wrote a book as “happiness knowledge” that part of it was called crazy name, He said in this section: ” God was dead”(we seek refuge to Allah-verse 58 sural Forgan- And rely upon the Ever-Living who does not die, and exalt [Allah] with His praise. And sufficient is He to be, with the sins of His servants, Acquainted -Quran) and we killed him, how will us comfort!? Died due to bleeding our knives, who will wipe this blood from us? (https://fa.wikipedia.org/wiki/فَریدریش_نیچه), andfinally he said: we need to a “great man “and “everlasting coming back “source: Wicks, R. (Summer 2011) "[Friedrich Nietzsche](#)". The Stanford Encyclopedia of Philosophy, Edward N. Zlatan (Ed.). Retrieved 6 October 2011.

ولی خدواند متعال ، زنده و جاویدان ، شاهد و ناظر این ظلم ها بود و با جریان تکوینی خود ، به اداره هستی مشغول بوده و هست ، تحقیق در مورد کشف حقیقت در این زمان آغاز شده که خداناباوری به اوج خود رسیده بود ، ارزش های مطلق جهان چیست ؟ ، اعتقاد بیک قانون اخلاقی و جهان شمول ، و پایان دادن به نیهیلیسم (nihilism) و تجدید اراده قدرت و تبلور جوهر حقیقت (Essence of truth) جولانگاه اندیشه افراد متفکر این دوره شد و این امر طبیعی است که هر گاه بحران های جهانی به مرحله فوق خطر میرسد و از عهده انسان ها معمولی کاری ساخته نباشد و عمیق ترین ترس ها و اضطراب ها جوامع را فرامیگیرد ، صداها بلند میشود و خداجوئی آغاز میگردد (چون تنها او فریاد رس است) ، چون فقط او است که راهنمای متقیان و خردمندان بوده و چاره کار را نشان میدهد ، این حرکت تکوینی تاریخ است ، به اعتقاد و یا بی اعتقادی اشخاص هم ربطی ندارد ، این سنت الهی در حال فعالیت مستمر است و تنها انسان های معتقد ، برنده این میدان مبارزه خواهند بود.

But exalted Allah, alive and eternity, was witnessed the injustices and by himself current genesis, being so much active, researching of discovery about truth started that Atheism has reached to highest point ,what is the absolute value? , be believe world, including the moral law and discontinue to end of nihilism and will renew strength and crystallization of Essence of truth was android arena of wise people in this during time and it is natural that when the global crisis reach to above dangerous and ordinary people do not charge made anything and deepest fears and anxiety suffuses communities will reach near, it raised the sounds and being of seeking Allah (because He is the only one who comes to another rescue), this is move formative history of genesis , the belief or disbelief guys just

do not, The divine tradition is being actively and only the belief people , The winner of this fight will be.

کارل مارکس کتاب سرمایه را با همین خمیره ها نوشت و کسانی چون هگل که بدنبال کشف حقیقت بود و می خواست حقیقت را از طریق دیالکتیک تضاد شناسی خود بیرون آورد و یا انگلس ولنین که سری پر شور برای انقلاب داشتند و چالش های موجود آن زمان ، مباحثی را مطرح کرد که بعد از آن زمان و امروز شاهد تبلور تمام عیار آن هستیم ، او از خشم طبیعت سخن راند، از به یغما بردن منابع خام پرده برداشت و به تولید اضافه ارزش مطلق از طریق روند بهره کشی نیروی کار و نرخ های ارزش افزائی به نفع سرمایه داران متجاوز به حقوق حقه مردم نکات ارزنده ای بیان کرد ، در واقع این یک جهان بینی فوق مارکسیستی بود و زایشگاه مرام کمونیستی از کژ فهمی و یا سوء استفاده از این مفاهیم بوده است که در هر انقلابی به وجود میاید ، مثلاً در جریان انقلاب اسلامی ، عده ای تصمیم گرفتند، چگونه میتوان با رویکردها و یا به بهانه اسلام ، همان بساط گذشته را دایرکنند و در چپاول گری ها عده ای هم موفق بودند و هستند و کاری که مطمح دین مبین اسلام بود ، و آثاری که باید اثر باورهای احکام اسلامی داشته باشد در میداین دفاع مقدس تبلور یافت و در جاهای مهم دیگر کم اثر بود و به تحریر مطالب و تدوین اسناد ملی و بایگانی دائمی آنها منجر شد و بدست کسانی افتاد که نتیجه آن هزاران کارخانه تعطیل شده است ، این وقایع تلخ ، تصادفی به وقوع نپیوسته است .

Karel Marx wrote the capital book by this manner and those who like Hegel was seeking the truth and he wanted out of the truth through the dialectic of contradiction or Engels and Lenin, who had a series of sensational revolution and many challenges on that time, so, the issues raised that after that time, today we are witnessing a full-blown crystalized results them, Marx Spoke many notes valuable of the wrath of nature, of plundering raw materials discovered and states about absolute value added production on the way of exploitation of labor and rates of synergy values in favor of the capitalists invading the rights of people, indeed , this is a above Marxist worldview and communist ideology was misused thinking from the birth of these concepts that caused in every revolution, there, for example: in during the Islamic Revolution, someone decided how to this approach, or in the name of Islam, the same setup their past methods and in plundering were successful in casting a group of todays too, and what was the object of Islam and the works should have the effect of beliefs Islamic law and another important effect was low and affectless and writing and editing in national documents and archives they led ever and who was achieved, resulting in thousands of factories have been shut down, these bitter events , not accident happened.

سرمایه داری با شیوه تکاثری و ایجاد مرفه های بی درد در جامعه (که بهترین و واضح ترین بیانات آن از جانب خداوند متعال در قرآن کریم آمده است) ، در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، بر اساس جنبش اعتراضی ضد امپراتوری روسیه بود که در همین سال رخ داد و به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. مبنای انقلاب بر پایه "صلح-نان-زمین" استوار بود و این برنده ای بود که لنین و استالین و همراهان آنها به دست امپریالیسم غرب دادند ، این ساده انگاری که می توان با زور صلح ایجاد کرد و به همه نان و آب و زمین مساوی داد در هیچ جای کتاب سرمایه کارل مارکس نیامده است کتاب سرمایه شامل نظراتی دقیق از دست اندازی های غرب در منابع و منافع مردم جهان در آن موقع و آینده شوم سرمایه داری بود ، همین ساده نگری در سایر انقلاب ها هم رخ داده است ، بهر حال کمونسیت جهانی رخ داد و باعث بالندگی غرب گردید و موجبات فرار مغزها از شرق به غرب شد و باعث فقیر شدن و بیچاره شدن کشورهای بلوک شرق گردید که هنوز ادامه دارد ، در این میان چین با تغییر رفتار اقتصادی ، موفق سر در آورد و به راه موفق خود ادامه میدهد.

Capitalist mode of multiplier and creating of comfortable and whited diseased many people in community, was a rule in west, but in the 1917 Russian revolution, the movement of protest against the Russian Empire that happened the same year and Led to the overthrow of the Tsarist Empire and the establishment of the Soviet Union, Revolutionary principles basis on "peace-bread-land" was based and it was having an ace up west's sleeve that Linin and Stalin and their companions have forgiven to America, this simplification that can be created peace by force and bread was equal to all the land and water, not coming in nowhere in Marx capital book, the book of capital includes detailed comments from encroachment of capitalism in the interests of the world's nations at that time and the future ill luck of capitalism in the West, this simplistic in other revolutions have occurred, however, the global Communist was happened and West was led development and leading to a brain drain from East to West, and caused the East bloc countries were causing poor that continuous yet ,meanwhile, China's economic behavior changes, making his head and continues its successful way.

در این میان ، سکولاریسم ضربه دیگری بود که از جانب غرب و ساده انگاری سیاسیون دیگر در سایر کشورها مطرح شد و این مبارزه ای بود برای پایان دادن سلطه کلیسا و علم زدائی از سوی کلیسا که داستان مفصلی دارد و چیز هائی وارد دین مسیحیت شد که ربطی به دین نداشت ، آن هنگام که شرق کمونیست زده به سر و سینه خود میزد ، اقتصاد دانانی نظیر جان کنت گالبرایت، جان مینارد کینز، میلتون فریدمن، الفرد مارشال، فردریک اگوست ون هایک که از بزرگترین تئوریسین های لیبرال کلاسیک قرن بیستم بودند با ارائه نظریه عمومی اشتغال ، بهره و نقش پول ، تقویت بخش خصوصی و ایجاد کمپانی های چند ملیتی و فراملیتی ، و تکمیل سیاست های پولی و ارزی و تاسیس بانک جهانی و سازمانهای مسلط بر

سرنوشت دولت ها و ملت ها ، خواسته های غرب را قوام لازم بخشیدند وبا ایجاد مراکز فرهنگی چون هالیوود(Hollywood) که دختران زیبای سایر ملت ها را عریان نشان میدهند وسازمانهای مخفی ومخوف وغیر اینها ، قدرتی به دست غرب افتاد که داعیه رهبری جهان را توسط آمریکا ، مسلم خود دانست وفرعون زمان تشکیل گردید ، دراین میان طبیعت به همراه بردگان مدرنیته ، به حمالی مشغول شدند و غرب حکومت جهانی خود را استوار ساختند بطوریکه کسی اجازه نقد و اظهار نداشته وهیچ دانشمندی از آزادی بر خوردار نبوده واینکه کسی ، گروهی ، کشوری ، رهبری بتواند عرض اندام کند جزء محالات گردید ودنیا بین حاکم بلامنازع حداقلی ومحکومین بی اراده حداکثری تقسیم شد واین طرح مرزبندی غیر فیزیکی ژئوپولتیکی غیر مرئی جهان قرن بیستم وبیست ویکم گردید .

In the meantime, Secularism was another blow to other countries from west by oversimplification many politicians and this fight was for ending of domination of the church and declining of sciences from church that has detailed story and many things entered into Christianity, which had nothing to do with religion, when the East had beaten by Communist had to beat on his head and face, many Economics like John-Kenneth-Galbraith, John Maynard Keynes, Milton Friedman, Alfred Marshall, Friedrich August von Hayek, those who was Classical liberal theorists of the twentieth century ,by presenting of general recommendation about occupation ,the role of money and interest , reinforcement of private sectors, and created multinational and above national companies and accomplished policy making in monetary and exchanges and establish international bank , Hollywood that Beautiful naked girl show from other nations, secret and terrible organizations, proofing of whatever the west wanted and has obtained Power to the West was that claim world leadership by America, his indisputable know and Pharaoh was formed , in this meantime , nature whit modern slaves ,busy to portorage and West established its global governance So do not let anyone claiming rreviews and no scientist did not enjoy freedom and the fact that someone, any group, country , any leader can put one-self forward was impossible and the world was divided between the ruling majority undisputed minimal drift and maximum powers and this non-physical layout geo- political boundaries invisible became Twenty-first century in the world.

سیستم ها با همان وردی ها (input) وفرایندها (process)که غرب طراحی کرده بود ، مواد درسی دانشگاه ها شده وتعاملات جهانی را دربر گرفته واز دست آورد های دانشمندان شرق وغرب ومسلمنان، توسعه یافته وبه ابزار های هوشمند تبدیل گشت ، ماشین تکنولوژی غرب مرتب به توسعه خود پرداخت وزباله ومنسوخ شده های خود را روانه شرق کرد وهیچ قابلیت را برای صلح وآرامش مردم جهان

وبرخوردای ملت ها از مواهب الهی باقی نگذاشت ، و هیچ قضاوتی را بر خلاف عقاید و فراخاستن های خود مجاز ندانست و آنچه او انشاء میکرد وحی مُنزل بود ، واجتناب از آن گناهی کبیره محسوب میشود و اینکه یک شخصیت شجاع قیام کند و بگوید " امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند " از هزاران بمب اتمی بزرگتر و ضایعه درد ناک برای غرب قدر محسوب میشود (مگر میشود!!!) ، این قدرت تکوین و امر خداوند متعال است(امر محتوم و امر حکیم) و با محاسبات دنیا پرستان با آن همه ابزار علمی و فنی جور در نمی آید ، اصلاً نمی توانستند باورکنند ولی دنیا باور کرده و هرروز اعتقاد ملت های براین انقلاب جهانی را سخ تر میشود ولی سردمداران آمریکا و هم پیمانان اودر اروپا و غیره هنوز در خواب بسر میبرند و بر اشیاء ناکارآمد خود می بالند!!.

The systems was designed with the input and process by the West, became subject matter and study material in universities and World interactions surrounded and west developed from accomplishments of West, East and Muslims scientists and changed these knowledge into smart tools and West payed regularly to develop technology and their waste and abolished transferred into the East and no judgment did not allow against themselves-ideas, what he was willing revelation was voice from sky and avoid it was a great sin, and that a brave character rises and says" America can do no wrong" it was beggar than thousand atomic bomb and the lesion was painful for West bully(**Is it possible?!!**), this is the power of genesis and creation of exalted Allah(The inevitable command and Wise command), the calculation does not make worldliness with all their technical, they could not believe, but the world believe and nations steadfast more and more every day, but the leaders of both allies of America, etc. Living in a dream and boas of their facilities and inefficient!

طبیعت که خود در جهت تکوین راه می گشاید و هر روز سرعت میگیرد و حقایق هستی را نشان میدهد به یاری شتافته است ، این جریان تکوینی سیالیتی دارد که محاسبات آن با داده های غرب جوردر نمی آید ، ناسا برای سرزمین های مورد هدف ، آینده های سختی از خشک سالی و فقر و تباهی منتشر می کند و ایران و بعضی سرزمین های مورد هدف را سرزمین آینده ارواح قلمدا د میکند و بعضی هم در ایران ، این گونه مطالب سریعاً منتشر میکنند و خود را اندیشمند قلم داد تلقی کردند ، خدای رب العالمین هم زمستان خشکی نشان میدهد که این گول خورده های غرب زده ، بیشتر مراد دلشان و نیت اشان را اشکار کنند(آیه 54 سوره آل عمران- وَمَكْرُوا وَاللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ) و بعد ناسا می بیند در ایران سیل راه افتاده و مثل اربابان خود آب دهن قورت میدهد ، کشورهای اروپائی که می خواهند دستور اربایشان را اطاعت کنند ، از درون خود به زحمت افتاده اند ، ملت های مظلوم توان اظهار نظر و طرح گفتن های نوین و دلخواه خود را پیدا کرده اند و به تدریج چگالی مخالفت گوناگون با امریکا بیشتر شده و از قوای جهانی او کاسته شده و از همه جا ، حتی از سوی هم پیمانان او ، این صدا برخاسته است که امریکا دیگر رئیس

ورهر دنیا نیست، برود به 95 میلیون بیکار خود رسیدگی کند و 49 میلیون گرسنه خودش را سیر کند و از فرار سرمایه داران به مکزیک و سایر نقاط جهان جلوگیری کند، برود و به قتل و غارت داخلی خودپایان بدهد و برای سونامی مکرر در آمریکا فکر عاجلی کند که قطعاً قادر نیست، چون این از سنت الهی سرچشمه گرفته و انفجار نوری است که روشن شده و خاموش کردن آن بدست آمریکا میسر نیست.

Nature itself opens the way to further genesis; every day is speed and being facts show existence elements are rushed to help, this current of genesis has fluidity that does not make with data and calculates whit America at all, Nasa for its target lands, advertised a hard future from drought, poverty and corruption, Iran and target some lands called "Future land spirits" and somebody in iran issued these subjects speedily and saw thinker themselves, Allah also show that the dry winter!, those who be deceived from West, more meaning they reveal their intention(verse 54-surah alemran- And the disbelievers planned, but Allah planned. And Allah is the best of planners.), and next NASA is seeing that Flood occurred in Iran and like their masters saliva is swallowed, countries of Europe those it wants to obey their lord (America), from within, have struggled, the oppressed nations, they have found power to state comment on designs discourse and can them choices and opposition density gradually become more diverse America, and have been reduced from World powers of America, and from everywhere, even from its allies, the sound arose that America is the head of world leaders, it gets deal to its 95 million unemployed and 49 million hungry people feed themselves and prevents from its investors to Mexico and other parts of the world, goes and ends to plunder and murder of America self-care and thinks about Tsunami and for the immediate thought is repeated in the United States, that it cannot certainly, because this tradition originated from Allah and it is explosion of light and become clear and it is not possible to get America off.

واقعاً امروز غرب سرگران با این تولید مازاد و انباشته شده، نیروی بیکار و مازاد خود، نداشتن پروژه هائی که این نقیصه را رفع کرده و یا بازار هائی که مصرف کننده باشد، چه کار باید بکند؟، یقیناً راه های مناسب و حساب شده ای وجود دارد ولی توفیق انجام ندارد!، تبلیغات و بازار گردانی و از این قبیل دیگر کار ساز نیست بجای استفاده از فرصت های بین المللی (به مقالات من مراجعه شود) می خواهد با قلدری ویاوه گوئی، آب را گل آلود کند و ماهی بگیرد و ساده اندیشان را گول بزند، غافل است که اندیشمندان فرهیخته غرب چه کالبد شکافی های دقیقی از این رقص شمشیر و بازی های شیطانی انجام داده اند و نوشته خود را منتشر نموده اند که من عیناً چند مورد را برای مصادیق این بحث جدی و سرنوشت ساز در پایان این بحث آورده ام و با انتشار مقالاتی چند، وضعیت شوم آینده غرب را آشکار نمودم.

Today the West is really fun with the accumulated surplus; its work force and surplus; no having fix projects for remedying this problem or no have Markets where consumer , **What to do?** , there are many suitable ways for solving about this matter but do not succeed! Advertising and market participants and from such other handling does not work instead using of internarial opportunities,(refer to my article about this matter) , it wants by violence and idle talking , muddy water to catch fish and deceives simple-minded, be unaware that sophisticated thinkers of West what anatomize about these matters and this sword-dance and Satan plying and issued their written that I brought them many cases exactly end of this article and with the publication of several articles, I have a clear future status of the West.

از نظر من ، قدرت سلطه غرب به پایان رسیده است و توفیقی برای استفاده از فرصت های امروز جهان ندارد ، ایران مرکز و قطب بیدار باش جهان است و از خطرات جدی مصون خواهد ماند مشکلاتی که امروز در ایران وجود دارد برای جداسازی حق از باطل است و مقالاتی که بعضی از نویسندگان غربی تحت عنوان بالانس قدرت می نویسند ، یک خیال بافی بیش نیست !، ترازمندی در کار نیست ، آنچه آنان درک میکنند یک تسویه حساب جهانی است که در حال جریان است ، ما باید منتظر قیام 70 درصد جمعیت فقیر جهان باشیم ، پاشیده شدن نظام های سلطه و تقسیم امریکا به امریکاستان های کوچک و با حکام محلی و استیفای حقوق صاحبان حق آغاز شده است و اقتصاد چپاول گری شناخته شده و در حال فرو ریزی است ، من مایل هستم قسمت های از آنچه مطالب ارزنده نویسندگان غربی در ذیل آمده است ، به صورت خلاصه ترجمه کرده و در اختیار خوانندگان محترم قرار دهم :

In my view, the power of the West is over and it hasn't any success for using of today's world's opportunities, Iran is the world's wake-up center pole and serious risks remain safe, Problems that exist today in Iran is separation of right and wrong and many articles those it write from many writers from west regarding" balance of power" it is not more of indulgence in fanciful theories!, there is no equilibrium, what they understand is a world reckoning that are going now, we should wait to rise 70% poor people in the world , dissipating of sovereignty systems and division of America into small parts and by local authorities and rights owners has started right , ravaged and known economy getting collapse , I want translate many parts from west writers as abstract below and present to readers:

تصویر دانشمندان حقیقت یاب غربی از نظام سرمایه داری (در مقالات زیر):

The image of Western truth-finding scientists about capitalism (as follows articles):

1. در مقاله اول صفحه 22 این نوشته ، تحت عنوان تضاد در سرمایه داری از ناشر آن، نکات ارزنده ومهمی را می خوانید ، من باختصار گزینه هائی به شرح ذیل ارائه کرده ولیکن مطالعه همه مقاله که کم حجم است بسیار مفید است .

سوال اصلی ناشر در مورد عدالت اجتماعی سرمایه داری بوده ودراین نوشته آشکارمیسازد که سرمایه داری غرب ضد عدالت اجتماعی قیام کرده وفاصله شدیدی بین فقر وغنا ایجاد کرده است (که من در مقالات چندی ابعاد وسیعی از ایجاد فقر جهانی بدست غرب نوشته ام که عین مقالات در انتهای این نوشته آمده است) ، ناشر مذکور نتیجه اعمال ورفتار سرمایه داری را حاشیه نشینی میلیون ها نفر در زاغه های اطراف شهر بر شمرده وآنها را یک اقدام مسری در کشورهای مختلف میدانند که از طریق خیریه های صوری قابل جبران نیست (چگونه میشود 70 در صد فقر جهانی را که بالغ بر 3.5 میلیارد نفر در جای جای این کره زمین است با خیریه های که کاسه گدائی در دست دارند رفع کرد آمریکا در اشتغال 95 میلیون بیکار در آمریکا و49 میلیون گرسنه در آن کشوردر مانده است)، این مقاله به نحوی روشن وبا توجه به مصادیق وپدیده های آشکار شده ، نظام سرمایه داری یک نظامی عقلانی ، منصفانه و عادلانه نمیداند.

1. The article one in page 22, as the conflict in the capitalism of the issuer, you read the valuable and important tips, I briefly options provided are as follows and but it is useful reading of this article for reader.the essential issuer,s question was relates social justice in capitalism and he discovered that capitalism in the west was opposite social justice and made distance between severe poverty and rich (refer to my many article about this matter), publisher showed the result of the behavior of capitalism have been marginal residence of milions of people in huts and it considers an act of epidemic in different countries that cann,t be compensated by portratism charities (how is that 70 per cent of global poverty those are more than 3.5 billion people all over earth planet will be redressing by beggary bowls, America with 95 million unemployed and 49 million people hungry),this article pay attention clealy the capitalism is not a system of rational, fair and justine by phenomenal samples .

2. در مقاله دوم صفحه 28 از جمیز پرون (James Peron) در مورد تضاد در سرمایه داری با اصطلاح سپر بلا یا بُزطلیعه (scapegoat) یعنی کسیکه قربانی دیگران شود، بز طلیعه معنای دیگری دارد ، یعنی بلاگردان، کسی که گناه دیگران را به گردن او می اندازند، (در اصل -

یهودیان باستان) بُز قربانی که خاخام گناهان مردم را در گوشش می خواند و سپس می گذاشت فرار کند، کسی راقربانی دیگران کردن .

این مقاله نشان میدهد که سرمایه داری غرب ، ماهیت شیطانی داشته و در آن نه انصافی است و نه عدلی ، نویسنده مقاله مثل مقاله اول(مقاله یک) اشاره ای به کارل مارکس و کتاب سرمایه دارد و اقرار دارد که کارل یک سوسیالیست بوده و متن کتابش هم همین ماهیت را دارد ، بعد از فوت او در کشور انگلستان ، انجمن فابیان (Fabian society) که یک گروه سوسیالیستی انگلیسی بود ، در سال 1884 پایه گذاری کردند(An organization established by English socialists in 1884 whose objective was to spread socialism through gradual reform.) و این را از اندیشه مارکس گرفته بودند ، (بنابراین همانطور که من هم در نوشته هایم آورده ام کارل مارکس واضع سرمایه داری نبود و پدیده شوم کمونیستی هم خارج از اروپا در کشورهای شرقی و لاتین و غیره رخ داد و انجمن فابیان نقشی در تاسیس کمونیسم جهانی ندارد- مولف).

و اضافه میکند که انجمن مذکور با شعار زندگی خوب (the Good live) که فقر و بدبختی در آن نباشد و حقوق کارگران زحمت کش اداء شود و طبقه مرفهی زایش نکند ، کار خودش را شروع کرد ، او در مورد زنان و آینده فمینیسم (feminism) نیز بحث مربوطی دارد ، از نظر این نویسنده ، موضوع زنان (women) در غرب موجب پاشیدگی خانواده ها شده و مهاجرت ها و جداشدن های فراوانی را باعث شده است ، توصیه می کنم این مقاله را مطالعه نمایید.

The article two in page 28: from [James Peron](#) about being opposite of capitalism by term of “scapegoat” that it means who became scapegoat for others to continued his article , this article signed capitalism was satanic nature and it is neither fair nor justice, the writer like article one has believe that Karel Marx was a socialism and his book was like this identity too, after his death in England Fabian society, an organization established by English socialists in 1884, whose objective was to spread socialism through gradual reform and it was Marx's ideas,

3. مقاله سوم در صفحه 34 ، نقدی در مورد کاپیتالیسم است و گزارش طولانی میباشد از نویسندگانی که معتقد هستند که سرمایه داری فعلی دارای رویکردی آنارشیمی دارد ، و شورش های پی در پی در آمریکا برای ایجاد نظام سوسیالیستی بود که با حیل مختلف به کاپیتالیسم تبدیل شد (مثل همه انقلاب ها) ، نظام سرمایه داری رویکردی شرارت و شیطانی دارد ، به بهانه دموکراسی ، آزادی ، بازار آزاد ، سیاست های دیگری اتخاذ میکند ، در واقع این نظام دارای رویکردی بورژوازیستیک است ، ادعای رفاه اجتماعی برای عامه مردم ، حقوق بشر ، داشتن شهروندی سالم و با تغذیه سالم ، با پوشش های بیمه کامل ، و صدها وعده دیگر ، ولی متعلق به طبقه بورژوا است ، در عمل از کارگران مثل برده بهره کشی کرده و استثمار میکند ، اسراف کاری ، فقر گسترده ،

بی عدالتی و صدها ستم روا داشته است ، مطالعه این گزارش مفید را به خواننده محترم پیشنهاد می کنم .

The article three in page 34: it was a criticism about capitalism and a long report, the writers of this written believe that current approach of capitalism with anarchism and revolution of people of America continuously was for created the socialism not capitalism that it changed into capitalism by different tricks (like all revolutions) ,the capitalism has wickedness and satanic Approach , under the pretext of democracy, the freedom,free market,choose other policies , In fact, this system is a tick-bourgeois approach, claim social welfare to public , human rights, having healthy citizens with healthy eating and hundreds other appointments, but it is belonging to bourgeoisie,s class, in practice, the exploitation is exploitation of workers as slaves , Lavish work, widespread poverty , hundreds have been wronged injustice, I would recommend reading this report useful to the reader.

Article one

Contradictions in capitalism

See discussions, stats, and author profiles for this publication at:

<https://www.researchgate.net/publication/249599082>

Opening the World Bank: International) Organisations and the Contradictions of (Global Capitalism) Article in Historical Materialism · March 2005

Published Feb 13, 2012 9:35 PM

https://www.workers.org/2012/us/contradictions_in_capitalism_0223/

Abstracts with reference to agrarian environments in southern India, this article argues that insights from political ecology provide an important way to move forward on debates on human security and climate change adaptation. While current human security perspectives helpfully situate the pursuit of climate change adaption **within questions of social justice**, they have been less forthcoming in providing suitable analytical tools to conceptualize the relationship between power, inequality and vulnerability. **To address this gap**, insights from political ecology are used to specify the relational dynamics of vulnerability, i.e. the ways in which

marginalized peoples are adversely incorporated into political, social and economic relationships that produce their vulnerability while simultaneously creating relative security for others. **This perspective is elaborated with examples from Andhra Pradesh, India, where differential control over key productive assets including land, water, labour and credit is key to the hierarchical displacement of security/insecurity across the agrarian population.** By foregrounding the relational dynamics of vulnerability, this article provides analytical tools that offer a fuller account of the possibilities and limits to public policy aimed at sustainable climate change adaptation .

Succeeding social systems are birthed by the social system immediately preceding them. The bourgeoisie came out of a privileged middle layer that developed in feudal society. **Karl Marx states in Chapter 31 of “Capital,”** “Doubtless many small guild-masters, and yet more independent small artisans, or even wage laborers, transformed themselves into small capitalists, and (by gradually extending exploitation of wage labor and corresponding accumulation) into full-blown capitalists.”

For a time the conflicting modes of feudal and capitalist production existed side by side, but one had to win out. The capitalist mode of production requires the freedom of capital. This was incompatible with feudal ties to the land, with the secrecy of the trade guilds, and with the general organization of feudal society.

The feudal organization of society was doomed.

Before the emergence of the capitalist mode of production, products were made from start to finish on an individual basis. As manufacture was introduced, the old mode of production fell by the wayside.

Manufacture, with different workers doing different tasks on the same product, was superior to the whole product being made by an individual worker, as it required less labor time to produce a given product. The commodities of the two different modes of production had to be sold on the same market. The individual producer could not compete and had no choice but to become a wage worker.

With the constant upgrading of machinery characterized by capitalism, the product of the individual worker decreased even more in market value, not because the

quality of the product produced was poorer, but because it required too much labor time as compared to the social product of the factory.

Bosses expropriate what the workers produce

Under capitalism, production became socialized. That is, many workers hired by a capitalist and their collective labor, combined within an establishment with a definite production plan, produce useful commodities for exchange in order to make a profit for the capitalist. None of the products that are produced by the workers belong to them; they all belong to the capitalist. The workers receive a fraction of the value of what their labor produced in the form of wages.

This is one of the major contradictions within capitalism: the individual capitalist appropriates to himself or herself that which was produced socially by many workers. The worker is a wage slave. The product of his or her labor belongs to another. The wage of the worker in general is just enough for him or her and his or her family to make it to the next payday. He or she is a wage worker for life.

The profit of the capitalist, on the other hand, serves to further enslave the worker. Some of it will be used to further revolutionize the means of production, by investing it in better and/or more machines to expand the capitalist's enterprise, and still have enough left to live very high on the hog.

This capitalist does not exist alone. In whatever industry, the capitalists who produce the same or similar thing engage in fierce competition and always try to undersell each another. They use different tactics to cheapen the products that the workers produce. They buy more sophisticated manufacturing machines, and they intensify the exploitation of their workforce by making the workers work harder and/or longer.

The constant perfecting of machinery also displaces workers, as fewer workers are needed with the new machinery. As Frederick Engels said, “The very product of the worker is turned into an instrument for his subjugation.” The threat of replacing workers is a very powerful tool that the capitalists possess. They use this threat as downward pressure on the wages of the employed and to extract as much as they can out of each worker. So under capitalism, the increased productivity of the worker leads to still further exploitation.

Anarchy built into capitalist production

It is necessary for the capitalists to drop the price of the product in order to outsell their competition. But if prices are lowered, then many more items have to be produced and sold for the capitalist to maintain or increase his or her profits. Production soon outpaces consumption, as this competition eventually leads to more products on the market than can be sold at a profit.

If the capitalist has more items than can be sold profitably, then factories are closed and the workers laid off, left idle and without income. They cannot buy back the products they have made. There is a protracted stagnation until the market glut eases, the excess products are finally sold off, and production picks up again. This state of overproduction is the result of what we communists refer to as the anarchy in production.

The individual capitalist will very accurately figure out how much raw material and machinery are needed and how many workers to exploit in order to have so many end products, but they have no general plan for meeting the needs of society. Their only goals are profit and survival.

The competition that did away with the feudal mode of production has turned into competition between capitalists. It ever intensifies, and the weaker ones are always under threat of ruin. This, however, is not the kind of ruin that the workers face. A capitalist enterprise might be absorbed by a stronger enterprise or have to close shop and have its capital employed somewhere else. In any case, the ruin of any capitalist is not worth the shedding of any worker's tears.

The system itself is unstable. These competing capitalists are driven by an underlying law of capitalism — expand or die. At a time of protracted stagnation the stronger capitalists absorb the weaker ones. The suffering of the workers intensifies. As Engels states, “The mass of the workers are in want of the means of subsistence because they have produced too much of the means of subsistence”.

War is not one of the inventions of capitalism, but under capitalism the instruments of war have been revolutionized to a degree that could not have been imagined before production became socialized. A single device today can kill more people

than were killed in entire wars of earlier periods. The capitalist governments are not shy about employing their weapons. They are on a permanent war footing.

Capitalism breeds monopolization

The capitalists that survive these cyclical crises and emerge as victors are fewer in number and bigger and stronger — monstrous beasts that further exploit workers' labor power. So the anarchy in production in capitalist society leads to monopoly. Today, the capitalist class, through just a few hundred banks, corporations and other institutions, controls the commerce of the entire world.

In search of markets and resources, the capitalists have shown that they will do anything. As the famous words of a Mr. Dunning quoted by Marx go, “A certain 10 percent [profit] will ensure the employment of capital anywhere; 20 percent certain will produce eagerness; 50 percent, positive audacity; 100 percent will make it ready to trample all human laws; 300 percent, and there is no crime at which it will scruple, nor a risk it will not run, even to the chance of its owner being hanged.”

These days, though, hanging or any other punishment is less of a possibility for the capitalist. After all, it is their system and as such, it is designed to serve them. The rapid advance of the productive capacity of the world with the means of production primarily in the employ of the capitalist class has concentrated such absurd wealth in the hands of the capitalists as to be beyond obscene.

Capitalism was a dialectical inevitability in the evolution of human society. Previous social systems developed slowly. Capitalism has developed the means of production very rapidly, but in a relatively short time has outlived any usefulness. Capitalism cannot absorb the masses of unemployed workers. It has reached a point where there is now a new situation: We are living in the era of the jobless recovery.

The fundamental contradictions of capitalist production lead to other serious contradictions. These contradictions of capitalism are inherent in the system itself: Capitalist competition inevitably leads to crisis. These contradictions cannot be done away with within the bounds of the capitalist system. They occur independently, outside the will and control of the capitalists themselves.

Irrational system creating its gravediggers

Capitalism is not a rational system. Capitalists serve no necessary function in present society and are responsible for just about all the problems of society. The atrocities committed against the planet in their reckless pursuit of riches are mind boggling. The pursuit of oil and natural gas without study or precaution against potential risks is among the most harmful. The very air that we breathe and the water that we drink, two of the essentials that support life, have been poisoned by the capitalists. It is an amazing contradiction that capitalist competition causes them to be so reckless that they cause a reduction in the quality of the water that we drink and the air that we breathe. I presume that they drink the same water and breathe the same air.

My favorite contradiction of this rotten system is this: By constantly revolutionizing the means of production, communication and commerce, the capitalists have created a massive world proletariat. This class, our class, will be their undoing. They have created their own gravediggers. The historical task of the proletariat is the abolishing of capitalism and the construction of socialism.

Thinking rationally, the increased productivity of labor should not create misery for the producers nor should productivity lead to scarcity. Abundance should not be the source of distress and want. As long as the social product of the working class is stolen by the capitalist class, society cannot advance in any meaningful way.

No country as yet has achieved the goal of socialism, but those that have attempted it, and those that are aspiring to the socialist construction of society have more than proven that a planned economy is what the people of the world need. A major lesson learned by the attempt at state power by the Paris Commune in 1871 is that the capitalist must be uprooted. There has to be revolutionary change and there has never been a revolution without a revolutionary party. Welcome to Workers World.

Article two

The entire talk can be seen at www.workers.tv.

Articles copyright 1995-2012 Workers Worlds. Verbatim copying and distribution of this entire article is permitted in any medium without royalty provided this notice is preserved.

Workers World, 55 W. 17 St., NY, NY 10011

Email: ww@workers.org

Subscribe wwnews-subscribe@workersworld.net

Support independent news [DONATE](#)

The Contradictions of Capitalism

Capitalism Is the Eternal Scapegoat

By [James Peron](#)

<https://fee.org/articles/the-contradictions-of-capitalism/>

We advocates of individual rights and free markets can't win the intellectual debate with the ideological left. That's because there is no intellectual debate with the left. There can't be a debate since the opponents of capitalism are simply not open to rational discussion. **They know that capitalism is inherently evil**, and no argument, no evidence; no facts will convince them otherwise.

Consider this example. **Fabian socialism was founded in 1883**, the same year Karl Marx died, when a small group of intellectuals gathered at 17 Osnaburgh Street in London to hear lectures on the promised new world order of socialism. **From this meeting was formed the Fabian Society, dedicated to the willfully slow evolution of a socialist society in England.**

The Fabians were a strong, if not the strongest, influence on the British Labour Party and had the likes of George Bernard Shaw and Sidney and Beatrice Webb to spread their propaganda on the virtues of Stalinism and Soviet communism. Its list of members read like the Who's Who of British intellectuals and included R. H. Tawney, G.D.H. Cole, Harold Wilson, Harold Laski, Oswald Mosley (the founder of British fascism), Bertrand Russell, Clement Attlee, John Strachey, Stephen Spender, George Orwell, and others.

For over a century the Fabian Society has continued to promote a Marxist agenda for the various countries of the world. At the turn of the last century the Fabians waxed eloquently on the virtues of socialism and the vices of capitalism. They never tired of saying how capitalism would lead to poverty and misery for the bulk of England's workers. They promised that only a socialist centrally planned society could achieve wealth and prosperity. The workers, noted the socialists, could never find happiness and self-satisfaction so long as they were entrenched in the poverty of a capitalist economy.

The Fabian Society still exists. Not long ago, on BBC World, I watched a documentary series titled "Big Ideas." It was billed as an antidote to the pessimism of the politically correct. In truth it was hardly that at all. Instead the entire show, called "The Good Life," concentrated on an economist, Michael Jacobs, who is the general secretary of the Fabian Society. Did Jacobs continue the classical Fabian rhetoric of the last century and castigate capitalism for leading millions into poverty? Of course not. The laughter from the millions of workers viewing the show on their color televisions would have drowned out the rhetoric.

Instead he went on about how the wealth of capitalism doesn't lead to happiness. He lamented the luxuries of the average worker and ridiculed those who work hard to get ahead. This, he said, was clearly the fault of capitalism. It seems that capitalism leads to too much prosperity, causing people to seek out luxuries and status-symbol consumer goods. Lest you think this an exaggeration, the BBC described the show this way: "Evan Davis presents the series which tests ideas at the cutting edge of debate. Evan is joined by Michael Jacob of the Fabian Society, who argues that although Britain has become more prosperous, we have sacrificed our quality of life. We are working too hard, buying too many useless luxuries, and destroying the environment. But does the answer lie with individuals or can government action create the good life for everyone?"¹

When it was pointed out to Jacobs that individuals who didn't want to work hard didn't have to do so, he was unpersuaded. The problem with the wealth of consumer capitalism is that the system itself forces people to compete. The individual, who wants to drop out, perhaps to read the works of Marx, can't do so because of the structure of the system. He is a victim of capitalism. People should,

instead, be free to concentrate on the “important” things, by which he means things which Jacobs thinks important.

Of course, the solution to this structural problem is the “social ownership” of the means of production. Jacobs wants regulations and laws to prevent competition and wealth-gathering.

Just about one century ago his Fabian forerunners were saying that capitalism leads to poverty and that only socialism can create wealth for the workers. Turning a blind eye to a century of rhetoric, today’s Fabians are attacking capitalism for creating too much wealth. A century ago the worker, living in poverty, would never find happiness. Today the Fabians argue that happiness is illusive because of the temptations of the riches created by capitalism. When poverty was the alleged problem the Fabians advocated state control. When prosperity reigns, it too is defined as a problem and they advocate state control. You start to get the impression that the “problems” don’t concern them and that what they really want is just state control.

Socialists loved to warn that capitalism leads to monopoly. They were utterly convinced (by what, exactly, we will never know) that a market economy would mean less and less competition as time went by. Eventually, competition would disappear altogether, and the poor consumer would be at the mercy of ruthless profit mongers. Yet a century later the Fabians are condemning capitalism for creating too much competition. The poor entrepreneur doesn’t have time to stop and smell the roses along the way. Have I missed something?

Environmental Objections

Of course the environmentalist allies of the socialists have similar complaints. We all know that capitalism is destroying the planet. Take “nonrenewable” resources. The greens love to argue about how capitalism is using up the natural resources. A nonrenewable resource is obviously a resource that, once used, vanishes. A lump of coal that is burned is no longer a lump of coal and thus is nonrenewable. It doesn’t matter that all the natural resources that are commonly used by man have known supplies that will last us for centuries. The fact is that a resource that is nonrenewable must disappear someday—or so they assume. There are many reasons

why this is simply not true, but let's grant the greens their premises for a moment. Capitalism is evil because it uses resources that are destructible.

But that's not all. Capitalism is also evil because it creates resources that are not destructible. If you think the greens get upset when modern society uses a nonrenewable resource, look how they act when renewable resources are used. Plastic is evil because it doesn't degenerate. But what are the choices? Under any economic system some resources have to be used. We can use resources that are destroyed—but that is evil. Or we can use resources that are not destroyed—but that's evil as well. As the late Professor Petr Beckmann noted, the greens have a unique argument: “If it is nonrenewable, don't use it, use something indestructible instead; if it is indestructible, don't use it either. Nothing is feasible except the two possibilities he [the environmentalist] has set his heart on: a return to the caves or doomsday.”²

We've seen this “damned-if-you-do, damned-if-you-don't” logic from the environmentalists before. Take the issue of the rain forest as an example. We have been warned that man's incursions into the rain forest may bring us to the brink of disaster. Lurking behind some fern could be a new, deadly virus unknown to mankind. Contact with it could lead to the destruction of humankind since people may not be immune to such diseases. No, it is far better that man avoid the rain forest altogether, except for those primitive tribes that have learned how to live in harmony with nature.

But don't forget there is another reason the rain forest must be saved. After all who knows what miraculous medical cures could be found in the leaves, roots, or barks of indigenous plant life? We may find the cure for cancer there—unless a deadly virus kills us all first.

Just a few decades ago the environmentalists were lamenting that in America wilderness areas were being turned into farmland. They cried about the dire consequences of the depletion of timberland. The fact is that privately owned timberland has been increasing in the United States, leading to a growth in all forestland, not a reduction. America's forests today are larger than they have been in about a century.³ So are these anti-capitalists happy? Of course not. Now they are screaming about the loss of farmland!

The Fate of Women

The feminist left, building on old Marxist theories, attacked capitalism because it enslaved women as breeding machines. One article from *Socialist Review* stated that “the very structures of capitalism oppress women.” This is because the capitalist class needs the family: “[Capitalists] needed a family where the next generation of workers (and the existing generation) could be fed, cared for, socialized and given rudimentary health care and education-at minimal cost to the capitalist class itself.”⁴The author continues, “The role of the family in the reproduction of labour power was and is central to its [the family's] existence-and to the oppression of women-today.”⁵

This is typical Marxism, which argues the family is a creature of evil capitalist exploitation. So they should be thrilled at trends in the modern world that limit the function of the family. Well, no; once again evil capitalists are also blamed for destroying the family. The very same article quoted above then laments: “It is often said that the capitalist system itself acts to break down the family. The pressures of working people mean that the reality of the family does not match the ideal. Families are torn apart by emigration, having to move jobs, or by the pressures of school and work. The divorce rate has soared, teenagers can't wait to leave home, and more and more people live outside the conventional nuclear family.”⁶ The author has managed to condemn capitalism for creating the family and for destroying it at the same time.

Wendy McElroy notes that feminists “consider marriage to be an involuntary state, in which women have the status of chattel. To them, marriage and the family are inextricably bound up with private property, the class structure and the mode of production. In other words, the family is an aspect of capitalism.”⁷ Thus the social order of the day is a creature of capitalism. On the other hand anti-capitalist philosopher John Gray has argued that capitalism is destructive to the social order and says that “libertarian condemnation of the state and celebration of the free market is a recipe for social breakdown and political instability.”⁸

The system of world free trade, or global capitalism, also offends all Marxists. The *Iverson Dictionary of Terms and Terminology of Sociology* defines the “Third World” as those nations that suffer the exploitation of capitalism. “Those less

powerful, less influential non-Western governments of usually colored peoples who have experienced colonialization, are ex-colonized, or have experienced modern capitalism as a form of imperialism, i.e., those countries whose cultures have been disrupted by industrialization and expropriation of their natural resources with little or no concern by the capitalists about the disruption, oppression, and exploitation of the people or just compensation for their labor or natural resources.”⁹

One “revolutionary” British group says globalization is the “super-exploitation of the mass of the world by a handful of rich capitalist countries.” No surprise there since Marxists hate freedom of exchange and are expected to condemn capitalism on that account. But in the very next paragraph the group laments how the Cuban “revolution” has withstood “a sustained economic blockade at the hands of the world’s most powerful economic and military power, the United States.” The embargo of U.S. goods only, since most other countries ignore the “blockade,” is blamed by the left for Cuba’s dismal economic performance. They say Cuba is poor because it is denied access to the trading markets of the United States. And Cuba would be richer if allowed to participate in market globalization.¹⁰

So the Third World is poor because it isn’t embargoed, and Cuba is poor because it is embargoed. Trade with the West leads to poverty, and the lack of trade with the West leads to poverty. Take your pick.

Yet here in Africa the left argues that a lack of Western investment is proof of latent racism. And what should capitalists do with the profits from investments in the developing world? If they take the profits out, this is condemned. But if they reinvest them, that is condemned as well. One leftist book from the 1960s, *The Political Economy of Growth* by Paul Baran, took both positions simultaneously. “It is very hard to say what has been the greater evil as far as the economic development of underdeveloped countries is concerned: the removal of their economic surplus by foreign capital or its reinvestment by foreign enterprise.”¹¹

To the left, capitalism is the eternal scapegoat and the explanation for all that goes wrong in the world. Whatever social problems exist in the West are, of course, all due to the evil nature of capitalism. And whatever problems exist in Marxist nations is the result of the evil nature of capitalism as well. People are poor—blame

capitalism. But blame capitalism if they are “too” rich. For the left, capitalism can do no good, just as the devil can do no good. Once you abandon reason, no rational debate is possible.

Notes

www.bbc.co.uk/schedules/1999/09/12/bbc2.html.

Petr Beckmann, *Eco-Hysterics and the Technophobes* (Boulder, Colo.: Golem Press, 1973), p. 68.

Julian L. Simon, *Population Matters* (New Brunswick, N.J.: Transaction Publishers, 1990), p. 328.

Lindsay German, “Will Women Always Be Oppressed?,” *Socialist Review*, March 1994, www.otherdavos.net/PDF/Lindsay2.pdf.

Article three

Criticism of capitalism

From Wikipedia, the free encyclopedia

https://en.wikipedia.org/wiki/Criticism_of_capitalism

This article lists arguments against capitalism. For a summary of ideologies opposed to capitalism, see [Anti-capitalism](#).



Criticism of capitalism ranges from expressing disagreement with the principles of capitalism in its entirety to expressing disagreement with particular outcomes of capitalism.

Criticism of capitalism comes from various political and philosophical approaches, **including anarchist, socialist, religious and nationalist viewpoints**. Among those wishing to replace capitalism with a **different method** of production and social organization, a distinction can be made between those believing that capitalism can only be overcome through revolution (**e.g. revolutionary socialism**) and those believing that structural change can come slowly through political reforms (**e.g. democratic socialism**). Some critics believe there are merits in capitalism and wish to balance it with some form of social control, typically through government regulation (**e.g. the social market movement**).

Prominent among critiques of capitalism are accusations that capitalism is inherently exploitative, that it is unsustainable, that it creates economic inequality, that it is anti-democratic and leads to an erosion of human rights and that it incentivizes imperialist expansion and war.

Contents

1 Issues

1.1 Democracy and freedoms

1.2 Exploitation of workers

1.3 Imperialism and political oppression

1.4 Inefficiency, irrationality and unpredictability

1.4.1 Market failure

1.5 Inequality

1.6 Market instability

1.7 Property

1.8 Sustainability

2 History

3 Criticisms of capitalism

[3.1 Anarchist criticisms of capitalism](#)

[3.2 Socialist criticisms](#)

[3.2.1 Marxian criticisms](#)

[3.3 Religious criticisms](#)

[3.4 Conservative and traditionalist criticisms](#)

[4 See also](#)

[5 References](#)

[6 External links](#)

"Capitalism is the astounding belief that the wickedest of men will do the wickedest of things for the greatest good of everyone".

— [John Maynard Keynes](#)^[1]

Democracy and freedoms

Further information: [Free market § Criticisms](#)

Economist [Branko Horvat](#) stated that "[I]t is now well known that capitalist development leads to the concentration of capital, employment and power. It is somewhat less known that it leads to the almost complete destruction of economic freedom".^[2]

Critics argue that capitalism leads to a significant loss of political, democratic and economic power for the [vast majority](#) of the global human population. The reason for this is they believe capitalism creates very large concentrations of money and property in the hands of a relatively small minority of the global human population (the [elite](#) or the "[power elite](#)"), leading, they say, to very large and increasing, wealth and income inequalities between the elite and the majority of the population.^[3] "Corporate capitalism" and "[inverted totalitarianism](#)" are terms used by the aforementioned activists and critics of capitalism to describe a capitalist marketplace—and society—characterized by the dominance of [hierarchical](#), [bureaucratic](#), [large corporations](#), which are legally required to

pursue profit without concern for social welfare. Corporate capitalism has been criticized for the amount of power and influence corporations and large business interest groups have over government policy, including the policies of regulatory agencies and influencing political campaigns. Many social scientists have criticized [corporations](#) for failing to act in the interests of the people; they claim the existence of large corporations seems to circumvent the principles of democracy, which assumes equal power relations between all individuals in a society.^[4] As part of the [political left](#), activists against corporate power and influence support a decreased [income gap](#) and improved [economical equity](#).

The rise of giant [multinational corporations](#) has been a topic of concern among the aforementioned scholars, intellectuals and activists, who see the large corporation as leading to deep, structural erosion of such basic [human rights](#) and [civil rights](#) as [equitable wealth and income distribution](#), equitable democratic political and socio-economic [power representation](#) and many other human rights and needs. They have pointed out that in their view large corporations create false needs in consumers and—they contend—have had a long history of interference in and distortion of the policies of [sovereign nation states](#) through high-priced legal [lobbying](#) and other [almost always legal](#), powerful forms of [influence peddling](#). In their view, evidence supporting this belief includes invasive advertising (such as [billboards](#), television ads, [adware](#), [spam](#), [telemarketing](#), child-targeted advertising and [guerrilla marketing](#)), massive open or secret corporate political campaign [contributions](#) in so-called "democratic" elections, [corporatocracy](#), the [revolving door](#) between government and corporations, [regulatory capture](#), "[too big to fail](#)" (also known as "[too big to jail](#)"), massive taxpayer-provided corporate [bailouts](#), [socialism/communism for the very rich](#) and brutal, vicious, [Darwinian capitalism](#) for everyone else, and—they claim—seemingly endless global news stories about [corporate corruption](#) ([Martha Stewart](#) and [Enron](#), among many^[citation needed] other examples). Anti-corporate-activists express the view that large corporations [answer only](#) to large shareholders, giving [human rights](#) issues, [social justice](#) issues, environmental issues and other issues of high significance to the [bottom 99%](#) of the global human population virtually no consideration.^{[5][6]}

[David Schweickart](#) wrote that in capitalist societies:

Ordinary people are deemed competent enough to select their political leaders-but not their bosses. Contemporary capitalism celebrates democracy, yet denies us our democratic rights at precisely the point where they might be utilized most immediately and concretely: at the place where we spend most of the active and alert hours of our adult lives.^[7]

[Thomas Jefferson](#), one of the founders of the United States, said "I hope we shall crush [...] in its birth the aristocracy of our moneyed corporations, which dare already to challenge our government to a trial of strength and bid defiance to the laws of our country".^[8] In an April 29, 1938 message to [Congress](#), [Franklin D. Roosevelt](#) warned that the growth of private power could lead to [fascism](#):

[T]he liberty of a democracy is not safe if the people tolerate the growth of private power to a point where it becomes stronger than their democratic state itself. That, in its essence, is fascism — ownership of government by an individual, by a group, or by any other controlling private power.^{[9][10][11]} [...] Statistics of the [Bureau of Internal Revenue](#) reveal the following amazing figures for 1935: "Ownership of corporate assets: Of all corporations reporting from every part of the Nation, one-tenth of 1 percent of them owned 52 percent of the assets of all of them".^{[9][11]}

[United States President Dwight D. Eisenhower](#) criticized the notion of the confluence of corporate power and *de facto* fascism^[12] and in [his 1961 Farewell Address to the Nation](#) brought attention to the "conjunction of an [immense military establishment and a large arms industry](#)" in the United States^[13] and stressed "the need to maintain balance in and among national programs – balance between the private and the public economy, balance between cost and hoped for dvantage".^[13]

Exploitation of workers

See also: [Wage slavery](#)



"Of usury", from [Sebastian Brant's Stultifera Navis \(the Ship of Fools\)](#); [woodcut](#) attributed to [Albrecht Dürer](#))

Critics of capitalism view the system as inherently [exploitative](#). In an economic sense, exploitation is often related to the [expropriation](#) of labor for [profit](#) and based on [Karl Marx's](#) version of the [labor theory of value](#). The labor theory of value was supported by classical economists like [David Ricardo](#) and [Adam Smith](#) who believed that "the value of a commodity depends on the relative quantity of labor which is necessary for its production".^[14]

In [Das Kapital](#), Marx identified the commodity as the basic unit of capitalist organization. Marx described a "common denominator" between commodities, in particular that commodities are the product of labor and are related to each other by an [exchange value](#) (i.e. [price](#)).^[15] By using the labor theory of value, [Marxists](#) see a connection between labor and exchange value, in that commodities are exchanged depending on the [socially necessary labor time](#) needed to produce them.^[16] However, due to the productive forces of industrial organization, laborers are seen as creating more exchange value during the course of the working day than the cost of their survival (food, shelter, clothing and so on).^[17] Marxists argue that capitalists are thus able to pay for this cost of survival while expropriating the excess labor (i.e. [surplus value](#)).^[16]

Marxists further argue that due to [economic inequality](#), the purchase of labor cannot occur under "free" conditions. Since capitalists control the [means of](#)

[production](#) (e.g. factories, businesses, machinery and so on) and workers control only their labor, the worker is naturally coerced into allowing their labor to be exploited.^[18] Critics argue that exploitation occurs even if the exploited consents, since the definition of exploitation is independent of consent. In essence, workers must allow their labor to be exploited or face starvation. Since some degree of unemployment is typical in modern economies, Marxists argue that wages are naturally driven down in free market systems. Hence, even if a worker contests their wages, capitalists are able to find someone from the [reserve army of labor](#) who is more desperate.^[19]

Unions are the "traditional method" for workers to have more [bargaining power](#) in the marketplace.^[citation needed] The act (or threat) of [striking](#) has historically been an organized action to withhold labor from capitalists, without fear of individual retaliation.^[20] Some critics of capitalism, while acknowledging the necessity of trade unionism, believe that trade unions simply reform an already exploitative system, leaving the system of exploitation intact.^{[21][22]} [Lysander Spooner](#) argued that "almost all fortunes are made out of the capital and labour of other men than those who realize them. Indeed, large fortunes could rarely be made at all by one individual, except by his sponging capital and labour from others".^[23]

[Labor historian Immanuel Wallerstein](#) has argued that [unfree labor](#)—by [slaves](#), [indentured servants](#), [prisoners](#) and other coerced persons—is compatible with capitalist relations.^[24]

Academics such as [Howard Gardner](#) have proposed the adoption of upper limits in individual wealth as "a solution that would make the world a better place".^[25]

Imperialism and political oppression

Critics of capitalism (e.g. [John Bellamy Foster](#) and [Robert W. McChesney](#)) argue that the system is responsible for not only economic exploitation, but also [imperialist](#), [colonial](#) and [counter-revolutionary](#) wars and repression of workers and trade unionists.^[26]

Near the start of the 20th century, [Vladimir Lenin](#) claimed that state use of military power to defend capitalist interests abroad was an inevitable corollary of monopoly capitalism.^{[27][28]} He argued that capitalism needs imperialism in order to

survive.^[29] According to Lenin, the export of financial capital superseded the export of commodities; banking and industrial capital merged to form large financial cartels and trusts in which production and distribution are highly centralized; and [monopoly capitalists](#) influenced state policy to carve up the world into spheres of interest. These trends led states to defend their capitalist interests abroad through military power.

The [military-industrial complex](#), mentioned in [Dwight D. Eisenhower's](#) presidential farewell address, appears to play a significant role in the American capitalist system. It may be one of the driving forces of American militarism and intervention abroad.^[30]

Inefficiency, irrationality and unpredictability[\[edit\]](#)

Some opponents criticize capitalism's perceived [inefficiency](#). They note a shift from pre-industrial [reuse](#) and thriftiness before capitalism to a consumer-based economy that pushes "ready-made" materials.^[31] It is argued that a [sanitation](#) industry arose under capitalism that deemed trash valueless—a significant break from the past when much "waste" was used and reused almost indefinitely.^[31] In the process, critics say, capitalism has created a profit driven system based on selling as many products as possible.^[32] Critics relate the "ready-made" trend to a growing garbage problem in which 4.5 pounds of trash are generated per person each day (compared to 2.7 pounds in 1960).^[33] [Anti-capitalist](#) groups with an emphasis on [conservation](#) include [eco-socialists](#) and [social ecologists](#).

[Planned obsolescence](#) has been criticized as a wasteful practice under capitalism. By designing products to wear out faster than need be, new consumption is generated.^[31] This would benefit corporations by increasing sales while at the same time generating excessive waste. A well-known example is the charge that Apple designed its [iPod](#) to fail after 18 months.^[34] Critics view planned obsolescence as wasteful and an inefficient use of resources.^[35] Other authors such as [Naomi Klein](#) have criticized brand-based marketing for putting more emphasis on the company's name-brand than on manufacturing products.^[36]

Some economists, most notably [Marxian economists](#), argue that the system of perpetual capital accumulation leads to irrational outcomes and a mis-allocation of

resources as industries and jobs are created for the sake of making money as opposed to satisfying actual demands and needs.^[37]

Market failure

[Market failure](#) is a term used by economists to describe the condition where the allocation of goods and services by a market is not [efficient](#). [Keynesian economist](#)^[38] [Paul Krugman](#) views this scenario in which individuals' pursuit of self-interest leads to bad results for society as a whole.^[39] [John Maynard Keynes](#) preferred [economic intervention](#) by government to free markets.^[40] Some believe that the lack of [perfect information](#) and [perfect competition](#) in a free market is grounds for government intervention. Others perceive certain unique problems with a free market including: [monopolies](#), [monopsonies](#), [insider trading](#) and [price gouging](#).^[41]

Inequality[[edit](#)]

Main article: [Economic inequality](#)



A man at the protest event [Occupy Wall Street](#)

Critics argue that capitalism is associated with the unfair [distribution of wealth](#) and power; a tendency toward market monopoly or [oligopoly](#) (and government by [oligarchy](#)); imperialism, counter-revolutionary wars and various forms of economic and cultural exploitation; [repression](#) of workers and [trade unionists](#) and phenomena such as [social alienation](#), economic inequality, unemployment and economic instability. Critics have argued that there is an inherent tendency toward oligopolistic structures when *laissez-faire* is combined with capitalist private property. Capitalism is regarded by many socialists to be irrational in that production and the direction of the economy are unplanned, creating many

inconsistencies and internal contradictions and thus should be controlled through [public policy](#).^[42]

In the early 20th century, [Vladimir Lenin](#) argued that state use of military power to defend capitalist interests abroad was an inevitable corollary of monopoly capitalism.^[43]

[Che Guevara](#) wrote:

The laws of capitalism, which are blind and are invisible to ordinary people, act upon the individual without he or she being aware of it. One sees only the vastness of a seemingly infinite horizon ahead. That is how it is painted by capitalist propagandists who purport to draw a lesson from the example of [Rockefeller](#) — whether or not it is true — about the possibilities of individual success. The amount of poverty and suffering required for a [Rockefeller](#) to emerge, and the amount of depravity entailed in the accumulation of a fortune of such magnitude, are left out of the picture, and it is not always possible for the popular forces to expose this clearly.... It is a contest among wolves. One can win only at the cost of the failure of others.^[44]

A modern critic of capitalism is [Ravi Batra](#), who focuses on inequality as a source of immiserization but also of system failure. Batra popularised the concept "share of wealth held by richest 1%" as an indicator of inequality and an important determinant of depressions in his best-selling books in the 1980s.^{[45][46]}

In the United States, the shares of earnings and wealth of the households in the top 1 percent of the corresponding distributions are 21 percent (in 2006) and 37 percent (in 2009), respectively.^[47] Critics, such as Ravi Batra, argue that the capitalist system has inherent biases favoring those who already possess greater resources. The inequality may be propagated through inheritance and economic policy. Rich people are in a position to give their children a better education and inherited wealth and that this can create or increase large differences in wealth between people who do not differ in ability or effort. One study shows that in the United States 43.35% of the people in the [Forbes](#) magazine "400 richest individuals" list were already rich enough at birth to qualify.^[48] Another study indicated that in the United States wealth, race and schooling are important to the inheritance of economic status, but that IQ is not a major contributor and the

genetic transmission of IQ is even less important.^[49] Batra has argued that the tax and benefit legislation in the United States since the [Reagan presidency](#) has contributed greatly to the inequalities and economic problems and should be repealed.^[50]

Market instability^[edit]



Business might "fail", or not sell enough to pay bills

Critics of capitalism, particularly Marxists, identify market instability as a permanent feature of capitalist economy.^{[51][52]} Marx believed that the unplanned and explosive growth of capitalism does not occur in a smooth manner, but is interrupted by periods of overproduction in which stagnation or decline occur (i.e. [recessions](#)).^[53] In the view of Marxists, several contradictions in the capitalist [mode of production](#) are present, particularly the internal contradiction between anarchy in the sphere of capital (i.e. [free market](#)) and socialised production in the sphere of labor (i.e. [industrialism](#)).^[54] In *The Communist Manifesto*, Marx and Engels highlighted what they saw as a uniquely capitalist juxtaposition of overabundance and poverty: "Society suddenly finds itself put back into a state of momentary barbarism. And why? Because there is too much civilization, too much means of subsistence, too much industry, too much commerce".^[53]

Property^[edit]

In discussions of the sensitive issue of property, it is critical to make a clear distinction between [private property](#) and [public property](#). While the critics of capitalism listed/discussed below are calling for the abolition of private property

and its transformation into [the commons](#) or public property, they nonetheless retain respect for [personal property](#) rights.

[Pierre-Joseph Proudhon](#) and [Friedrich Engels](#) argue that the [free market](#) is not necessarily free, but weighted towards those who already own private property.^{[19][55]} They view capitalist regulations, including the enforcement of [private property](#) on land and exclusive rights to natural resources, as unjustly [enclosing](#) upon what should be owned by all, forcing those without [private property](#) to sell their labor to capitalists and landlords in a market favorable to the latter, thus forcing workers to accept low wages in order to survive.^[56] In his criticism of capitalism, Proudhon believed that the emphasis on private property is the problem. He argued that [property is theft](#), arguing that private property leads to despotism: "Now, property necessarily engenders despotism—the government of caprice, the reign of libidinous pleasure. That is so clearly the essence of property that, to be convinced of it, one need but remember what it is, and observe what happens around him. Property is the right to use and abuse".^[55] Many left-wing anarchists, such as [anarchist communists](#), believe in replacing capitalist private property with a system where people can lay claim to things based on personal use and claim that "[private] property is the domination of an individual, or a coalition of individuals, over things; it is not the claim of any person or persons to the use of things" and "this is, usufruct, a very different matter. Property means the monopoly of wealth, the right to prevent others using it, whether the owner needs it or not".^[57]

[Mutualists](#) and some anarchists support markets and private property, but not in their present form.^[58] They argue that particular aspects of modern capitalism violate the ability of individuals to trade in the absence of coercion. Mutualists support markets and private property in the product of labor, but only when these markets guarantee that workers [will realize for themselves](#) the value of their labor.^[55]

In recent times, most economies have extended private property rights to include such things as [patents](#) and [copyrights](#). Critics see this as coercive against those with few prior resources. They argue that such regulations discourage the sharing of ideas and encourage nonproductive [rent seeking](#) behavior, both of which enact a [deadweight loss](#) on the economy, erecting a prohibitive barrier to entry into the

market.^[59] Not all pro-capitalists support the concept of copyrights, but those who do argue that compensation to the creator is necessary as an incentive.^[59]

Sustainability[\[edit\]](#)

See also: [Steady-state economy § Capitalism without growth](#)

One of the main modern criticisms to the [sustainability](#) of capitalism is related to the so-called commodity chains, or production/consumption chains.^{[60][61]} These terms refer to the network of transfers of materials and commodities that is currently part of the functioning of the global capitalist system. Examples include high tech commodities produced in countries with low average wages by multinational firms and then being sold in distant high income countries; materials and resources being extracted in some countries, turned into finished products in some others and sold as commodities in further ones; and countries exchanging with each other the same kind of commodities for the sake of consumer's choice (e.g. Europe both exporting and importing cars to and from the United States). According to critics, such processes, all of which produce pollution and waste of resources, are an integral part of the functioning of capitalism (i.e. its "[metabolism](#)").^[62]

Critics note that the statistical methods used in calculating [ecological footprint](#) have been criticized and some find the whole concept of counting how much land is used to be flawed, arguing that there is nothing intrinsically negative about using more land to improve living standards (rejection of the [intrinsic](#) value of nature).^{[63][64]}

Many environmentalists^[who?] have long argued that the real dangers are due to the world's current social institutions that claim to promote environmentally irresponsible consumption and production. Under what they call the "grow or die" imperative of capitalism, they say there is little reason to expect hazardous consumption and production practices to change in a timely manner.^[citation needed] They also claim that markets and states invariably drag their feet on substantive environmental reform and are notoriously slow to adopt viable sustainable technologies.^{[65][66]} [Immanuel Wallerstein](#), referring to the externalization of costs as the "dirty secret" of capitalism, claims that there are built-in limits to ecological reform and that the costs of doing business in the world

capitalist economy are ratcheting upward because of deruralization and democratization.^[67]

History[[edit](#)]

According to contemporary critics^{[[quantify](#)]} of capitalism, [rapid industrialization](#) in Europe created working conditions viewed as unfair, including [14-hour work days](#), [child labor](#) and [shanty towns](#).^[68] Some modern economists argue that average living standards did not improve, or only very slowly improved, before 1840.^[69]

Early [socialist](#) thinkers rejected capitalism altogether, attempting to create socialist communities free of the perceived injustices of early capitalism. Among these [utopian socialists](#) were [Charles Fourier](#) and [Robert Owen](#). In 1848, [Karl Marx](#) and [Frederich Engels](#) released *[The Communist Manifesto](#)*, which outlined a political and economic critique of capitalism based on the philosophy of [historical materialism](#). [Pierre-Joseph Proudhon](#), a contemporary of Marx, was another notable critic of capitalism and was one of the first to call himself an [anarchist](#).

By the early 20th century, myriad socialist tendencies (e.g. [anarcho-syndicalism](#), [social democracy](#) and [Bolshevism](#)) had arisen based on different interpretations of current events. Governments also began placing restrictions on market operations and created [interventionist programs](#), attempting to ameliorate perceived market shortcomings (e.g. [Keynesian economics](#) and the [New Deal](#)). Starting with the 1917 [Russian Revolution](#), [Communist states](#) increased in numbers and a [Cold War](#) started with the developed capitalist nations. Following the [Revolutions of 1989](#), many of these Communist states adopted [market economies](#). The notable exceptions to this trend have been North Korea, Cuba and Venezuela, the latter instituting a philosophy referred to as "[socialism of the 21st century](#)".

Criticisms of capitalism

Anarchist criticisms of capitalism]



[Emma Goldman](#) denounced wage slavery by saying: "The only difference is that you are hired slaves instead of block slaves"^[70]

The authors of [An Anarchist FAQ](#) state that anarchists have long recognised that capitalism is by its very nature hierarchical. The worker is subjected to the authority of the boss during working hours (sometimes outside work too). They state: "This hierarchical control of wage labour has the effect of alienating workers from their own work, and so from themselves. Workers no longer govern themselves during work hours and so are no longer free".^[71] According to them, this is why "[c]apitalism, by treating labour as analogous to all other commodities denies the key distinction between labour and other "resources" - that is to say its inseparability from its bearer - labour, unlike other "property," is endowed with will and agency. Thus when one speaks of selling labour there is a necessary subjugation of will (hierarchy)... Creative, self-managed work is a source of pride and joy and part of what it means to be fully human. Wrenching control of work from the hands of the worker profoundly harms his or her mental and physical health. Capitalism itself was created by state violence and the destruction of traditional ways of life and social interaction was part of that task. From the start, bosses spent considerable time and energy combating attempts of working people to join together to resist the hierarchy they were subjected to and reassert human values. Such forms of free association between equals (such as trade unions) were combated, just as attempts to regulate the worse excesses of the system by

democratic governments. Indeed, capitalists prefer centralized, elitist and/or authoritarian regimes precisely because they are sure to be outside of popular control (see section B.2.5). They are the only way that contractual relations based on market power could be enforced on an unwilling population".^[72]

For the influential [German individualist anarchist](#) philosopher [Max Stirner](#), "[private property](#) is a spook which "lives by the grace of law" and it "becomes 'mine' only by effect of the law". In other words, private property exists purely "through the protection of the State, through the State's grace". Recognising its need for state protection, Stirner is also aware that "[i]t need not make any difference to the 'good citizens' who protects them and their principles, whether an absolute King or a constitutional one, a republic, if only they are protected. And what is their principle, whose protector they always 'love'? Not that of labour", rather it is "interest-bearing possession [...] labouring capital, therefore [...] labour certainly, yet little or none at all of one's own, but labour of capital and of the -- subject labourers".^[73] French anarchist [Pierre-Joseph Proudhon](#) opposed government privilege that protects capitalist, banking and land interests and the accumulation or acquisition of property (and any form of [coercion](#) that led to it) which he believed hampers competition and keeps wealth in the hands of the few. The Spanish individualist anarchist [Miguel Giménez Igualada](#) sees "capitalism is an effect of government; the disappearance of government means capitalism falls from its pedestal vertiginously...That which we call capitalism is not something else but a product of the State, within which the only thing that is being pushed forward is profit, good or badly acquired. And so to fight against capitalism is a pointless task, since be it [State capitalism](#) or Enterprise capitalism, as long as Government exists, exploiting capital will exist. The fight, but of consciousness, is against the State".^[74]

Within anarchism there emerged a critique of [wage slavery](#) which refers to a situation perceived as quasi-[voluntary slavery](#),^[75] where a person's [livelihood](#) depends on [wages](#), especially when the dependence is total and immediate.^{[76][77]} It is a [negatively connoted](#) term used to draw an analogy between [slavery](#) and [wage labor](#) by focusing on similarities between owning and [renting](#) a person. The term "wage slavery" has been used to criticize [economic exploitation](#) and [social stratification](#), with the former seen primarily as unequal

bargaining power between labor and capital (particularly when workers are paid comparatively low wages, e.g. in [sweatshops](#))^[78] and the latter as a lack of [workers' self-management](#), fulfilling job choices and leisure in an economy.^{[79][80][81]} [Libertarian socialists](#) believe if freedom is valued, then society must work towards a system in which individuals have the power to decide economic issues along with political issues. Libertarian socialists seek to replace unjustified authority with [direct democracy](#), voluntary federation and popular autonomy in all aspects of life,^[82] including physical communities and economic enterprises. With the advent of the [Industrial Revolution](#), thinkers such as Proudhon and Marx elaborated the comparison between wage labor and slavery in the context of a critique of societal property not intended for active personal use,^{[83][84]} [Luddites](#) emphasized the [dehumanization](#) brought about by machines while later [Emma Goldman](#) famously denounced wage slavery by saying: "The only difference is that you are hired slaves instead of block slaves".^[85] American anarchist Emma Goldman believed that the economic system of capitalism was incompatible with human liberty. "The only demand that property recognizes", she wrote in *Anarchism and Other Essays*, "is its own gluttonous appetite for greater wealth, because wealth means power; the power to subdue, to crush, to exploit, the power to enslave, to outrage, to degrade".^[86] She also argued that capitalism dehumanized workers, "turning the producer into a mere particle of a machine, with less will and decision than his master of steel and iron".^[87]

[Noam Chomsky](#) contends that there is little moral difference between chattel slavery and renting one's self to an owner or "wage slavery". He feels that it is an attack on personal integrity that undermines individual freedom. He holds that workers should own and control their workplace.^[88] Many libertarian socialists argue that large-scale voluntary associations should manage industrial manufacture while workers retain rights to the individual products of their labor.^[89] As such, they see a distinction between the concepts of "private property" and "[personal possession](#)". Whereas "private property" grants an individual exclusive control over a thing whether it is in use or not and regardless of its productive capacity, "possession" grants no rights to things that are not in use.^[90]

In addition to anarchist [Benjamin Tucker](#)'s "big four" monopolies (land, money, tariffs and patents) that have emerged under capitalism, neo-

[mutualist](#) economist [Kevin Carson](#) argues that the [state](#) has also transferred wealth to the wealthy by subsidizing organizational centralization in the form of transportation and communication subsidies. He believes that Tucker overlooked this issue due to Tucker's focus on individual market transactions, whereas Carson also focuses on organizational issues. The theoretical sections of [Studies in Mutualist Political Economy](#) are presented as an attempt to integrate [marginalist](#) critiques into the [labor theory of value](#).^[91] Carson has also been highly critical of [intellectual property](#).^[92] The primary focus of his most recent work has been decentralized manufacturing and the informal and household economies.^[93] Carson holds that "[c]apitalism, arising as a new class society directly from the old class society of the [Middle Ages](#), was founded on an act of robbery as massive as the earlier [feudal](#) conquest of the land. It has been sustained to the present by continual state intervention to protect its system of privilege without which its survival is unimaginable".^[94] Carson coined the [pejorative](#) term "vulgar libertarianism", a phrase that describes the use of free market rhetoric in defense of [corporate capitalism](#) and [economic inequality](#). According to Carson, the term is derived from the phrase "vulgar political economy", which Karl Marx described as an economic order that "deliberately becomes increasingly apologetic and makes strenuous attempts to talk out of existence the ideas which contain the contradictions [existing in economic life]".^[95] Capitalism has been criticized for establishing power in the hands of a minority capitalist class that exists through the exploitation of a working class majority; for prioritizing profit over social good, natural resources and the environment; and for being an engine of inequality and economic instabilities.

Socialist criticisms

Main article: [Socialism](#)



[Industrial Workers of the World's "Pyramid of Capitalist System"](#) cartoon is an example of socialist critique of capitalism and of [social stratification](#)

Socialists argue that the accumulation of capital generates waste through externalities that require costly corrective regulatory measures. They also point out that this process generates wasteful industries and practices that exist only to generate sufficient demand for products to be sold at a profit (such as high-pressure advertisement), thereby creating rather than satisfying economic demand.^{[96][97]}

Socialists argue that capitalism consists of irrational activity, such as the purchasing of commodities only to sell at a later time when their price appreciates, rather than for consumption, therefore a crucial criticism often made by socialists is that making money, or accumulation of capital, does not correspond to the satisfaction of demand (the production of [use-values](#)).^[98] The fundamental criterion for economic activity in capitalism is the accumulation of capital for reinvestment in production. This spurs the development of new, non-productive industries that do not produce use-value and only exist to keep the accumulation process afloat. An example of a non-productive industry is the [financial industry](#), which contributes to the formation of economic bubbles.^[99]

Socialists view [private property](#) relations as limiting the potential of [productive forces](#) in the economy. According to socialists, private property becomes obsolete when it concentrates into centralized, socialized institutions based on private

appropriation of revenue (but based on cooperative work and internal planning in allocation of inputs) until the role of the capitalist becomes redundant.^[100] With no need for [capital accumulation](#) and a class of owners, private property of the means of production is perceived as being an outdated form of economic organization that should be replaced by a [free association](#) of individuals based on public or [common ownership](#) of these socialized assets.^{[101][102]} Private ownership imposes constraints on planning, leading to uncoordinated economic decisions that result in business fluctuations, unemployment and a tremendous waste of material resources during crisis of [overproduction](#).^[103]

Excessive disparities in income distribution lead to social instability and require costly corrective measures in the form of redistributive taxation. This incurs heavy administrative costs while weakening the incentive to work, inviting dishonesty and increasing the likelihood of tax evasion (the corrective measures) while reducing the overall efficiency of the market economy.^[104] These corrective policies limit the market's incentive system by providing things such as [minimum wages](#), [unemployment insurance](#), taxing profits and reducing the reserve army of labor, resulting in reduced incentives for capitalists to invest in more production. In essence, social welfare policies cripple capitalism's incentive system and are thus unsustainable in the long-run.^[105] Marxists argue that the establishment of a [socialist mode of production](#) is the only way to overcome these deficiencies. Socialists and specifically [Marxian socialists](#), argue that the inherent conflict of interests between the working class and capital prevent optimal use of available human resources and leads to contradictory interest groups (labor and business) striving to influence the state to intervene in the economy at the expense of overall economic efficiency.

Early socialists ([utopian socialists](#) and [Ricardian socialists](#)) criticized capitalism for concentrating [power](#) and [wealth](#) within a small segment of society^[106] who do not utilize available [technology](#) and resources to their maximum potential in the interests of the public.^[102]

Marxian criticisms

Main article: [Marxism](#)

[Karl Marx](#) saw capitalism as a historical stage, once progressive but which would eventually stagnate due to internal contradictions and would eventually be followed by socialism. Marx claimed that capitalism was nothing more than a necessary stepping stone for the progression of man, which would then face a political revolution before embracing the [classless society](#).^[107] Marxists define [capital](#) as "a social, economic relation" between people (rather than between people and things). In this sense, they seek to abolish capital. They believe that private ownership of the means of production enriches capitalists (owners of capital) at the expense of workers ("[the rich get richer and the poor get poorer](#)"). In brief, they argue that the owners of the means of production do not work and therefore [exploit](#) the workforce. In Marx's view, the capitalists would eventually accumulate more and more capital impoverishing the working class, creating the social conditions for a revolution that would overthrow the institutions of capitalism. Private ownership over the means of production and distribution is seen as a dependency of non-owning classes on the ruling class and ultimately a source of restriction of human freedom.

Marxists have offered various related lines of argument claiming that capitalism is a contradiction-laden system characterized by recurring crises coming from the [tendency of the rate of profit to fall](#) and having a tendency towards increasing severity. Capitalism is seen as just one stage in the evolution of the economic system. [Immanuel Wallerstein](#), approaching matters from a world-systems perspective, cites the intransigence of rising real wages, rising costs of material inputs and steadily rising tax rates, along with the rise of popular antisystemic movements as the most important global secular trends creating unprecedented limiting pressures on the accumulation of capital. According to Wallerstein, "the capitalist world-economy has now entered its terminal crisis, a crisis that may last up to fifty years. The real question before us is what will happen during this crisis, this transition from the present world-system to some other kind of historical system or systems".^[108]

In [mainland China](#), differences in terminology sometimes confuse and complicate discussions of [Chinese economic reform](#). Under Marxist ideology, capitalism refers to a stage of history in which there is a class system in which the proletariat is exploited by the bourgeoisie. Officially, according to the Chinese governments

state ideology, China is currently in the [primary stage of socialism](#). However, because of [Deng Xiaoping](#) and subsequent leaders' Chinese economic reforms, instituting [pragmatism](#) within policy, China has undertaken policies that are commonly considered capitalistic, including employing wage labor, increasing unemployment to motivate those who are still working,^[citation needed] transforming state owned enterprises into joint stock companies and encouraging the growth of the joint venture and private capitalist sectors. A contrary Marxist view would describe China as just another variant of capitalism ([state capitalism](#)), much like the former Soviet Union, which was also claiming to be operating on principals of socialism. This is echoed by what [Mao Zedong](#) termed "[capitalist roaders](#)", who he argued existed within the ruling party structures and would try to restore the bourgeoisie and thus their class interests to power reflected in new policies while only keeping the outer appearance of socialism for legitimacy purposes. Deng Xiaoping was identified as one of these "capitalist roaders" during the [Cultural Revolution](#), when he was placed under house arrest.^[citation needed]

Religious criticisms

See also: [Religious communism](#), [Christian communism](#), [Christian socialism](#), [Islamic socialism](#), [Jewish left](#), [Liberation theology](#), and [Social gospel](#)

The [Catholic Church](#) forbids [usury](#). According to [Rerum Novarum](#) and [Quadragesimo Anno](#), [Catholic social teaching](#) does not support "political capitalism",^[clarification needed] primarily because it is considered part of [liberalism](#) and secondly by its nature, which goes against social justice. In 2013, [Pope Francis](#) attacked capitalism as a "tyranny" that judged human beings purely by their ability to consume goods. The Pope said that the "dictatorship" of the global financial system and the "cult of money" were making people miserable.^[109]

[Islam forbids lending money at interest](#), the mode of operation of capitalist finance,^{[110][111]} although Islamic banks have developed alternative methods of making profits in transactions that are traditionally arranged using interest.

Conservative and traditionalist criticisms

There are strands of [conservatism](#) that have been uncomfortable with liberal capitalism. Particularly in continental Europe, many conservatives have been uncomfortable with the impact of capitalism upon culture and traditions. The conservative opposition to the [Renaissance](#), the [Enlightenment](#), the [American Revolution](#), the [French Revolution](#) and especially the development of individualistic liberalism as a political theory and as institutionalized social practices sought to retain traditional social hierarchies, practices and institutions. There is also a conservative [protectionist](#) opposition to certain types of international capitalism.

[Paleoconservatism](#) and other traditionalist ideologies are often in opposition to capitalist ethics and the effects they have on society as a whole, which they see as infringing upon or decaying social traditions or hierarchies that are essential for social order. Some of these ideas are intertwined with [religious communism](#). More [nationalist](#)-oriented groups believe that aspects of capitalism, such as [free trade](#) infringe upon [national sovereignty](#), that domestic industries and national traditions must be safeguarded and that preserving this is of greater importance than profit for business.

References

[Jump up](#) *The Origin of Wealth: Evolution, Complexity, and the Radical Remaking of Economics*, by Eric D. Beehacker, Harvard Business Press, 2006, [ISBN 1-57851-777-X](#), p. 408.

[Jump up](#) Horvat, Branko, *The Political Economy of Socialism* (Armonk, NY: M.E. Sharpe, Inc.) p. 11.

[Jump up](#) Bakan, Joel (writer) [The Corporation \(2003\)](#) (Documentary)

[Jump up](#) Abeles, Marc (2006). "Globalization, Power, and Survival: an Anthropological Perspective". [Anthropological Quarterly](#). Institute for Ethnographic Research. **79** (3): 484–486.

[Jump up](#) Abeles, Marc (2006). "Globalization, Power, and Survival: an Anthropological Perspective". [Anthropological Quarterly](#). **79** (3): 484–486. [doi:10.1353/anq.2006.0030](#).

[Jump up](#)[^] *["The International Journal of Inclusive Democracy"](#)*.
Inclusivedemocracy.org. Retrieved 2014-02-23.

[Jump up](#)[^] Weiss, Adam (2005-05-04). *["A Comparison of Economic Democracy and Participatory Economics"](#)*. *ZMag*. Archived from [the original](#) on 2009-07-29. Retrieved 2008-06-26.

[Jump up](#)[^] *["Home - Thomas Jefferson - UVa Research Portal at UVa Library"](#)*.
etext.virginia.edu. Retrieved 2014-01-11.

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b} Franklin D. Roosevelt, "Recommendations to the Congress to Curb Monopolies and the Concentration of Economic Power," April 29, 1938, in *The Public Papers and Addresses of Franklin D. Roosevelt*, ed. Samuel I. Rosenman, vol. 7, (New York, MacMillan: 1941), pp. 305–315.

[Jump up](#)[^] *["Anti-Monopoly"](#)*. *TIME*. 1938-05-09. Retrieved 2014-02-23.

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b} Franklin D. Roosevelt, *["Appendix A: Message from the President of the United States Transmitting Recommendations Relative to the Strengthening and Enforcement of Anti-trust Laws"](#)*, *The American Economic Review*, Vol. 32, No. 2, Part 2, Supplement, Papers Relating to the [Temporary National Economic Committee](#) (Jun., 1942), pp. 119–128.

[Jump up](#)[^] [Ira Chernus](#), "Eisenhower's Ideology in World War II," *Armed Forces & Society* (1997) 23(4): 595–613

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b} *["Military-Industrial Complex Speech, Dwight D. Eisenhower, 1961"](#)*. *coursesa.matrix.msu.edu*. Archived from [the original](#) on 2013-08-12. Retrieved 2014-01-11.

[Jump up](#)[^] [Ricardo, David](#). *["Chapter 1: On Value – On the Principles of Political Economy and Taxation"](#)*. Retrieved 2008-03-10.

[Jump up](#)[^] [Marx, Karl](#) (1992). *[Chapter 1: Commodities – Capital, Volume 1](#)*. Penguin Classics. [ISBN 0-14-044568-4](#).

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b} [Marx, Karl](#). *["Value, Price, and Profit"](#)*. Retrieved 2008-03-10.

[Jump up](#)[^] [Marx, Karl](#). *["Wage Labour and Capital"](#)*. Retrieved 2008-03-10.

Jump up[^] Engels, Frederick. "Competition – The Condition of the Working Class in England". Retrieved 2008-03-10.

Jump up to:^{a b} Engels, Frederick. "Historical Materialism – Socialism: Utopian and Scientific". Retrieved 2008-03-10.

Jump up[^] Kautsky, Karl. "Trade Unions and Socialism". Retrieved 2008-03-10.

Jump up[^] Smith, Sharon (2006). *Subterranean Fire: A History of Working Class Radicalism in the United States*. Haymarket Books. p. 320. ISBN 1-931859-23-X.

Jump up[^] Luxembour, Rosa. "Chapter VII: Co-operatives, Unions, Democracy – Reform or Revolution". Retrieved 2008-03-10.

Jump up[^] Martin, James J. *Men Against the State*, p. 173

Jump up[^] That unfree labor is acceptable to capital was argued during the 1980s by Tom Brass. See *Towards a Comparative Political Economy of Unfree Labor* (Cass, 1999). Marcel van der Linden (Fall 2003). "Labour History as the History of Multitudes". *Labour/Le Travail*. **52**: 235–244. Archived from the original on 2007-12-17. Retrieved 2008-02-26.

Jump up[^] "When the Rich Make Too Much: Is it Time for a Maximum Wage? – Alternet". alternet.org. Retrieved 2014-01-11.

Jump up[^] "Capitalism, the Absurd System: A View from the United States". *Monthly Review*. Retrieved 2014-02-23.

Jump up[^] Vladimir Lenin. "Imperialism: The Highest Stage of Capitalism". Retrieved June 29,2006.

Jump up[^] "Lenin: Imperialism, the Highest Stage of Capitalism". marxists.org. Retrieved 2014-01-11.

Jump up[^] Lenin's Selected Works, Progress Publishers, 1963, Moscow, Volume 1, pp. 667–766

Jump up[^] "The Doctrine of Armed Exceptionalism". *Common Dreams*. Retrieved 2017-02-02.

[Jump up to:](#)^{a b c} Rogers, Heather. "[The Conquest of Garbage](#)". *isreview.org. International Socialist Review* (1997). Retrieved 2008-03-13.

[Jump up](#)^a Hawken, Paul. "[Natural Capitalism](#)". Retrieved 2008-03-13.

[Jump up](#)^a U.S. EPA. "[Municipal Solid Waste \(MSW\) Pie Chart](#)". Retrieved 2008-03-13.

[Jump up](#)^a Inman, Phillip (2006-09-30). "[When your iPod isn't all that it's cracked up to be](#)". London: *The Guardian*. Retrieved 2008-03-13.

[Jump up](#)^a McMinn, David. "[Planned Obsolescence: The Ultimate Economic Inefficiency](#)". Retrieved 2008-03-13.

[Jump up](#)^a PBS Frontline. "[Interview with Naomi Klein](#)". Retrieved 2008-03-13.

[Jump up](#)^a Shutt, Harry (March 2010). *Beyond the Profits System: Possibilities for a post-capitalist era*. Zed Books. [ISBN 1848134177](#).

[Jump up](#)^a "[The Unofficial Paul Krugman Web Page](#)". *pkarchive.org*. Retrieved 2014-01-11.

[Jump up](#)^a Krugman, Paul, Wells, Robin, *Economics*, Worth Publishers, New York, (2006)

[Jump up](#)^a Keynes, John Maynard (2007). *The General Theory of Employment, Interest and Money*. *Palgrave Macmillan*. [ISBN 0-230-00476-8](#).

[Jump up](#)^a Rea, K.J. "[Monopoly, Imperfect Competition, and Oligopoly](#)". Retrieved 2008-03-11.

[Jump up](#)^a Brander, James A. Government policy toward business. 4th ed. Mississauga, Ontario: John Wiley & Sons Canada, Ltd., 2006. Print.

[Jump up](#)^a Vladimir Lenin. "[Imperialism: The Highest Stage of Capitalism](#)". Retrieved 2008-02-26.

[Jump up](#)^a "[Socialism and Man in Cuba](#)" A letter to [Carlos Quijano](#), editor of [Marcha](#), a weekly newspaper published in Montevideo, Uruguay; published as "From Algiers, for Marcha: The Cuban Revolution Today" by on March 12, 1965

[Jump up](#)[^] ["Best Sellers From 1987's Book Crop"](#). *The New York Times*. Retrieved 13 October 2011.

[Jump up](#)[^] Ravi Batra. ["Regular economic cycles : money, inflation, regulation and depressions, Venus Books, 1985"](#). Retrieved 13 October 2011.

[Jump up](#)[^] ["Working Paper No. 589"](#) (PDF). *Levyinstitute.org*. Retrieved 2014-02-23.

[Jump up](#)[^] [1] [Archived](#) August 28, 2006, at the [Wayback Machine](#).

[Jump up](#)[^] ["C:\Papers\JEP-Paper\INTERG~1.dvi"](#) (PDF). Retrieved 2014-02-23.

[Jump up](#)[^] Ravi Batra. [""The Occupy Wall Street Movement and the Coming Demise of Crony Capitalism", Foreign Affairs, October 11, 2011"](#). Retrieved 13 October 2011.

[Jump up](#)[^] Engels, Frederick. ["On the Question of Free Trade"](#). Retrieved 2008-03-11.

[Jump up](#)[^] Easterling, Earl. ["Marx's Theory of Economic Crisis"](#). [International Socialist Review](#). Retrieved 2008-03-13.

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b} Marx, Karl. ["The Communist Manifesto"](#). Retrieved 2008-03-11.

[Jump up](#)[^] Engels, Frederick. ["Part III: Socialism \(Theoretical\) – Anti-Duhring"](#). Retrieved 2008-03-11.

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b c} Proudhon, Pierre-Joseph. ["What Is Property? An Inquiry Into the Principle of Right and Government"](#). Retrieved 2008-03-10.

[Jump up](#)[^] D'Amato, Paul (2006). *The Meaning of Marxism*. [Haymarket Books](#). p. 60. [ISBN 1-931859-29-9](#).

[Jump up](#)[^] Anarchist Essays, pp. 22–23 and p. 40 Freedom Press, London, 2000.

[Jump up](#)[^] Carson, Kevin (2007). *Studies in Mutualist Political Economy*. *BookSurge Publishing*. [ISBN 1-4196-5869-7](#).

[^] **[Jump up to:](#)**^{a b} Landes, William M.; Posner, Richard A. ["An Economic Analysis of Property Law"](#). Retrieved 2008-03-10.

[Jump up](#) *["de beste bron van informatie over it-environment. Deze website is te koop!"](#)* (PDF). [it-environment.org](#). Archived from *[the original](#)* (PDF) on 2012-12-02. Retrieved 2014-02-23.

[Jump up](#) *["Geregistreerd via Argeweb"](#)*. [Unpop.nl](#). Archived from *[the original](#)* on 2007-09-28. Retrieved 2014-01-11.

[Jump up](#) *["Industrial metabolism: Restructuring for sustainable development"](#)*. [unu.edu](#). Retrieved 2014-01-11.

[Jump up](#) Jeroen C.J.M. van den Bergh and Harmen Verbruggen (1998-09-28). *["EconPapers: Spatial Sustainability, Trade and Indicators"](#)*. [Econpapers.repec.org](#). Retrieved 2014-01-18.

[Jump up](#) *["Planning and Markets: Peter Gordon and Harry W. Richardson"](#)*. - [pam.usc.edu](#). Retrieved 2014-01-11.

[Jump up](#) [2] [Archived](#) December 25, 2005, at the [Wayback Machine](#).

[Jump up](#) *["Capitalism's Environmental Crisis-Is Technology the Answer? :: Monthly Review"](#)*. [monthlyreview.org](#). Retrieved 2014-01-11.

[Jump up](#) [3] [Archived](#) January 28, 2006, at the [Wayback Machine](#).

[Jump up](#) Engels, Frederick. *["The Condition of the Working Class in England"](#)*. Retrieved 2008-04-16.

[Jump up](#) Clark Nardinelli, economist at the U.S. Food and Drug Administration. *["Industrial Revolution and the Standard of Living"](#)*. *The concise encyclopedia of economics. The Library of Economics and Liberty*. Retrieved 2008-04-20.

[Jump up](#) [Goldman 2003](#), p. [283](#).

[Jump up](#) ["B.1.2 Is capitalism hierarchical? by An Anarchist FAQ"](#)

[Jump up](#) ["B.1.2 Is capitalism hierarchical?" by An Anarchist FAQ"](#)

Jump up[^] — Lorenzo Kom'boa Ervin. "[G.6 What are the ideas of Max Stirner? in An Anarchist FAQ](#)". [Infoshop.org](#). Archived from [the original](#) on November 23, 2010. Retrieved 2010-09-20.

Jump up[^] "el capitalismo es sólo el efecto del gobierno; desaparecido el gobierno, el capitalismo cae de su pedestal vertiginosamente...Lo que llamamos capitalismo no es otra cosa que el producto del Estado, dentro del cual lo único que se cultiva es la ganancia, bien o mal habida. Luchar, pues, contra el capitalismo es tarea inútil, porque sea Capitalismo de Estado o Capitalismo de Empresa, mientras el Gobierno exista, existirá el capital que explota. La lucha, pero de conciencias, es contra el Estado." ["Anarquismo by Miguel Gimenez Igualada](#)

Jump up[^] [Ellerman 1992](#).

Jump up[^] "[wage slave](#)". [merriam-webster.com](#). Retrieved 4 March 2013.

Jump up[^] "[wage slave](#)". [dictionary.com](#). Retrieved 4 March 2013.

Jump up[^] [Sandel 1996](#), p. 184

Jump up[^] "[Conversation with Noam Chomsky](#)". [Globetrotter.berkeley.edu](#). p. 2. Retrieved 2010-06-28.

Jump up[^] [Hallgrimsdottir & Benoit 2007](#).

Jump up[^] "[The Bolsheviks and Workers Control, 1917–1921: The State and Counter-revolution](#)". [Spunk Library](#). Retrieved 4 March 2013.

Jump up[^] Harrington, Austin, et al. 'Encyclopedia of Social Theory' Routledge (2006) p.50

Jump up[^] [Proudhon 1890](#).

Jump up[^] [Marx 1969](#), [Chapter VII](#)

Jump up[^] [Goldman 2003](#), p. 283

Jump up[^] Goldman, Emma. Anarchism and Other Essays. 3rd ed. 1917. New York: Dover Publications Inc., 1969., p. 54.

[Jump up](#) Goldman, Emma. Anarchism and Other Essays. 3rd ed. 1917. New York: Dover Publications Inc., 1969.pg. 54

[Jump up](#) "[Conversation with Noam Chomsky, p. 2 of 5](#)".
Globetrotter.berkeley.edu. Retrieved August 16, 2011.

[Jump up](#) Lindemann, Albert S. 'A History of European Socialism' Yale University Press (1983) p.160

[Jump up](#) Ely, Richard et al. 'Property and Contract in Their Relations to the Distribution of Wealth' The Macmillan Company (1914)

[Jump up](#) Kevin A. Carson, [Studies in Mutualist Political Economy Archived](#) 2010-12-21 at [WebCite](#) chs. 1-3

[Jump up](#) Carson, Kevin. "[Intellectual Property — A Libertarian Critique](#)".
c4ss.org. Retrieved May 23, 2009.

[Jump up](#) Carson, Kevin. "[Industrial Policy: New Wine in Old Bottles](#)". *c4ss.org. Retrieved May 26, 2009.*

[Jump up](#) Richman, Sheldon, [Libertarian Left](#), [The American Conservative](#) (March 2011)

[Jump up](#) Marx, *Theories of Surplus Value, III*, p. 501.

[Jump up](#) [4] [Archived](#) July 16, 2010, at the [Wayback Machine](#).

[Jump up](#) Fred Magdoff and Michael D. Yates. "[What Needs To Be Done: A Socialist View](#)". *Monthly Review. Retrieved 2014-02-23.*

[Jump up](#) *Let's produce for use, not profit.* Retrieved August 7, 2010, from [worldsocialism.org](#): "[Archived copy](#)". Archived from [the original](#) on July 16, 2010. Retrieved August 18, 2015.

[Jump up](#) "[Economic Crisis from a Socialist Perspective | Professor Richard D. Wolff](#)". *Rdwolff.com. 2009-06-29. Archived from the original on 2014-02-28. Retrieved 2014-02-23.*

[Jump up](#) Engels, Fredrich. *Socialism: Utopian and Scientific*.

^a [Jump up to:](#) ^b Marx and Engels Selected Works, Lawrence and Wishart, 1968, p. 40. Capitalist property relations put a "fetter" on the productive forces.

[Jump up](#) [^] *The Political Economy of Socialism*, by Horvat, Branko. 1982. (p. 197)

[Jump up](#) [^] *The Political Economy of Socialism*, by Horvat, Branko. 1982. (pp. 197–198)

[Jump up](#) [^] *Market Socialism: The Debate Among Socialists*, 1998. pp. 60–61"

[Jump up](#) [^] in Encyclopædia Britannica (2009). Retrieved October 14, 2009, from Encyclopædia Britannica

Online: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/551569/socialism>, "Main" summary: "Socialists complain that capitalism necessarily leads to unfair and exploitative concentrations of wealth and power in the hands of the relative few who emerge victorious from free-market competition—people who then use their wealth and power to reinforce their dominance in society."

[Jump up](#) [^] Immanuel, Wallerstein (September 1974). ["The Rise and Future Demise of the World Capitalist System: Concepts for Comparative Analysis"](#) (PDF). *Comparative Studies in Society and History*. **16** (4): 387–415. Retrieved 20 July 2012.

[Jump up](#) [^] Wallerstein, Immanuel- The Decline of American Power, New Press Books,66

[Jump up](#) [^] Squires, Nick (18 May 2013). [Pope blames tyranny of capitalism for making people miserable](#). *The Age*. Retrieved 18 May 2013.

[Jump up](#) [^] ["Riba in Islam"](#). *Learndeen.com*. 2008-05-29. Retrieved 2012-11-20.

[Jump up](#) [^] Last Sermon of Muhammad given on 10 Dul-hajj 10 hijra, mentioned in all book of Hadith. Sahih Bukhari mentions parts of it. Musnad Imam Ahmed recorded the longest and complete speech.

The contradictions of capitalism

<https://dsp.org.au/node/33>

In their competitive drive to maximise private profits, the capitalists are forced to continually socialise the process of material production, binding the labour of an ever growing number of workers together through an expanding social division of labour. Branches of production that were previously independent from each other are transformed into a series of interdependent networks, binding companies, regions, and countries.

But this socialisation of labour, of production, occurs within the framework of private, capitalist, appropriation (ownership) of the means of production under which, through competition, smaller, weaker firms are eliminated by larger, more technically advanced firms. Capital thus becomes increasingly concentrated and centralised. Consequently, as capitalism develops, its fundamental contradiction is continually accentuated — production takes on an increasingly social, cooperative, character at the same time as society's productive wealth is concentrated in the hands of a smaller and smaller number of capitalists.

From this fundamental contradiction of the capitalist mode of production flow a series of others:

The contradiction between the increasingly planned and conscious organisation of production within each capitalist firm resulting from the socialisation of labour, and the unplanned, anarchistic nature of capitalist production as a whole. The allocation of capitalist society's productive resources is not governed by any conscious plan but rather, by variations in the rate of profit and the competitive drive of capitalist firms to maximise their profits.

The contradiction between the tendency towards unlimited expansion of production and the restrictions capitalism imposes on the individual and social consumption of the workers. Capitalism is obliged to impose these limits because the aim of capitalist production is to maximise surplus value, and this necessitates limiting the growth of real wages.

The contradiction between the potential of enormous leaps in science and technology to ensure the fulfilment of social needs and the harnessing of these

potential productive forces to the capitalists' drive for private enrichment (accumulation of capital).

The contradiction between the drive by each capitalist firm to maximise its profits by increasing labour productivity through increased mechanisation, and the tendency for the average rate of profit to fall, due to growth in the organic composition of capital (the ratio between the amount of capital expended on machinery and raw materials and the amount of capital expended on wage labour).

The contradiction between the internationalisation of the productive forces (creation of a world market, objective socialisation of labour on an international scale) and the division of the world into separate nation-states.

All the inherent contradictions of the capitalist mode of production explode in more or less regular crises of overproduction of commodities and over-accumulation of capital. These crises are characterised by a generalised decline in investment, production, employment, the income and purchasing power of working people, and economic activity as a whole.

The private, capitalist, form of appropriation of the socially produced wealth makes private profit the only aim and driving force of production. Production develops by leaps and bounds, not in the sectors where the most urgent real social needs are to be found, but rather in those where the highest profits can be achieved. Underproduction in one sector regularly coincides with overproduction in another. The distribution of human labour between different branches of production never corresponds exactly to the distribution of purchasing power for the products of those branches. When this disproportion becomes generalised, it is resolved by a crisis, which leads to a new equilibrium, itself temporary and ephemeral. Thus the capitalist economy expands in an uneven and disharmonious manner, through "boom and bust" cycles, through the periodic waste and destruction of part of society's accumulated productive forces.

While it is based on private ownership of the means of production, the inevitable concentration and centralisation of capital that accompanies the development of the capitalist mode of production continually reduces the proportion of the population that owns means of production. As a result, the proportion of wage workers grows continually as more and more producers are dispossessed of their means of

production (subsistence) and are forced to rely on selling their labour power to the capitalists. The class structure of capitalist society becomes increasingly polarised between a small handful of capitalist magnates at one end and a growing mass of wage workers at the other.

As the unique product of the capitalist socialisation of production, the working class is trained by the system of capitalist exploitation to act cooperatively, and to see that the individual interest of each worker can only be realised through collective action. It is these qualities, plus its power to halt capitalist production, that make the working class the social force that can put an end to capitalism's contradictions and their anti-social consequences through the collective appropriation of the means of production, and their management according to a conscious plan by the associated producers themselves.

Many my article about above subject:

بسم الله الرحمن الرحيم

فهم حقیقی ، فهم اعتباری و فهم نسبی و ابطال بعضی علوم

and relative understanding and canceled some sciences Truth, validity

نویسنده: محمود صانعی پور

Writer: Mahmoud Saneipour

آنچه در این نوشته مطالعه مینمائید، از خمیرمایه وجودی و جوهر انسان خبر میدهد ، هنگامیکه انسان درست فهم میکند ، ادراکات او از پیرامونش ، از خودش ، از طبیعت و ماورای آن جهان هستی ، ملاک و معیار انسانیت ، کرامت ، قدرت انتخاب و توضیحی رسا برای زندگی کردن اوست ، درک صحیح از علوم حقیقی و اعتباری و نسبی ، این قدرت انتخاب آزادی و کسب فرصت های درپیش روی او را بیشتر کرده و تفکر و تعقل صاحبش را که همان " من " وجودی است ، افزون نموده و به سرآمدی وی ، نقش ارزنده تری اعطاء میکند ، آنجا که انسان فهیم بدیهی شناس (Obviously Gourmet) میشود ، نگاه ژرف او به اعتباریات دنیا ، از سطوح ظاهری و سرگرم کننده و زود گذار، به حقایق پایدار ، امید دهنده و آرام بخش قلبی مبدل شده و پریشانی را از خود زوده و به تعمیمی ناشناخته ، تن نداده و کرامت خویش را درگروی هر مسلکی عطا نکرده و پنداری غیر واقعی را در ذهن خود پرورش نمی دهد ، صحیح را ازسقیم ، صدق را از غلط ، درستی را از نادرستی و حق را از باطل تمیز داده و دچار احساسات سلیقه ای و عادات غیر معقول ، هیجانانگیزی مورد و کج رویهای غافلانه نمیگردد، خیر و شر خودش را بدرستی درمی یابد و راه سعادت از قساوت را شناخته ، دوست شناس و دشمن شناس شده و از این جهات امنیت خاطر تحصیل نموده

وبه بازیابی خویشتن خویش میپردازد ، تکاپوی آینده بشر (Scrambling of future's mankind) ، در جستجوی یافتن چنین دستورالعملی (agenda) برای سعادت بشریت است وما آنرا تکاپوی جهانی برای درک درستی از حقایق زندگی و بیولوژی انسانی (biology of human) یاد میکنیم واین اقدامی است همگانی ، و هرکه را بر حسب استعداد و ظرفیت او ، تکلیف کرده اند و هرکسی در این مسیر حقیقی ، مروهون سعی و تلاش " من " خویش خواهد بود (نویسنده در همین راستا موضوع را از منظر " تکلیف - حقوق مورد بحث قرار داده است که در سایت www.elmemofid.com قابل ملاحظه است).

What this article you study, it reports from yeast of existence and Substance of human, when the man understand correctly, his perceptions from its Surroundings, from it-self, from nature and beyond of it and the existence world, so this such comprehensible criteria, munificence, the Power of Choice and clear explanation be caused for living him, also, accurate understanding from truth, valide or relative sciences it can more the power of choice about freedom and opportunities in buisness , inded it is thiking of factors same him-self clearly, and it will aded his capable roles and he becomes obviously gourmet , his deep looking at world,s credits changed to the enduring truths , heart,s comforting promises from his early woes and it doen,t train his dignity in his unrealistic thiking and he can Distinguishes correct from incorrect , true from false The right from wrong and he does not implicit into personalization feelings , unreasonable habits and unstable emotions , inaddition to he will knows no evil itself properly and he can recognize frieds rrom enemies and so on , therefore like this human restores his own self for security and more searching of benefecial knowledges and it is scrambling of future's mankind certainly and we must be seeking of such agenda for the happiness of humanity and we call as "biology of human " about correct understanding facts of life and it is public action for all and a duty according In terms of talent and capacity for everyone, in this way every body be thanks to the efforts of " self-man" (refer to my article " duty-rights" to www.elmemofid.com).

حقیقت چیست؟

What is true?

حقیقت (true) بلحاظ فلسفی هم ردیف صدق (Truth) ویا صحیح (Correct) است و علوم به لحاظ فی ذاته ویا فی نفسه (it-self) آئینه حقیقت هستند و آنگاه که از جوهر ذاتی خود به عَرَض یا مصداق (sense) نزول میکنند ، و علم شناسی جای خود را به پدیده شناسی می دهد ، در بسیاری از موارد از حقیقت وجودی عدول کرده و متاسفانه نام دانش (knowledge) بخود میگیرد ، مانند اینکه ریاضیات یک

علم حقیقی است و اگر گفتیم یک باضافه یک میشود دو ، به معنی این نیست که شیئی مصداقی داده های ریاضی مند ، همان حقیقت دارد و اینکه اصرار میشود که تحقیقات علمی را از طریق محاسبات ریاضی تصدیق (confirmation) کنند به عقیده من ، غسل تعمید (Baptism) بسیاری از دانش های مخرب جهان است، علوم در ذات خود وحدتی برای رستگاری انسان روی زمین دارد ، مورد تردید نیست ولی برداشت ایده ها و تبدیل آن به مراتب دانش گرایانه (Practical knowledge) و محصولات آن که از فرایند آن بر حسب مدل های انکشاف علم بدست می آید ، و این جای بحث جدی را میگذشاید و ابطال بسیاری از فرآورده های بدست آمده در جهان را آشکار میسازد .

True is like truth or correct as Philosophical terms, and sciences are mirrors of truth in terms of it-self while descends from essence of it-slf to sense or any visible events and phenomenonology get instead placed to recognition of sciences, in many cases takes name of knowledge indeed, it has violated from truth of sciences unfortunately, such as mathematical is a truth science, and if we say: one plus one became two, will not corrent like their events the same and that insistence is confirmed via mathmatical models , in my opinion , it is a baptism for the most destructive knowledges in the world , science itself has unity for salvation for human on thus earth ,but it is harvest ideas and turning them to Practical nowledge matters and many produts those process in these ways are according into terms of discovery models in sciencs , and it's a serious debate opens and reveals cancelling of having gained products in the world.

این بحث ریشه ای ناشی از استعارات اشخاص ، خیال بافی ، مجازی ، نسبی و اعتباری و بطور کلی به نحوی است که دانش بشری راه کذب (False) را طی میکند و نتیجه آن پاره شدن لایه ازون و تغییرات خطرناک محیط زیست ، هابیسیم ، اسراف ، باطل شدن مبانی اقتصاد کلاسیک و نئو کلاسیک ، خطاهای خطرناک اقتصاد کمونیستی و کاپیتالیستی ، فساد اخلاقی ، فقر 70 درصدی جهان حاضر ، ترافیک سنگین شهرها و صدها مصیبتی است که بنام علم و فناوری ، بسر مردم دنیا آمده است و این درحالی است که خود انسان ، موجودیت او ، خویشتن خویش ، شخصیت وجودی وی ، وجود داشتن وجود انسانی و نظایر اینها که در ادبیات انسان شناسی جهان در هزاران کتاب مدون و منتشر شده است ، این یک حقیقت آشکار است اما تعاریفی که فیلسوفان غربی از حقیقت و دانش مفید و فناوری برای رستگاری انسان ارائه داده اند ، با خواستگاه انسانیت سازگاری نداشته و باید خط بطلان بر بسیاری از دست آورد های علمی غرب کشید .

This rooty discussion is metaphors of persons, daydreaming, and metaphorical thinking, relative and creditable of policy makers and generally, they are in a ways of false models and these results are breaking of ozone layer, Hobbism, dangerous invironmental changes, profusion, voiding of based on classic and new classic economies, dangerous errors economy of communists and capitalists, immorality,

70% poverty in this present time, the heavy traffic in cities and hundreds of disasters those have come to living of people and however, the man himself, his existence, his character, and so on has written in anthropology into thousands of books, it is a revealing truth, but definitions those who offered or salvation human from true and useful knowledge and technology in the west, is not compatible with origins of humanity and should be crossed off many western scientific achievements.

پایداری حقیقت علم

Sustainability science fact

علم حقیقی است که در همه زمان ها و مکانها اثر مفید دارد و خواص مفیدیت آن بر حسب زمان و مکان تغییر نمی کند، نظیر قوانین طبیعی است که در همه زمان ها و مکان ها تغییر نمی کند و اگر انسان در مراحل دانشوری خود خواهانه خود، در این دست کاری نکند، همیشه اثرات نیکو و موثر خود را برای رستگاری بشر دارد، اینکه در نظریه فیلیپین شارل (Felicien Challaye) " حقیقت عبارت از فکری که تمام اذهان در یک زمان در آن وفاق داشته باشند " تعریف نادرستی از حقیقت است [1] و همان شیوه حسی - ابطالی (Sense- Falsification) علوم غربی است که دیگر جایی برای مانورهای بهبود خرابی های جهان در آینده ندارد، همین خیال بافی را ویلیام جمیز (William James) به عبارتی دیگر دارد که میگوید: حقیقت عبارتست از فکری است که از فلسفه پراگماتیسم در عمل اثر بگذارد، یعنی فکری که با تجربه تأیید شده باشد [2]، در مورد حقیقت، تعاریف زیادی گفته شده است، ولی در واقع نوعی سپر اندازی در مقابل ذات حقیقت است و این دال بر آن است که حق و حقیقت حامی حقوق همه جانبه انسان است و حق و حقیقت در سیستم های غربی کمتر ملاک عمل علمی و دانش و محوری است و نتیجه آن، همین برون داد های وحشتناک غرب برای تخریب انسان و محیط آنست.

Science is truth that it has beneficial effect in every places and times and its utility properties does not change in terms of time and space, like nature laws those it does not change in terms of time and space too, if humans does not miss in the early stages of their selfish around them, will its has good effects and effective for salvation of human like always, in view of Felicien challaye he said: "indeed, the truth is all minds have agreed at a time" is incorrect definition of truth [1] and that like "Sense- Falsification" in the west that it has not any place for exercises improve of world, its failures in future, in other word, William James has its daydreaming that he said: "indeed, the truth is from thought that it confirm by experience: it means: pragmatism [2], concerning of truth many definitions have been told, but in deed, it is a shield up against essence of truth and this reason is

intended that right and truth is all human rights and right and truth, criteria getting for actions so much fewer in western systems in knowledge, activities and the result of manner is these such western terrible output for demolishing of man and environment .

فهم حقیقی بما کمک میکند که ما ادراکات خود را بدیهی ساخته و بر اساس فطرت ، واقع (Real) را درک کنیم ، در این گونه ادراکات ، بی نیاز از استدلالات بدیهیات ثانویه (Second Self-evident) نیستیم ، یعنی از طریق منطق و استدلال و قواعدی که بشر با توانش عقلی فراهم کرده است ما به بدیهیات اولیه (First Self-evident) دست میابیم ، ولی از این نظر که درک کنیم این بدیهی نما ، از حق و حقیقت ، صحیح و سقیم ، پایداری ، عدل و انصاف و آنچه را که ما در قواعد دانش مفید (usefulness knowledge) لازم داریم که باید مستلزم حقوق همگان باشد ، چقدر خطا و انحراف از معیار درستی دارد؟ و این موضوع از شمول کنکاشهای است که اندیشه فیلسوفانی نظیر هگل (Hegel) ، دکارت (Descartes) ، کانت (Kant) و دیگران را مشغول کرده است ، و از آنجا که فیلسوفان غربی با نگاه مادی به این موضوعات اساسی پرداختند از خطا مصون نبودند و در این معرکه آرائی های فراوان ؛ نسخه های را دادند که بتوانند حقیقت شیئی را آشکار کنند ولی ما وقتی نتیجه این کنکاش های عقلی را در میدان عمل مشاهده میکنیم و وضعیت دنیا را در آشوب سردرگمی میبینیم ، درمیابیم که آنها چون یک طرفه فقط بر مبنای اندیشیدن بدون اعتقاد به دریافت چیزها (things) ، فلسفیدند ، خود و تمام بشریت را در تله نابودی قرار دادند .

Our understanding help us those it we obviously made our understanding surely and on nature based, we understand “real” ,in such perceptions , we need not from “Second Self-evident “ namely through the logic of arguments, rules those has prepared by intellectual competence , we found to “ First Self-evident “ , but from this point of view to understand this facade obviously , how does have false and deviation of criteria from right and truth , correct and incorrect , stability, justice and equity and what we have in the rules of “usefulness knowledge” that should be rights entails everyone and this subject is the inclusion searches thoughts of philosophers such as Hegel, Descartes, Kant and others and since the western philosophers have paid in these key issues by Looking at the material view , they were not immune from error, in these great votes are showing that they can discover the truth object , but when we see their results in the arena, action and situation of the world in confusion chaos , we find that they thought one way only on the basis of material thinking and without according to Receive of things and got in trap destruction embed all human.

بدیهی است اگر چیزی میان دانشمندان مادی، مورد بحث قرار بگیرد که ممکن است خود نسخه منطق شناسی حقیقت، قبل از آنکه حقیقت شیئی را آشکار سازد، باشد، و بدینسان خود در تله درست نمائی قرار میگیرد، که بر اساس اصول منطق دیالکتیک (Logic Essentials of Dialectic)، بین امتناع منطق شناسی حقیقت و ذات حقیقت شیئی، نمیتوانند بین این تضاد (opposites impossible between) آشتی و وحدت ایجاد کنند و پافشاری روی اصل وحدت ضدین (Unity of Opposites Essential) باینکه آنچه واقع شده است، همان حقیقت است، یک خیال باطل است و مردود میباشد [3] و هرگونه تناقض گوئی از سوی دانشمندان علوم انسانی که با سمت وسوی علوم فیزیکی انجام میگیرد، خالی از اشکال نیست و حتی در فرآوری های محصولات از ایده تا محصول نهائی، دست کاری های غیر حقیقی و ضد منافع انسان و محیط زیست و طبیعت زمین مدخلیت پیدا میکند که منافع ظالمانه سوداگران طمع کار و دنیا دوست را صیانت میکند، پس بسیاری از علوم و بخصوص در علوم انسانی باطل هستند.

Obviously if something be settle issue among the material scientists so that is possible be the logic of truth befor reveal objective truth and thus placed it-self in trap likelihood, that based on "Logic Essentials of Dialectic" impossible between these two oposites create unity at all "Refusal between the logic of truth and true nature of the object" respects what is happened truth or other is a illusion and it is rejected [3] And any contradictions from way of scientists human dcienes that is done with direction physical sciences is not empty of difficult ,and even , affect effective finds and get untruth manipulation aroud envrinment , nature oh earht and anti-human interests and protecting of cruel interests of greedy and world like traders , then it is falsehood many of Sciences and particular in human sciences .

حقیقت ذاتاً امری ثابت و دائمی است

حقیقت مثل تولد و مرگ، حق حیات برای همگان و بدون توجه به نژاد و قبیلگی، داشتن سهم لازم از منابع زمین، حق شغل، حق همسر و فرزند داری، حقوق در قبال تکلیف و هزاران حقوق دیگر در زندگی بشر، جریانی ثابت و دائمی و با زمان و مکان تغییر نمیکند و حق چیزی است که هرکس با فطرت خویش درستی و یا نادرستی آنرا درک میکند و بنابراین هر کس بخوبی میداند که "چه کاره است" اگر چه خود را در نزد دیگران به گونه ای دیگر توجیه کند و نقابی غیرخویشتن خویش بر صورت خود بزند، دروغ همواره دروغ و راستی همواره راستی است و بطور کلی قوانینی در جهان حاکم است که انسان از طریق مذهب، یافته های بر حق علم حضوری، فطرت پاک و آلوده نشده، و نظایر اینها، این طبیعت پاک را درک کرده و درستی آنرا در قلب خود تصدیق میکند و وجدان او، صدق این احکام را شهادت می دهد و این امور را نمی توان به عقل حسابگر و یا سلیقه های سوء گرانه و قدرت های ظالمانه واگذار کرد.

The truth that such birth and death, the right to life for all and regardless of race or tribe, the necessary share from earth,s resources , occupation,s rights, having

rights of spouse and child , rights to the task and thousands other rights does not change with time and places and so, it is constant flow and continual current , the right is a thing that anyone understands rightly or wrongly of them with his mettle indeed , everyone knows who ” what is it –self” although he get Justify it-self among others , otherwise he set up on his face other mask on his face, Lie is always a lie, truth is always truth, and laws are governing in the world generally that human concedes it properly in his heart through religion, right,s findings basis on immediate knowledge , pure nature, and others , and his conscience testifies apply to these commandments and it cann,t leave to calculator mind or abuse critical tastes and cruelly powers.

پس حقایق ذاتا دائمی بوده ومحکوم به زمان ومکان نمی باشد ، دراین مورد مادی پرستان کوردل ، این جریانهای حقیقی را مردود میدانند ودلیلی هم برای این نفهمی خود ندارند واز طریق علوم فیزیکی ، مغالطه میکنند ودلیل ما اینست که اینها ابزارهائی است برای حق کشی ، خالی کردن جیب های مردم ، خلق مدل های دروغین وبا محاسبات غیر حقیقی ریاضی نما ، برپا کردن دکان های کسب وکارهای بی اثر وبا اثرات مضر برای ابنای بشر ونظایر اینها که وقتی پرده از این حقه بازی ها وشبیه سازی های تهی از حقیقت که در بازار تبلیغ میکنند ، برداشته شود ، این دکان های قلبی از طریق مردم کشف وبرچیده شده ودروغ آنها فاش شده وبه سوداگری آنها خاتمه داده میشود ، بنابراین خیل دزدان بازار سرخ خونین جهان، رسوای خاص عام وخاص میشوند ، دانشمند کشی ، خبره کشی ، جهاد گر کُشی ، کاشف این حقایق کشی از زمره سیاست های خیل دزدان قطاع الطریق است ، کسانی اخلاق علمی میسازند (Scientific Etic) ،ادیان قلبی می سازند ، فرضیات تهی از حقیقت می سازند ، فلسفه می بافند، از جذابیت جنس زنان برای بازارگرمی خود سوء استفاده جنسی میکنند ، فاحشه خانه وسرگرمی های هوس آلود بر پا می کنند ، شراب ومواد مخدر وصددا حيله دیگر بکار میگیرند که دنیا را بچاپند ویکروز که سونامی حاصل از حق کشی ها تاروپود زندگی نکبت دار آنان را هدف قرار میگیرد ، با حقه بازی کسانی را متهم می کنند که حامی حقوق انسانها بوده اند .

So essentially permanent facts and it is not bound to time and place, in this case, inwardly worshiper's material rejected truth, s currents and they have not any reason for their own fatuity and them sophisted the way of physical Sciences! And our reasons in this matter are these tools for injustice, get empty for people, s pockets, creating of false models by untruth calculate as math façade, setup ineffective stores of businesses with harmful effects for human beings and so on that when the curtain of these trickeries and simulating of devoid of truth, these stores discovered by the the people and will end speculative activities so huge thieves red bloody world market became special and general are disgracd at last

,killing of scientists, killing of experts , killing of jihads , it is disciveing of Pirates of the red market , those who create scientific Etic or false religions , assumptions devoid of truth, weaving of philosophy , making brothel, bad using of women , cast hubbism , wine and drugs and used hundreds of other tricks for this is that rob the world and a day that tsunami of denial of rigths and embracing of the purpose of their life is misery objects , they accused those human rights are truly.

فهم نسبی چیست؟

منظور ما از فهم نسبی ، فهمی است که از حقایق احتمالی نشانت میگیرد که به حقایق نسبی معروف است ، حقیقت نسبی ، زمانی مطرح میشود که یک حقیقت مطلق از دایره مطلقیت عدول کرده و با اینهمانی (identity) خود به اشتراک مفاهیم و نسبی بودن ، سوق پیدا میکند ، خطای حواس هم مزید بر علت شده و نسبی بودن حقایق را باعث میشود و این موضوع از آنجا که حقایق در محاق اشیاء جستجو میشود (علوم فیزیکی) و ذوات خاص و قوانین طبیعت را دایر مدار تغییرات اشیاء نمیداند ، درکی حاصل میشود که گویا این همان حقیقت است ، در سنجش خردناب (Measuring of pure wisdom) از ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) در این مورد مطلق گرائی شده است و درخالص سازی عقل گرائی و ادارک صحیح از اشیاء (things) نکات ارزشمندی ابراز شده است ، حقیقت نسبی در علوم و مباحث غربی همان امر مسلم (Fact) است که مراد از این واژه در فرهنگ لغات غربی به معنی امر مسلم ، امر محقق، حقیقت ، چگونگی امر، واقعه ، فعل ، مراتب ، کیفیت ، چگونگی آمده است که این مجموعه چند وجهی از یک واژه ، بمعنی رد حقیقت و عدول مسلم از حق و حقیقت است ، بدیهی است آنچه تاکنون واقع شده ، تمامی حقیقت نبوده و متضمن ادای حقوق صاحب حق نبوده است و این گونه معنا شناسی و فهم از ذوات هستی ، همین مصائبی است که ما در جهان حاضر می بینیم و تا زمانی این فهم برای شرکت های دانش بنیان ، دانشمندان ، متخصصین و مدعیان داشتن علم و فناوری حاصل نشود ، باید شاهد تخریب بیشتر زمین و زندگی طبیعی انسان و سایر ذوی الحیات باشیم تا روزی که کره زمین از این همه ظلمی که به او و ساکنین اش روا داشته شده است ، از دل پردرد و آتش گرفته خود منفجر شود و به زندگی بشر امروز خاتمه دهد.

What is the relative sense?

Our aim of relative sense, it understands that conclude of prabably truths those it is famous as” relative trues “not absolute true or imaging of self-identity (common understanding of several things), in this method, also, any hallucination caused to be relative trues, because seeking of thruth, s discovery is into wane of the things like reaching of physicl and falsifiability obvious, then it is impossibile to known in this way the identities and nature of things, s changes, it became a sense on the supposition that is verily the same self-identity , in the measuring of pure

wisdom from Immanuel Kant has absolutized it, but has declared in this book many valuable points for purging of rationalism, in western sciences the relative truths it means fact (truly absolute all), it is wrong, fact means several meanings like: certain, verified, truth, order, command, event, activity, case, circumstances, quality and position (refer to English dictionary), this polyhedral set from one word it means revelation of truth is, certainly, what accomplished acts up to now. It isn't right all of them and such semantics or such understanding of identities (itself) in the world, that was all tragical events we see them in this age and at the time that this understanding doesn't obtain for knowledge based companies, scientists, experts and professional men and pretenders of S&T, we should be witness destroying over the world and living of human more and more, until a day that earth's heart will explode of so much these injustices were entrenched on over the earth and put an end to life and keeping all dwelling a way.

فهم اعتباری چیست؟

اعتباریات در مقایسه با حقایق به امور حسی، لفظی، زبانی، زمانی، مکانی و بسیاری از شرایط مربوط میشود که بر حسب زمان و مکان و موقعیت ویژه اعتبار دارد و خارج از آن از اعتبار متعلقه سقوط میکند مثل قانون و مقررات یک کشور برای خود آن کشور اعتبار دارد و برای سایر کشورها بی اعتبار است مگر اینکه قانون حقیقی باشد، گاهی مفهوم فلسفی بخود گرفته و معرکه آراء مباحث فلسفی و فلسفیدن میگردد، گاهی انتزاعی است و از چیزی دیگر که معلوم بوده و دارای ماهیت است و ممکن است هنوز مورد صدق قرار گرفته یا نگرفته باشد، اخذ شده و دریافت شود، محقق نیک صفت بدنبال کشف حقیقت در این وادی پرپیچ و خم است و مایل است در این تقسیم بندی های منطقی، راهی به حقیقت و واقعیت پیدا کند، در اینجا بحث "کنه" (it-self) پیش میآید، یعنی آیا این رویداد یا فرضیه و یا فرض "هرچه هست همان است" (Identity)، یعنی جوهر وجودی شئی (Substance) که جوهر وجودی شئی یا قضیه مورد است و اینک لباس عَرْضی خودش است که اینهمانی به تن کرده است و از عرصه ذهن به عرصه اعیان رخ نموده است، امری صادق (truth) است یا خطا (false) و اگر خطا باشد (داده های غلط)؛ چند صباحی بعد آشکار میگردد، اگر مثل برخی فرضیه هائی باشد که رد شده و آسبیبی چندان ندارد ولی اگر دارویی مضر برای جسم انسان، یا حکم اخلاقی تباه کننده بشر و یا یک الگوی فناورانه ضد بشری باشد، که دردنیای ما فراوان است، یقه چه کسی را و یا چه فیلسوفی، سیاست گذاری و متخصصی را باید گرفت و این یقه گیری (به فرض محال) چه کمکی برای رهائی میلیون ها انسان مبتلا به آن، مثل جنگ افزارهای خطرناک بیولوژیک (مراجعه شود به تاسیسات بیولوژیک آمریکا برای کشتار جمعی در عراق و کشورهای دیگر با طرح فرضیه ایجاد امنیت جهانی و مقابله با تروریسم به دستور بوش) و هزاران سوداگری دیگر را چه کسی پاسخ میدهد و چگونه بندوباری حاصل از زن گزائی را باید حل کرد؟ و یا به داد و فریاد میلیون ها انسان آواره و تحت ستم از این محصولات اعتباری فرجام خواهی کند؟

What credit understanding?

Credits compared with the truths are related to sense affairs, verbal, linguistic, Time, place and many of conditions those it have validity according to espial times and places and it is falling of credits accrued such as laws and regulations a country those it has for it-self country only and it is not valid for others countries unless the law is true, sometimes it takes a philosophical concept and become great philosophical views or sometimes abstract and takes from the other thing that was clear , so, the good idea researcher for seeking of truth in this meandrous way and he wants to find a logical partitioning of details and breakdown solution ,here comes discussion about it-self namely whether the event ,hypothesis ,assumption ,” identity “ , substance or wear transverse , that is true or false (false data) , after a while becomes obvious that is a harm medicine for huuman,s body or moral judgment spoiler for mankind those are so much same hurmfull things in the world in this presnt time , who we take collar? Or what philosopher, policy maker, expert and so on? What help for release millions of people with these diseases? Like dangerous biologic weapons by order whit Bush in America biologic installations, who responds? Or doing of pleading or appealing to the Supreme Court for crying of millions of people displaced in the world?

سوالات فوق از لحاظ فلسفه انسانی بسیار حائز اهمیت است ، باید چارچوب های در مدیریت عمومی جهان درست شود که هر خطا کار در هر مقام ویا هر تخصص که بر خلاف حقیقت علم – انسان رفتار میکند مجازات شود و علاوه بر آن ، از قبل باید ،سیستم پیشگیری از هرگونه جرائم ابداع وایجاد گردد واین سیستم ها به عنوان بازدارنده دعاوی در دادگاه ها شود ، این یکی از کمپین های احتجاجی دانش مفید است ، باید علم را از فرضیات تهی (Null hypothesis) نجات داد ودنیا را از سرگرمی های مسرفانه به اصطلاح علمی رهانید و هر کس که این خطاها را انجام میدهد ، رسوا ساخت ، و برای حرص وولع دنیا پرستی طمعکاران مقررات بازدارنده تولید(Generalization) کرد، معلول را نباید بجای علت بکار برد ، بسیاری از بیماری های اجتماعی ، معلول عللی هستند که با رفع آن علل ، بیماری بوجود نیاید واین بمعنی عدول از جریان حقیقی وطبیعی وامور معنوی بوده که موجبات بیماری ها وایجاد کسب وکارهای حریصانه را ایجاد کرده است ، بسیاری از ژن درمانی ها ، روش های شیمی درمانی ، پرتودرمانی ها ، جراحی ها ، ونظایر اینها ، خود عوامل مریضی وبیماری زا هستند ، فاصله های درآمدی ،وشکاف بین زندگی فقیرانه وزندگی شاهانه در قصر های زمینی وهوائی (به عکس زیر نگاه کنید) ، خود عامل ناامیدی اجتماعی ، درد ورنج های روانی ، چشم بهم چشمی ونهایتاً از بیماری های خانمان سوز است ، چپاول گری بانک ها ، بیمه گر ها ،وسازمان های مالی داخلی وخارجی ، علل نابودی کارخانجات وتاسیسات مردم بوده وموجب قتل وغارت وبی امنی جامعه شده است.

Above questions are very important with point of view of human, s philosophy, it should be create many frameworks general management those who be punished about contrary to the truth of science - man treats in any level or any specialty positions, and also, it must be invent any crime prevention system and these systems of claims in the courts as a deterrent crimes, this is one of argumentative campaign in usefulness knowledge in future (refer to my article of "Truth, validity and relative understanding and canceled some sciences"), it should be save sciences from Null hypothesis and save the world of wasteful entertainment as term scientific and must build scandalous anybody who does this crimes, and must generate restrictive regulations, the cause of the disabled should be used instead, many social diseases be caused of disabled causes disease is expressed with the elimination of the causes and it means that deviation of actual flow, natural and spiritual matters is, which causes the disease has been and create businesses greedy, his illness, disease-causing agents, like: many gene therapy, many chemotherapy, radiation, surgery and so on, revenue gap, the gap between life of poor people and rich those live in air and earth castles (see as follow image) it is managing your social despair, psychological pain suffering, snap-eye and ruinous of living finally and also, ravaging by banks, insurers and internal and external financial organizations those be causes destruction of manufacturing and facility people's installations, those it caused murder, loot and insecurity of community.

در مسئله اعتباریات، اینکه کدام یک از مصدقات است و کدامیک از خطا و غلط، مربوط میشود به ترکیب حق با باطل، و اشکال اینجاست که آن قسم که حق است و در موقع انفصال خود که مستقل از باطل بوده است، در ترکیب با باطل، مفهوم حقیقی خود را از دست داده و ارزش و مفیدیت خود را در ترکیب با باطل، معدوم میکند و این ترکیب از خاصیت حقیقی تهی میشود و منجر به حکمی میگردد که به عنوان مثال، امروزه یک نهضت جهانی برای نجات بشر از عفريت سرطان براه افتاده است و به تدریج سمت گیری علاقمندان به سرنوشت بشر بسوی راه حل های حقیقی ملاحظه میشود، چنانچه دکتر کارلو (Caro Lucas Ghukasian) میگوید "روزه ای که اسلام واجب کرده، بزرگترین ضامن سلامتی بدن است. مدرک "فیزیک-پزشک" fa.wikipedia.org نه رژیم غذایی و این اختلاف ادراکی، اثر تصدیقی روزه رانیز به ابطال میکشاند، همانطور ادعیه های معروف و رایج در ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت که از خدداوند شفاء می طلبند، این گونه منشاء غیر حسی را افرادی مثل کارل پوپر (Raimund karl Popper) نمی فهمند ولی در قرآن کریم نمونه های تاریخ و عملی آن فراوان است (سوره قیامت آیات 11 الی 13)، اینگونه جریان ها که تابع نظام علیّ و معلولی است، جزء جریان ها و قواعد حقیقی است که جهان غرب از آن محروم است [4] و هم از مصدقات عقلی است چنانکه جان لاک (John Locke)

میگوید "چون تبدیل هائی همواره بر یک سان در احوال چیز ها مشاهده میکنیم وچیزهای دیگری را میبینیم که همواره آن تبدیل ها را میدهند ، پس آن تبدیل را " معلول" وچیز هائی که باعث این تبدیل ها شده اند را " علت "مینامیم واز همین راه تصور آفرینش و زایش و ساخت و تغییر برای ما حاصل میشود [5].

In the validities, which is truth or false? It is concerned to combine of right with unright, and difficulty is here that part was right by combined with falsehood, it loses it-self truth, its concept and destroyed its value and usefulness ever and this combination from the true property is empty, and leads to a ruling that as like: it is necessary saving of people from cancer, its devil today and is seen those who interested in the fate of mankind toward truth solutions if Dr. Caro Lucas Ghukasian said: "Islam has fast, the largest is safe for mankind"(physic –physician, fa.wikipedia.org " no diet and this difference of perception leads to cancellation the effect of recognition of fast day, the roots of these non-sense concepts understood not by likeness raimund karl Popper, but there are a lot of historical and empirical symbols in Quran (surah: day of judgment, verses: 11to13), these currents that continued system is causal of " cause and effect" these are the flow of the truth rules ever those it was denied the world of west[4] and a certified rational evidence, if John Locke said: "because we always see conversions the same in the circumstances things and we see other things those that give us as identity same them consistably, then that replacement thing is" effect " and things that caused for changing this replacement it named" Cause" and from this way we understand imagine Creations, changing and building truly.[5]

اعتباریات و رابطه آن با ادراکات نسبی

این موضوع مربوط به عالم ذهن و ادراک مربوط میشود ، همانطور که اعتباریات در مقابل حقایق است ، ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی است [6] ادراکات حقیقی در واقع انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع در نفس الامر است ، اما ادراکات اعتباری عبارتند از فرض های (Assumptions) که به ذهن خطور میکند و جنبه های وضعی ، قراردادهای فرضی و اعتباری زمانی و مکانی دارد ، به عنوان مثال بر همین فلسفی و یا یک اقدام و عمل طبیعی و ریاضی از ادراکات حقیقی هستند ، این ادراکات حقیقی دائمی و مطلق بوده و غیر قابل تغییر هستند ، ولی ادراکات اعتباری نسبی (به دو صورت اعتبار سنجی و درست سنجی توسط شرکت های دانش بیان و محققین خبره) ، گاهی موقت و غیر ضرور بوده و اعتبار آنها به قوانین و مقررات کشوری و قراردادهای موقت اجتماعی ؛ تئوری های انتخابی و بطور کلی از ادراکات حقیقی متمایز و منفک میشود ، اختلاط بین این دو ، شخص حقیقی یا حقوقی را به گمراهی و خیالات میکشاند ، مانند اینست که یک امر بدیهی را بخواهیم با تجربه و آزمایش تصدیق کنیم ، در واقع امر مطلق

نظیر اعتقادات انسان به ماوراءالطبیعه را بخواهیم با هم مخلوط کنیم ، چنین امری محال است که بین ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری ونسبی اتفاق بیافتد [7].

Validites and its relationship with relative understanding

This subject is related to mind and Perception, as validities are opposite rights then valid perception is opposite truth understanding [6] the truth understanding is mental reflect developments in The Truth According to it-self , but valid perceptions include assumptions those it influences to mind and it has aspects situations , hypothetical contract, related to define time and define place for example: Philosophical arguments or a natural action and mathematical doing are truth , but their data be false probably , because the truth understanding is absolute and continuesly and non-modifiable but relative recognition(Validation and Verification) occasionally temporary and obviate is , indeed, its credit depends to legal laws and instruments , MoU, many theories and be separate from truth concept , mixture between in two understandings be misled the person and such these tests aren't them-selves[7] .

در حال حاضر هزاران محصول است که برای مردم مضر می باشد و هزاران قانون است که مایه بیچارگی مردم شده است که انسان بنا به تجربه و یا فطرت و قلب سلیم خود ، مضرات و یا بی خاصیت بودن آنها درک کرده است و نسبت به حکومت ، دانشگاه ، بازار ، سیستم های مالی و اعتباری و غیر اینها شک کرده و بی اعتماد گردیده است و این پدیده ها با روح کمال جوئی و زندگی جاودانه او مغایریت پیدا کرده است و زندگی آرام ، سربلند و طبیعی خود را نمی یابد و از همه بدتر ، با فطرت خویش حق کشی ها را درک میکند ، چشم بهم چشمی ها را می بیند ، فلان فامیل برای پُزدادن دختر و پسرش را با هر درآمد نادرست و پرداخت های گزاف به مدرک دکتری میرساند که افاده بفروشد ، مسابقه برای سود کردن بهر طریق است و نهایتاً تن دادن به آنچه همه انجام میدهند و همرنگ جماعت میشود که نه با عقل سلیم او سازگاری دارد و نه با قلب آشفته وی و نه با روح و ارگانیزم بدن او میسازد ، اینها عامل بیماری ، قتل و غارت ، دزدی و چپاول گری و نهایتاً ایجاد کسب و کارهای کاذب و ازدحام در محاکم قضائی میشود .

At this present time, these thousands products those it harm for human, and thousands laws those have caused for need of people, that humankind understand these harmful and not be efficacious by their experiences , nature and health- heart and they don't become confidence to government universities , market, financial and critical systems and so on , and these phenomena have conflicted with his perfection-seeking spirit and eternal life and he doesn't find his peaceful life,

honoured and natural living , all worse ,he unrestood injustice to right naturally , snap eyecups, showing off, the race for profits by any way and going whit the stream finally and no compatible with its health- mind , no whit its heart and no its body-organism , these are disease factors , Murder and crime ,theft and plundering and ultimately creating businesses false and congestion at courts.

اگر قبل از هر آزمایشی، طرحی یا اقدامی ، این رابطه متقابل بررسی شود و عوامل حیات بخش طبیعی آن درک گردد و به اصل ضرورت (Principal of Necessity) وقوف حاصل گردد ، قطعاً عوامل حقیقی حیات مختل نمی گردد ، یعنی احتیاجاتی که ناشی از احکام حقیقی است ، جایگزین احکامی میشود که خواسته ها و زیاده خواهی ها و روابط سوداگرانه موجود را رفع یا تعدیل خواهد کرد و بازار میدان تاخت و تاز این سوداگری های غیر طبیعی کنار گذاشته و بالطبع از ازدحام در بیمارستان ها ، دادگاه ها و نظایر اینها کاسته خواهد شد [8] ، این موضوع مهم به معنی عدم اصل انطباق حقیقی با احتیاجات واقعی (Essential of Conformity Between Truth and Reality needs) معروف است یک رشته تحصیلی لازم از دانش مفید در این مورد باید در دانشگاه ها آغاز شود ورشته های تحصیلی دیگری که در آینده از این نویسنده اعلام خواهد شد ، از این روی ، حیات از دیدگاه قرآن مجید ، برحسب بیولوژی نص (Biology of text) احکامی را اعلام میکند که شرح و بسط آن باعث تطویل این نوشته خواهد شد در این مورد لئون برانس چویگ (Léon Brunschvicg) میگوید "حقیقت اینست که علم انسان باید رابطه و اثر متقابل با عقل و حس پیدا کند و اگر این رابطه و اثر متقابل فقد شود ، عوامل حیات مختل میگردد، برای اینکه مبداء هویت ، اصل ضرورت حمل شیئی بر نفس (یعنی هر چیز ، خودش است) را رهبری میکند و این نمی تواند در تضاد دیگر ، نافی نفع بشریت باشد" [8] ، بنابراین ما به همکاری عقل و حس نیاز داریم ، عقلی که بدور از سُکریات و با مبناهای خودش کار میکند و این دو معنا با هم توافق ذاتی دارند(کُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ) ، یعنی هر چه بر اساس عقل صحیح است در حس هم صحیح است و هر معقولات یقینی که از مبنای عقلی صادر میشود ، قابل صدور احکام برای اجرا است ، برای اینکه عقل ، نص ، حب النفس و قوانین طبیعی از پایه های اولیه زندگی بشر میباشند [9].

If before any test and any plan or action, this interaction is checked and it be understood those natural part of life and information be achieved about principal of necessity it does not disturb the true agents of life absolutely, namely, what needs that caused from right commandments will replaced instead greed of bad existing commercial relationships in markets or will get adjusted ever and will decrease overcrowding in hospitals, courts and such these, this important subject it means” Essential of conformity between truth and reality needs “ [8] [‘ that is a scientific famous term, and it necessary establish a education course in universities in future , thus, life according to the holy Quran,s view and biology of its texts are many right commandments , in this case Léon Brunschvicg said:” the truth is that

knowledge of human should be to find effect relationship between reason and sense , if this relationship and their interaction be annihilated so, critical factors of life hampered , because identity Source is the necessity of carrying the objective in it-self and if this leadership be missed ,therefore , it is negating the benefit of humanity “[9].

مبانی حق و باطل

امور دنیا به دو بخش حق و باطل تقسیم شده است، انسان فی نفسه به ذوات وجود بر حق ، فطرتاً فهم داشته و اعتقاد دارد و از آن به عنوان یک وجد نیکو یاد میکنند و اینکه کدام را حق میدانند و کدام را باطل ، مربوط به ادراکات او از نقطه نظر شعور باطن میشود ، در برهین آیات و حیاتی بسیار ملاحظه میشود که آدمی در این مورد ، خود آگاه است و به اصطلاح هرکس میدانند ، چکاره است ، کلیه خوبی ها و بدی ها ، خیر و نیکوئی ها ، اعمال پاک و ناپاک ، نیات مخلصانه و یا غیر اخلاص و... همه را میدانند و در نزد خویشتن خویش به گناهان و یا ثواب ها بطور وجدانی اعتراف دارد و شما ابزاری برای تمیز این اراده ها ندارید، پس انسان در نزد خودش دنبال مغالطه و سفسطه نیست، ولی همین انسان در تعامل و تقابل با دیگران و بر حسب حق خواهی ، به توجیه گری و لفاظی [10] میپردازد و این شیوه فقط ، شیوه عوام نیست ، در فلاسفه و محیط های متصّف به علوم غیر حقیقی فراوان است که میتوان تحت القائنات سفسطائیان یا شکاکان ، اثبات گرایان ، مادیکران و نظایر اینها به وفور و حجم های فراوان ملاحظه کرد [11] ، کلیه دانشمندان غیر مادی نظیر افلاطون ، ارسطو ، دکارت ، کانت و نظایر اینان که ایده آلیست هستند به اصالت تصویر به عنوان اصالت واقع اعتقاد دارند [12] ، ولی در جبهه باطل ، پروتاگوراس (Protagoras) است او میگوید " انسان مقیاس همه چیز است ، مقیاس هستی آنچه هست و چگونه است ، مقیاس نیستی آنچه نیستی است « گرگیاس (Gorgias) از شکاکان و قدمای یونان و برکلی (Berkli) و شوپنهاور (Schopenhauer) [1] از متاخرین اروپا ، جهان خارج از ظرف ذهن را منکر شدند ، لیکن رئالیست ها (Realists) که از کلمه واقعی (Real) مشتق شده است و به آنان واقعین هم اطلاق میشود ، به اصالت واقعیت خارجی (Genuineness of External Reality) که معلوم فطری (Natural Known) در انسان است معترف هستند [13] ، و نویسنده دنبال آنست که نهضت حقیقت فهمی و حقیقت یابی (Truth understanding and seeking of thruth) در اروپا بر پا کند، چراکه فیلسوفانی در اروپا بودند و هستند ، مثل دکارت که معلومات را هم فطری میدانند و هم ناشی از عقل.

Principles of the Right and false

Affairs of the world are divided into two right and false, human can understand in it-self naturally and knows it a goodness ecstasy and in thy way, which is right and false? Related to feeling of it-sole is, these are many truths in divine verses that is every body knows himself, it means, “everybody knows is what i?” he knows goodness and badness, welfare, benefit, charity, pure action or not, lie or right ,

sincere intentions or not, treachery or trusty and so on , in the it- self acknowledges into its doing (sin or good deed) in all conscience and you have not any tool for discovering of human,s inner by physical seasoning then every person doesn,t follow misleading question or fallacy with them,but this man gives pay to gray's justification and using of mere words and bombastic social interactves]10[, also this method is no way of commons , but these methods are so much in philosiphers and in acadamic spaces like: sophism or doubters , positivists, materialism andlike these] 11 [, and all immaterial scientists like: Plato, Aristotle, Descartes, Hume, Kant and so on , they believe to the originality of thought] 12 [, but on the false side Protagoras said; “huma is any meure in evrythings , scale being what it is and how is , what is not is not scale!?” many philosophers within minds denied like: Gorgias, Berkli, Schopenhauer and other like these in the latter Europe, but Realists acknowlege to Genuineness of External Reality that is natural known] 13 [,and this writer put on the Truth understanding and seeking of thruth in Europe , Why so these were philosophres in Europe and now like: René Descartes who that knows things known are nature and both of wisdom too.

اصحاب حسیون (Empiricists) که منشاء علوم را حس و تجربه میدانند ، نظیر جان لاک (John Lack) انگلیسی ، درعین حال خطاهای حسی را با دلیل ثابت کرده است و برکلی ، وجود حقیقی رادرک کرده و وجود نفس را تصدیق نموده و در تشکیل صور محسوسات در شخص ادراک کننده تردیدی ندارد] 14 [، موضوعی که انسان را در حقیقت یابی و تمیز حق و باطل یاری میکند ، اراده (Will or Determination) است ، همانطور که حقیقت جهان بر حسب اراده شکل گرفته است و انسان همانطور که اشاره رفت ، به حقیقت خود که اراده بی واسطه است ، پی میبرد و این اراده در ذات خود یک حقیقت مطلق ، مستقل با لذات و خارج از حدود مکان و زمان است و تمام حقایق جهان ، درجات و مراتب آن با اراده عمل میکند و امری یله ورها شده نیست [15] ، از دیگر مطالب حق و باطل ، وجود و درک تناقض هاست ، قبول اصل عدم تناقض (Essential of Non-Existence Contradiction) است که از سوی برخی دانشمندان ، بمنزله رمز گشائی ، از اسرار حق و باطل مییابد چنانچه بازی زبان (Language Game) از ویتگنشتاین (Wittgenstein) گشودن رمز دیگری در لفاظی عده ای مادیگران است ، اینکه عده ای بگویند ، حقیقت است و عده ای دیگر بگویند حقیقت نیست ، یک تناقض آشکار است ، دکارت برای رهائی از تناقض و قبول "اصل عدم تناقض " از عبارت " من فکر میکنم ، پس هستم " (I think, then I am) استفاده کرد که البته جمله نادرست و "من هستم ، اولی بر تفکر است و فکر کردن متفرع از اصالت انسان ، یعنی "من" است ، چون دکارت نمی توانست قبول کند که " بگوید فکر میکنم ، و نیستم " یا " هستم درعین حال نیستم" پس " اصل عدم تناقض " گره گشای مصادیق علمی و ادراکات بشری است.

Empiricists those who know root if sciences the sense and expreice, like: John Lack(English) has proven to be a reason of sensory errors and Berkli there is a true appreciation and acknowledges the existence of the soul and he hasn,t doubt [14] the subject that is guide fro human , indeed , it is “will or determination” as will orgenized the world according to truth and this determination term is truly in this creation no doubt and it is the commandment not bent and not be released [15]and other subject about these matters there is a paradox and understanding and accept “Essential of Non-Existence Contradiction” that through of many scientists , as decryption is a method to discovering of secrets the right and false if Language Game from Wittgenstein it is discovery of secrets in some of the rhetoric materialism, Decart cartes for the liberation essential of non-existence contradiction said: “I think, then I am” the first was the basis on thought and second was basis on originality of human namly as”me” eecause he could not accept that Descartes says: “ I think , the I am no or I am “ then Essential of Non-Existence contradiction is unraveling the scientific evidence and humam understanding .

حقیقت علم بمعنی درک حقیقت

مطلب مهم اینست که حقیقت علم بمعنی درک حقیقی از معلومات است و هرگونه کاشفیت حسی براساس خطاهای حسی (Errors of Sense) نمی تواند درک حقیقی از موجودات باشد، وانگهی بسیاری از مراتب حواس، جزء پیش فرض های اعتباری قرار میگیرد مثل صفر مطلق (Absolute Zero) یا سرعت نور، درجه بندی های سرمایش و گرمایش و صدها مورد دیگر، از جنبه های قراردادی و اعتباری است، درمورد انسان این اعتباریات، ندارد، انسان وقتی گرسنه میشود، خیال نمیکند، حقیقتا گرسنه شده است، بنابراین نشان دهنده های حقیقی با نشان دهنده ها (Gauges) اعتباری، فرق دارند و برحسب اعتباریات طراحی و ساخته و تعبیه میشوند، لذا سیستم های ارتباطی براین اساس ساخته و پرداخته شده اند و دراین سیستم های مجازی (Virtual Systems)، هیچگاه نیات بد و یا خوب و یا اخلاقیات و سایر امور معنوی و بطورکلی حقایق وجودی انسان را نشان نمیدهند.

The important subject in this case that truth understanding of science is truth understanding of obvioues, and any discovering of basis on errors of sense cann, t is truth understanding of phenomenas; furthermore, many of much attention placed the default of validity asumptions like: absolute zero or speed of light, grading of cooling and heating and hunderds other likes those are from contracts, credits aspects, these validities don,t have the true role about human, for example, when one is hungry, he could not imagine but he is really hungry, therefore, true

gauges are differ by valid gauges and no build in terms of conventions,so, the comminication systems have built by according to this accordingly and in these virtual systems don,t show the facts of human existence like: bad and good intentions, inner moraly and other spiritual affairs .

داده کاویهای علمی (scientific data mining) با فرضیه های پوپرسم (Popporism) و براساس ادراکات حسی – ابطالی و در سیستم های با هوش مصنوعی (Artificial Intelligent) اطلاعاتی را تولید ومنتشر میکنند که نفع حقیقی انسان در آنها ملحوظ نشده است ، هنوز ما داری مفسر(Interpreter) میان رشته ای(Interdisciplinary eperts) برای تبلور حیثیت انسانی انسان در این سیستم های وارداتی نیستیم، برای اینکه علم به جنبه های حسی و تجربی و مفیدیت قرارگیرد،بایستی داده های علمی (scientific data) اعم از کیفی و کمی(qualitative amdquantitive) به داده های حقیقی تبدیل شود و مجموعه اینها به داده های پایه (database) تبدیل شده و انباره (warehouse) آن ایجاد شود ، ولی در حال حاضر این فرآیند بدون توجه به مفیدیت دانش و در راستای منافع حقیقی انسان انجام نمیشود ، هنوز مفسران این رشته نتوانسته اند شرایط دانش مفید و غیر مفید که برای انسان ضرورت تام دارد، بصورت داده های علمی ، با قابلیت کمیت پذیری در الگوریتم های مورد نظر خود ، بکار بگیرند و تمام پروسه ها بعدی براساس مشاهدات حسی و عینی افراد بوده که بمنزله علم نیست و اینکه داده های مفید از غیر مفید تفکیک میشود و بصورت خودکار (Automatic Data) آماده مراحل بعدی میگردد، یک سلطه غیر حقیقی بر انسان تحت سیطره این سیستم های حسی – ابطالی است ، در حالی که کلیه موجودات جهان در ارتباط با یکدیگر هستند و همه در یک جریان تکوینی سیر میکنند و این حقیقت از عهده مفسر سیستم های غیر حقیقی ساخته نیست [16] .

The scientific data mining by hypothesis of Popporism and artificial intelligent not included in them the right benefit of man, we haven,t interpreter basis on interdisciplinary eperts for crystallizing the respect of humanity of human ,it sould be change the sense data to true data and from unusefulness datd to usefulness data automatically , all creatures in the world in relation to one another and all existences in the course of a developmental process naturally and this truth is not made from the interpreter of untruth systems. [16]

از دیگاه قرآن مجید ، علم فاسد ، انسان را از خداوند متعال غافل کرده و فاسد میکند ، به نظر می رسد که علم به سبب آن که نقیض جهل و نادانی است، امری مثبت و ارزشی باشد؛ اما با نگاهی به تحلیل قرآن از دارندگان علم و دانشمند به این نتیجه می توان رسید که علم همان گونه که در دست اهل آن، آثار مفید شخصی و اجتماعی دارد و عامل اصلی معرفت به هستی و عمل به کارهای خیر است، اما در دست ناهلان می تواند، ابزار مخرب علیه جامعه انسانی بلکه همه موجودات زنده باشد ، حقیقت علم ودانش، کشف امر خارج از ذهن به واسطه صورت ذهنی است که از راه حس، عقل و تجربه حاصل میشود [17] البته در آموزه های قرآنی و علوم عرفانی از نوع دیگری علم سخن به میان آمده است که با علم به معنای

صورت ذهنی و مفاهیم عقلی تفاوت دارد. از این علم به علم شهودی و حضوری در مقابل علم حصولی یاد می کنند. به این معنا که برخی از دانش های انسانی، از راه صورت های ذهنی به دست نمی آید، بلکه از راه مکاشفه و بدون واسطه و با اشراق الهی برای برخی از نفوس حاصل می شود که از آن به علم لدنی نیز یاد می شود.

From the viewpoint of Holy Quran, science corrupt makes depraved human and has overlooked from Allah, because science is to cause unto the opposite of ignorance and foolishness, it is something positive and valuable but whit looking for to Holy Quran, There beneficial effects of personal and social are in their follows it, it is the dwstructive tools agianst of human society in the infidels, s hands [17].

هجمه های مادی گرایان این وجوه علم ودانش را از بین برده وبشر را از ضروریات قطعی محروم کرده اند، ،واقعاً چه باید کرد؟، کانت در کتاب خرد ناب، مکتب نقد (school of critism) را از آن جهت که به حد اعلی به نقادی و صرافای عقل و فهم انسان پرداخته و حدود عقل و حس را تعیین نموده و امور شناختی را از امور غیر قابل شناخت جدا ساخته، فلسفه انتقادی (Critism) می خوانند، اودر کتاب سنجش خرد ناب (measure of pure wisdom)، حدود عقل و حس را تعیین کرده وامور شناختی را از امور غیر قابل شناخت جدا ساخته است ودر فلسفه نقد خود بیان داشته است، وی راه حصول علم وحدود علم را مورد بررسی قرار داده وآنرا ازفلسفه اولی ویقینی میداند وجزء علم نمیداند، جزء فلسفه میداند، همین طور ریاضیات را یقینی دانسته ومنشاء آنرا فطرت میداند، در طبیعیات ورود کرده وعوارض ظواهر(Phenomena) را ازافعال حسی میشمارد (که همان عَرَض است)که مظهر عوارض وماهیات هستند، باین موضوع هم پافشاری میکند که اساس مواد ومعلومات مربوط به ذهن است وذهن از خود مایه به آنها میدهد وصورت بخشی میکند وچون زمان ومکان ذهنی هستند لذا هر صورت بندی ذهنی جزء ممکنات خواهد بود (البته در جهان نامتناهی غیر ازاین نبوده واین موضوع از حقایق عالم است - نویسنده).

The attacks of matralists have removed these means of knowledge and they have denied people from certain requirements, what to do really? Immanuel Kant has paid inthis matter as “school of criticism “so much to the utmost to criticism related about the limited of wisdom and sense and seperates cognitive affairs from uncognitive affairs, he has considered for obtaining the limited of sciences the first jurisprudence return it knows and certainly knowledge and does not know it science, but he knows it the philosophy, as well he knows truth mathematics and natural (no their data), he has belived that phenomena is sense activity (the same opposed).

کانت میگوید: ادراک ذوات (Nonmenon) همان مظهر عوارض چیزها هستند ، کانت ، عوارض و ظواهر بوسیله حواس ادراک میشود ، اما میدانیم که هر ظهوری ، ظهورکننده لازم دارد (علت ظهور) ، پس قطعاً ذاتی وجود دارد که این عوارض مظاهر آنها است" ، بطور کلی کانت ، خود بشر را در درک و فهم موضوعات ضعیف میداند نه حقایق را ، هانری برگسون (Henri Bergson) با اینکه مشرب جزمی (Dogmatism) دارد، کشف حقیقت را نه حس میداند و نه عقل ، بلکه میگوید ما آنرا از نیروی درون و شهود باطنی یا بصیرت (Insight) کسب میکنیم (خلاصه ای از صفحه 167 کتاب رئالیسم علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) به بعد جلد اول). علم انسان به وجود خودش ، علم النفس یعنی خودآگاهی (self-consciousness) است ، روح ذاتی است که در حرکت و تکامل جوهری ماده پیدا شده و دارای شخصیت جداگانه و مستقل است و تعلق ذاتی و ارتباطی با ماده دارد ، خودآگاهی همان علم حضوری است ، مادیون آنرا شعور به خود (self-consciousness) یاد میکنند، یعنی هر کس تعقلی از خود دارد و به وجود خویش مطلع است [18]

Kant says: Nonmenon is the same of embodies the things complications, but we know that every manifestation and emerging needs (the emergence), Henri Bergson has believed that discovering of truth is sense and mind but that is insight or self-consciousness[18] .

نکته پایانی

عشق و اشتیاق به فهم در قضایا و مسائل ، از آرزوهای اهل علم و معرفت است ، و آنکس که بیشتر میداند و بیشتر میفهمد (لزوم درک میان رشته ای از علم) ، سوالاتش هم بیشتر و دقیق تر است آن زمان که انسان درک صحیح و فلسفی از قضایا و اشیاء داشته باشد ، به لذت فلسفه و درک علمی مسائل نایل میشود (به کتاب لذات فلسفه ویل دورانت مراجعه شود)، نویسنده در این نوشته بدنبال آن نیست که فلسفه ای را تأیید و یا رد نماید ، این هنر فیلسوفان حقیقت طلب است ، لیکن در پی این موضوع است که اثبات کند ، انسان تا فهم صحیحی از پدیده های های پیش روی خود نداشته باشد ، از قافله تمدن واقعی و کاروان علم و سعادت عقب مانده است ، هر کس موظف است درک صحیحی از پیرامون خود، اشیاء و رویدادها داشته باشد که جاهلانه قضاوت نکند ، یاوه نگوید، خیال بافی نکند ، با منطق و عقل سخن بگوید ، درست تحقیق کند و ظرفیت و استعداد خود را در این مسیر متعالی بکار بگیرد ، این یک قدرت حقیقی است و خداوند هستی این قدرت مداخله را در کلیه افلاک به انسان داده است ، و منظور از آزادی ، یعنی قدرت مداخله در رد اباطیل و تصدیق حق و حقیقت بر مبنای علم و احکام عقلی و کسب رضایت خداوند متعال است ، این طی طریق یعنی سرآمد شدن و سرآمد بودن ، سرآمد زندگی کردن و احساس شدن مداوم بجای بودن خیالی در سرگرمی های زود گذرنیاست.

انسان باید محدودیت های حبس کننده خود را بشکند تا بتواند از تحدید حدود درک حسی – ابطالی به ادراکات روشن از حقایق جهان دست یابد ، وگرنه ملاحظه صدها آثار باستانی و جلوه های حقانی و زیبایی طبیعت ، او را بیدار نمی کند ، میلیون نفر افتادن سیب را از درختان دیدند ، ولی اسحاق نیوتن موحد

و عاشق خداوند متعال ، توفیق درک این فرود و فراز ها را پیدا کرد ، آنجا که درون پاک شما ، شما را به وجد میآورد و برای خدمت به بشریت و سعادت انسان قیام میکنید ، صدها کتاب فلسفی و علوم اعتباری ، این نقش سعادت بخشی را بازی نمی کند ، سرگذشت همه دانشمندان خدا شناس و خیر خواه انسانها چنین بوده است و هر کس که در این ماجرا دستی ندارد و در این دایره حضوری نیافته است ، فلسفه خود را از نفس اماره و فرمایشات ابلیس کسب میکند.

در علم شناختی ، در خودشناختی ، در هستی شناختی ، علاوه بر قوای حسی ، قوای فطری ، عقلی ، شهودی ، عرفانی و سیر باطنی وجود داشته ، که از استعداد های انسانی بوده و انسان برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی کمک میکند و بدینسان انسان به حصول تکثر در ادراکات میرسد که هم از راه حضوری است و هم از راه حصولی ، در این مورد به نظر مادیون ، دنیای ذهنی (Subjective) انعکاسی از دنیای عینی (Objective) است ولی عقل که ذهن را دربر گرفته و آن را یاری میدهد ، موجبات علم شهودی و حضوری میگردد و از راه الهامات و مکاشفات ، انسان را به درک حقیقی نائل میکند و این خمیرمایه ایده پردازان ، کاشفان ، مخترعان ، و تولید کنندگان اصلی ثروت یک کشور هستند که علل اشراقی دارد ، علم حضوری در حجاب و پشت پرده غیب نیست ، بلکه این " من " هستم که بخودم علم ندارم و در حجاب هستم و در سلول نادانی و غفلت بسر میبرم ، باید خود را از این حلقه اسارت سریع نجات داد ، چون ابرهای فرصت بسرعت میگذرند ، و چون آن اثر حضوری را از مشاهده نمی کنند ، لذا قطره اشکی بر ایمان نمی افشانند (در این مورد به شعر خوش نگار از نویسنده در سایت علم مفید مراجعه نمایید) مگر نگار ما از نگارخانه تاریخ ، گوشه چشمی بما داشته باشد که اینان بر سر وسینه میزنند ، مانند من و همراهان من ، تشنه نمانند ! که ما همه درگروی زمان و مکان نباشیم و بدانیم که در سرای حقیقت و در تمام زمانها و مکانها ، حق و باطل در مصاف یکدیگرند و من و شما انتخاب گر .

منابع این تحقیق:

1- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد اول ، صفحه 137

2- مدرک بالا صفحه 139

3- مدرک بالا صفحه 142

4- قرآن سوره مائده آیه (131) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ

1- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد دوم ، صفحات 13 الی 73

6- مدرک بالا ، صفحه 141

7- مدرک بالا ، صفحه 146

8- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد دوم ، صفحه 116

9-کتاب سنجش کرامت انسان ، تالیف نویسنده ، نشر اسرار دانش چاپ سال 1379 صفحات 11تا 16

10- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد اول ، صفحه 11

11- مدرک بالا ، صفحه 10

12- مدرک بالا، صفحه 63

13- مدرک بالا، صفحه 62

14- مدرک بالا، صفحه 63

15- مدرک بالا صفحات بعدی

16-تفسیرالمیزان، ج ۱ ، ص ۷۴ تا ۳۵

17-التفسیر الکبیر، فخر الرازی، ج ۲، ص ۱۸۴ تا ۱۹۱

18-علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد اول ، صفحه 79

Top 10 Differences between Truth and Reality (followed next down subject)

Jack Nargundkar in LinkedIn

Senior Marketing Executive/ProFinder Marketing Consultant

Top 10 Differences between Truth and Reality

May 28, 2015

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to twitter to highlight what I believed was a key distinction:

TMT: There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white.

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“Keeping it real,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they’d rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one.

There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It’s almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It’s why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light.

Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, “Top 10 Differences between Truth and Reality:”

1. Truth is absolute, Reality is cognitive.

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts. If we simply substitute “reality” for opinion and “truth” for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of

a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

2. Truth hurts Reality bites.

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company's ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company's revenue stream.

3. Truth is singular, Reality is manifold.

In our company example above, the reality of the lost order is perceived **differently** by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

4. Truth is objective, Reality is subjective.

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of the business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company's operations.

5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company's various functional groups begins to fade.

6. Truth emancipates, Reality constrains.

There isn't any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

7. Truth redeems, Reality informs.

The best that reality, viewed from anyone's perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

8. Truth comes from the heart; Reality follows from the head.

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that they can be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

10. Truth is always real; Reality is not always true.

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this quotation from The Bhagavad Gita: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed.

این بحث ریشه ای ناشی از استعارات اشخاص ، خیال بافی ، مجازی ، نسبی و اعتباری و بطور کلی به نحوی است که دانش بشری راه کذب (False) را طی میکند و نتیجه آن پاره شدن لایه ازون و تغییرات خطرناک محیط زیست ، هابیسیم ، اسراف ، باطل شدن مبانی اقتصاد کلاسیک و نئو کلاسیک ، خطاهای خطرناک اقتصاد کمونیستی و کاپیتالیستی ، فساد اخلاقی ، فقر 70 درصدی جهان حاضر ، ترافیک سنگین شهرها و صدها مصیبتی است که بنام علم و فناوری ، بسر مردم دنیا آمده است و این درحالی است که خود انسان ، موجودیت او ، خویشتن خویش ، شخصیت وجودی وی ، وجود داشتن وجود انسانی و نظایر اینها که

در ادبیات انسان شناسی جهان در هزاران کتاب مدون و منتشر شده است، این یک حقیقت آشکار است اما تعاریفی که فیلسوفان غربی از حقیقت و دانش مفید و فناوری برای رستگاری انسان ارائه داده اند، با خواستگاه انسانیت سازگاری نداشته و باید خط بطلان بر بسیاری از دست آورد های علمی غرب کشید.

This rooty discussion is metaphors of persons, daydreaming, and metaphorical thinking, relative and creditable of policy makers and generally, they are in a ways of false models and these results are breaking of ozone layer, Hobbism, dangerous invironmental changes, profusion, voiding of based on classic and new classic economies, dangerous errors economy of communists and capitalists, immorality, 70% poverty in this present time, the heavy traffic in cities and hundreds of disasters those have come to living of people and however, the man himself, his existence, his charactes, and so on has written in anthropology into thousands books, it is a reveal ruht, but definitions those who offered or salvation human from true and useful knowledge and technology in the west, is not ompatibility with origins of humanity and should be cross off many wesren scientific achievements.

پایداری حقیقت علم

Sustainability science fact

علم حقیقی است که در همه زمان ها و مکانها اثر مفید دارد و خواص مفیدیت آن بر حسب زمان و مکان تغییر نمی کند، نظیر قوانین طبیعی است که در همه زمان ها و مکان ها تغییر نمی کند و اگر انسان در مراحل دانشوری خود خواهانه خود، در این دست کاری نکند، همیشه اثرات نیکو و موثر خود را برای رستگاری بشر دارد، اینکه در نظر فیلیسین شارله (Felicien Challaye) " حقیقت عبارت از فکری که تمام اذهان در یک زمان در آن وفاق داشته باشند " تعریف نادرستی از حقیقت است [1] و همان شیوه حسی - ابطالی (Sense- Falsification) علوم غربی است که دیگر جایی برای مانورهای بهبود خرابی های جهان در آینده ندارد، همین خیال بافی را ویلیام جمیز (William James) به عبارتی دیگر دارد که میگوید: حقیقت عبارتست از فکری است که از فلسفه پراگماتیسم در عمل اثر بگذارد، یعنی فکری که با تجربه تائید شده باشد [2]، در مورد حقیقت، تعاریف زیادی گفته شده است، ولی در واقع نوعی سپر اندازی در مقابل ذات حقیقت است و این دال بر آن است که حق و حقیقت حامی حقوق همه جانبه انسان است و حق و حقیقت در سیستم های غربی کمتر ملاک عمل علمی و دانش و محوری است و نتیجه آن، همین برون داد های وحشتناک غرب برای تخریب انسان و محیط آنست.

Science is truht that it has beneficial effect in evey places and times and its utility properties does not change in terms of time and space, like nature laws those it does not change in terms of time and space too, if humans does not miss in the

early stages of their selfish around them , will its has good effects and effective for salvation of human like always, in view of Felicien challaye he said: “indeed, the truth is all minds have agreed at a time” is incorrect definition of truth[1] and that like “Sense- Falsification “ in the west that it has not any plase for exercises improve of world,s failures in future , in other word, William James has it's daydreaming that he said: “indeed, the truth is from thouth that it confirm by experince : it means : pragmatism [2] , concerning of truth many definitions have been told, but in deed , it is a shields up againt essence of truth and this reason is intended that right and truht is all human rights and right and truht,s criteria getting for actions so much fewer in wesren systems in knowledge,s activities and the result of manner is these such wesren terrible output for demoliting of man and environment .

فهم حقیقی بما کمک میکند که ما ادراکات خود را بدیهی ساخته وبر اساس فطرت ، واقع (Real) را درک کنیم ، دراین گونه ادراکات ، بی نیاز از استدالات بدیهیات ثانویه (Second Self-evident) نیستیم ، یعنی از طریق منطق و استدلال وقواعدی که بشر با توانش عقلی فراهم کرده است ما به بدیهیات اولیه (First Self-evident) دست میابیم ، ولی از این نظر که درک کنیم این بدیهی نما ، از حق و حقیقت ، صحیح و سقیم ، پایداری ، عدل وانصاف و آنچه را که ما در قواعد دانش مفید (usefulness knowledge) لازم داریم که باید مستلزم حقوق همگان باشد ، چقدر خطا وانحراف از معیار درستی دارد؟ و این موضوع از شمول کنکاشهای است که اندیشه فیلسوفانی نظیر هگل (Hegel) ، دکارت (Decart) ، کانت (Kant) و دیگران را مشغول کرده است ، واز آنجا که فیلسوفان غربی با نگاه مادی به این موضوعات اساسی پرداختند از خطا مصون نبودند و در این معرکه آرائی های فراوان ؛ نسخه های را دادند که بتوانند حقیقت شیئی را آشکار کنند ولی ما وقتی نتیجه این کنکاش های عقلی را در میدان عمل مشاهده میکنیم و وضعیت دنیا را در آشوب سردرگمی میبینیم ، درمیابیم که آنها چون یک طرفه و فقط بر مبنای اندیشیدن بدون اعتقاد به دریافت چیزها (things) ، فلسفیدند ، خود و تمام بشریت را در تله نابودی قرار دادند .

Our understanding help us those it we obviously made our understanding surely and on nature based, we understand “real” ,in such perceptions , we need not from “Second Self-evident “ namely through the logic of arguments,rules those has prepared by intellectual competence , we found to “ First Self-evident “ , but from this point of view to understand this facade obviously , how does have false and deviation of creteria from right and truth , correct and incorrect , stability, jutice and equity and what we have in the rules of “usefulness knowledge” that should be rights entails everyone and this subject is the inclusion searches thoughts of philosphers such as Hegel, Decart, Kant and others and since the western

philosophers have paid in these key issues by Looking at the material view , they were not immune from error, in these great votes are showing that they can dicoverd the truth object , but when we see their results in the arena,s action and situation of the world in confusion choas , we find that they thought one way only on the basis of material thinking and wihtout according to Receive of things and got in trap destruction embedall all human.

بدیهی است اگر چیزی میان دانشمندان مادی ،مورد بحث قرار بگیرد که ممکن است خود نسخه منطق شناسی حقیقت ، قبل از آنکه حقیقت شیئی را آشکار سازد،باشد ، و بدینسان خود در تله درست نمائی قرارمیگیرد ، که براساس اصول منطق دیالکتیک(Logic Essentials of Dialectic) ، بین امتناع منطق شناسی حقیقت و ذات حقیقت شیئی ، نمیتوانند بین این تضاد(oposites impossible between) آشتی و وحدت ایجاد کنند و پافشاری روی اصل وحدت ضدین (Unity of Opposites Essential) باینکه آنچه واقع شده است ، همان حقیقت است ، یک خیال باطل است و مردود میباشد [3] و هرگونه تناقض گوئی از سوی دانشمندان علوم انسانی که با سمت وسوی علوم فیزیکی انجام میگیرد ، خالی از اشکال نیست وحتی در فرآوری های محصولات از ایده تا محصول نهائی ، دست کاری های غیر حقیقی و ضد منافع انسان و محیط زیست و طبیعت زمین مدخلیت پیدا میکند که منافع ظالمانه سوداگران طمع کار و دنیا دوست را صیانت میکند ، پس بسیاری از علوم وبخصوص در علوم انسانی باطل هستند.

Obviously if something be settle issue among the material scientists so that is possible be the logic of truth befor reveal objective truth and thus placed it-self in trap likelihood, that based on “Logic Essentials of Dialectic “impossible between these two oposites create unity at all “Refusal between the logic of truth and true nature of the object” respects what is happened truth or other is a illusion and it is rejected [3]And any contradictions from way of scientists human dcienes that is done with direction physical sciences is not empty of difficult ,and even , affect effective finds and get untruth manipulation aroud envrinment , nature oh earht and anti-human interests and protecting of cruel interests of greedy and world like traders , then it is falsehood many of Sciences and particular in human sciences .

حقیقت ذاتاً امری ثابت و دائمی است

حقیقت مثل تولد و مرگ، حق حیات برای همگان و بدون توجه به نژاد و قبیلگی ، داشتن سهم لازم از منابع زمین ، حق شغل ، حق همسر و فرزند داری ، حقوق در قبال تکلیف و هزاران حقوق دیگر در زندگی بشر ، جریانی ثابت و دائمی و با زمان و مکان تغییر نمیکند وحق چیزی است که هرکس با فطرت خویش درستی ویا نادرستی آنرا درک میکند وبنابراین هر کس بخوبی میداند که " چه کاره است " اگر چه خود را در نزد دیگران به گونه ای دیگر توجیه کند و نقابی غیرخویشتن خویش بر صورت خود بزند، دروغ

همواره دروغ و راستی همواره راستی است و بطور کلی قوانینی در جهان حاکم است که انسان از طریق مذهب ، یافته های بر حق علم حضوری ، فطرت پاک و آلوده نشده ، و نظایر اینها ، این طبیعت پاک را درک کرده و درستی آنرا در قلب خود تصدیق میکند و وجدان او ، صدق این احکام را شهادت می دهد و این امور را نمی توان به عقل حسابگر و یا سلیقه های سوء گرانه و قدرت های ظالمانه واگذار کرد .

The truth that such birth and death, the right to life for all and regardless of race or tribe, the necessary share from earth,s resources , occupation,s rights, having rights of spouse and child , rights to the task and thousands other rights does not change with time and places and so, it is constant flow and continual current , the right is a thing that anyone understands rightly or wrongly of them with his mettle indeed , everyone knows who ” what is it –self” although he get Justify it-self among others , otherwise he set up on his face other mask on his face, Lie is always a lie, truth is always truth, and laws are governing in the world generally that human concedes it properly in his heart through religion, right,s findings basis on immediate knowledge , pure nature, and others , and his conscience testifies apply to these commandments and it cann,t leave to calculator mind or abuse critical tastes and cruelly powers.

پس حقایق ذاتا دائمی بوده و محکوم به زمان و مکان نمی باشد ، در این مورد مادی پرستان کوردل ، این جریانهای حقیقی را مردود میدانند و دلیلی هم برای این نفهمی خود ندارند و از طریق علوم فیزیکی ، مغالطه میکنند و دلیل ما اینست که اینها ابزارهایی است برای حق کشی ، خالی کردن جیب های مردم ، خلق مدل های دروغین و با محاسبات غیر حقیقی ریاضی نما ، برپا کردن دکان های کسب و کارهای بی اثر و با اثرات مضر برای ابنای بشر و نظایر اینها که وقتی پرده از این حقه بازی ها و شبیه سازی های تهی از حقیقت که در بازار تبلیغ میکنند ، برداشته شود ، این دکان های قلابی از طریق مردم کشف و برچیده شده و دروغ آنها فاش شده و به سوداگری آنها خاتمه داده میشود ، بنابراین خیل دزدان بازار سرخ خونین جهان، رسوای خاص عام و خاص میشوند ، دانشمند کشی ، خبره کشی ، جهاد گر کشی ، کاشف این حقایق کشی از زمره سیاست های خیل دزدان قطاع الطریق است ، کسانی اخلاق علمی میسازند (Scientific Etic) ، ادیان قلابی می سازند ، فرضیات تهی از حقیقت می سازند ، فلسفه می بافند، از جذابیت جنس زنان برای بازارگر می خود سوء استفاده جنسی میکنند ، فاحشه خانه و سرگرمی های هوس آلود بر پا می کنند ، شراب و مواد مخدر و صدها حیل دیگر بکار میگیرند که دنیا را بچاپند و بیکروز که سونامی حاصل از حق کشی ها تاروپود زندگی نکبت دار آنان را هدف قرار میگیرد ، با حقه بازی کسانی را متهم می کنند که حامی حقوق انسانها بوده اند .

So essentially permanent facts and it is not bound to time and place, in this case, inwardly worshiper’s material rejected truth, s currents and they have not any reason for their own fatuity and them sophisted the way of physical Sciences! And

our reasons in this matter are these tools for injustice, get empty for people, s pockets, creating of false models by untruth calculate as math façade, setup ineffective stores of businesses with harmful effects for human beings and so on that when the curtain of these trickeries and simulating of devoid of truth, these stores discovered by the the people and will end speculative activities so huge thieves red bloody world market became special and general are disgraced at last ,killing of scientists, killing of experts , killing of jihads , it is disciveing of Pirates of the red market , those who create scientific Etic or false religions , assumptions devoid of truth, weaving of philosophy , making brothel, bad using of women , cast hubbism , wine and drugs and used hundreds of other tricks for this is that rob the world and a day that tsunami of denial of rigths and embracing of the purpose of their life is misery objects , they accused those human rights are truly.

فهم نسبی چیست؟

منظور ما از فهم نسبی ، فهمی است که از حقایق احتمالی نشانت میگیرد که به حقایق نسبی معروف است ، حقیقت نسبی ، زمانی مطرح میشود که یک حقیقت مطلق از دایره مطلقیت عدول کرده وبا اینهمانی

(identity) خود به اشتراک مفاهیم ونسبی بودن ، سوق پیدا میکند ، خطای حواس هم مزید بر علت شده ونسبی بودن حقایق را باعث میشودواین موضوع از آنجا که حقایق در محاق اشیاء جستجو میشود(علوم فیزیکی) وذوات خاص وقوانین طبیعت را دایر مدار تغییرات اشیاء نمیداند ، درکی حاصل میشود که گویا این همان حقیقت است ، در سنجش خردناب(Measuring of pure wisdom) از ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) دراین مورد مطلق گرائی شده است ودرخالص سازی عقل گرائی وادارک صحیح از اشیاء (things) نکات ارزشمندی ابراز شده است ، حقیقت نسبی درعلوم ومباحث غربی همان امرمسلم (Fact) است که مراد از این واژه در فرهنگ لغات غربی به معنی امرمسلم ، امر محقق، حقیقت ، چگونگی امر، واقعه ، فعل ، مراتب ، کیفیت ، چگونگی آمده است که این مجموعه چند وجهی از یک واژه ، بمعنی رد حقیقت وعدول مسلم از حق وحقیقت است ، بدیهی است آنچه تاکنون واقع شده ، تمامی حقیقت نبوده ومتضمن ادای حقوق صاحب حق نبوده است واین گونه معنا شناسی وفهم از ذوات هستی ، همین مصائبی است که ما در جهان حاضر می بینیم وتا زمانی این فهم برای شرکت های دانش بنیان ، دانشمندان ، متخصصین ومدعیان داشتن علم وفناوری حاصل نشود ، باید شاهد تخریب بیشتر زمین وزندگی طبیعی انسان وسایر ذوی الحیات باشیم تا روزی که کره زمین از این همه ظلمی که به او وساکنین اش روا داشته شده است ، از دل پردرد وآتش گرفته خود منفجر شود وبه زندگی بشر امروز خاتمه دهد.

What is the relative sense?

Our aim of relative sense, it understands that conclude of probably truths those it is famous as” relative truths “not absolute true or imaging of self-identity (common understanding of several things), in this method, also, any hallucination caused to be relative truths, because seeking of truth, its discovery is into wane of the things like reaching of physics and falsifiability obvious, then it is impossible to know in this way the identities and nature of things, its changes, it became a sense on the supposition that is verily the same self-identity, in the measuring of pure wisdom from Immanuel Kant has absolutized it, but has declared in this book many valuable points for purging of rationalism, in western sciences the relative truths it means fact (truly absolute all), it is wrong, fact means several meanings like: certain, verified, truth, order, command, event, activity, case, circumstances, quality and position (refer to English dictionary), this polyhedral set from one word it means revelation of truth is, certainly, what accomplished acts up to now. it isn't right all of them and such semantics or such understanding of identities (itself) in the world, that was all tragical events we see them in this age and at the time that this understanding doesn't obtain for knowledge based companies, scientists, experts and professional men and pretenders of S&T, we should be witness destroying over the world and living of human more and more, until a day that earth's heart will explode of so much these injustices were cured on over the earth and put an end to life and keeping all dwelling a way.

فهم اعتباری چیست؟

اعتباریات در مقایسه با حقایق به امور حسی، لفظی، زبانی، زمانی، مکانی و بسیاری از شرایط مربوط میشود که بر حسب زمان و مکان و موقعیت ویژه اعتبار دارد و خارج از آن از اعتبار متعلقه سقوط میکند مثل قانون و مقررات یک کشور برای خود آن کشور اعتبار دارد و برای سایر کشورها بی اعتبار است مگر اینکه قانون حقیقی باشد، گاهی مفهوم فلسفی بخود گرفته و معرکه آراء مباحث فلسفی و فلسفیدن میگردد، گاهی انتزاعی است و از چیزی دیگر که معلوم بوده و دارای ماهیت است و ممکن است هنوز مورد صدق قرار گرفته یا نگرفته باشد، اخذ شده و دریافت شود، محقق نیک صفت بدنبال کشف حقیقت در این وادی پرپیچ و خم است و مایل است در این تقسیم بندی های منطقی، راهی به حقیقت واقعیت پیدا کند، در اینجا بحث "کنه" (it-self) پیش میآید، یعنی آیا این رویداد یا فرضیه و یا فرض "هرچه هست همان است" (Identity)، یعنی جوهر وجودی شئی (Substance) که جوهر وجودی شئی یا قضیه مورد است و اینک لباس عَرْضی خودش است که اینهمانی به تن کرده است و از عرصه ذهن به عرصه اعیان رخ نموده است، امری صادق (truth) است یا خطا (false) و اگر خطا باشد (داده های غلط)؛ چند صباحی بعد آشکار میگردد، اگر مثل برخی فرضیه هائی باشد که رد شده و آسیبی چندان ندارد ولی اگر

دارویی مضر برای جسم انسان ، یا حکم اخلاقی تباه کننده بشر و یا یک الگوی فناورانه ضد بشری باشد ، که در دنیای ما فراوان است ، یقه چه کسی را و یا چه فیلسوفی ، سیاست گذاری و متخصصی را باید گرفت و این یقه گیری (به فرض محال) چه کمکی برای رهائی میلیون ها انسان مبتلا به آن ، مثل جنگ افزارهای خطرناک بیولوژیک(مراجعه شود به تاسیسات بیولوژیک آمریکا برای کشتار جمعی در عراق و کشورهای دیگر با طرح فرضیه ایجاد امنیت جهانی و مقابله باتروریسم به دستور بوش) و هزاران سودا گری دیگر را چه کسی پاسخ میدهد و چگونه بندوباری حاصل از زن گزائی را باید حل کرد؟ و یا به داد و فریاد میلیون ها انسان آواره و تحت ستم از این محصولات اعتباری فرجام خواهی کند؟.

What credit understanding?

Credits compared with the truths are related to sense affairs, verbal, linguistic, Time, place and many of conditions those it have validity according to espertial times and places and it is falling of credits accrued such as laws and regulations a country those it has for it-self country only and it is not valid for others countries unless the law is true, sometimes it takes a philosophical concept and become great philosophical views or sometimes abstract and takes from the other thing that was clear , so, the good idea researcher for seeking of truth in this meandrous way and he wants to find a logical partitioning of details and breakdown solution ,here comes discussion about it-self namely whether the event ,hypothesis ,assumption ,” identity “ , substance or wear transverse , that is true or false (false data) , after a while becomes obvious that is a harm medicine for human,s body or moral judgment spoiler for mankind those are so much same harmful things in the world in this present time , who we take collar? Or what philosopher, policy maker, expert and so on? What help for release millions of people with these diseases? Like dangerous biologic weapons by order whit Bush in America biologic installations, who responds? Or doing of pleading or appealing to the Supreme Court for crying of millions of people displaced in the world?

سوالات فوق از لحاظ فلسفه انسانی بسیار حائز اهمیت است ، باید چارچوب های در مدیریت عمومی جهان درست شود که هر خطا کار در هر مقام و یا هر تخصص که بر خلاف حقیقت علم – انسان رفتار میکند مجازات شود و علاوه بر آن ، از قبل باید ، سیستم پیشگیری از هرگونه جرائم ابداع و ایجاد گردد و این سیستم ها به عنوان بازدارنده دعاوی در دادگاه ها شود ، این یکی از کمپین های احتجاجی دانش مفید است ، باید علم را از فرضیات تهی (Null hypothesis) نجات داد و دنیا را از سرگرمی های مسرفانه به اصطلاح علمی رهانید و هر کس که این خطاها را انجام میدهد ، رسوا ساخت ، و برای حرص و ولع دنیا پرستی طمعکاران مقررات بازدارنده تولید (Generalization) کرد، معلول را نباید بجای علت بکار برد ، بسیاری از بیماری های اجتماعی ، معلول علی هستند که با رفع آن علل ، بیماری بوجود نیاید و این

بمعنی عدول از جریان حقیقی و طبیعی و امور معنوی بوده که موجبات بیماری ها و ایجاد کسب و کارهای حریصانه را ایجاد کرده است ، بسیاری از ژن درمانی ها ، روش های شیمی درمانی ، پرتودرمانی ها ، جراحی ها ، و نظایر اینها ، خود عوامل مریضی و بیماری زا هستند ، فاصله های درآمدی ، و شکاف بین زندگی فقیرانه و زندگی شاهانه در قصر های زمینی و هوایی (به عکس زیر نگاه کنید) ، خود عامل ناامیدی اجتماعی ، درد ورنج های روانی ، چشم بهم چشمی و نهایتاً از بیماری های خانمان سوز است ، چپاول گری بانک ها ، بیمه گر ها ، و سازمان های مالی داخلی و خارجی ، علل نابودی کارخانجات و تاسیسات مردم بوده و موجب قتل و غارت و بی امنی جامعه شده است.

Above questions are very important with point of view of human, s philosophy, it should be create many frameworks general management those who be punished about contrary to the truth of science - man treats in any level or any specialty positions, and also, it must be invent any crime prevention system and these systems of claims in the courts as a deterrent crimes, this is one of argumentative campaign in usefulness knowledge in futre (refer to my article of “**Truth, validity and relative understanding and cancelized some sciences**”) , it should be save sciences from Null hypothesis and save the world of wasteful entertainment as term sceintificaly and must build scandalous anybody who does this crimes , and must generate restrictive regulations , the cause of the disabled should be used instead, many social diseases be caused of disabled causes disease is expressed with the elimination of the causes and it means that deviation of actual flow , natural and spiritual matters is, which causes the disease has been and create businesses greedy, his illness, disease-causing agents , like: many gene therapy, many chemotherapy, radiation , surgery and so on , revenue gap, the gap between life of poor people and rich those live in air and earth castles (see as follow image) it is managing your social despair, psychological pain suffering, snap-eye and ruinous of living finally and also, ravaging by banks, insurers and internal and external financial organisations those be causes destruction of manufacturing and facility people,s instalations , those it caused murder, loot and insecurity of community.

در مسئله اعتباریات ، اینکه کدام یک از مصدقات است و کدامیک از خطا و غلط ، مربوط میشود به ترکیب حق با باطل ، و اشکال اینجاست که آن قسم که حق است و در موقع انفصال خود که مستقل از باطل بوده است ، در ترکیب با باطل ، مفهوم حقیقی خود را از دست داده و ارزش و مفیدیت خود را در ترکیب با باطل ، معدوم میکند و این ترکیب از خاصیت حقیقی تهی میشود و منجر به حکمی میگردد که به عنوان مثال ، امروزه یک نهضت جهانی برای نجات بشر از عفريت سرطان براه افتاده است و به تدریج سمت

گیری علاقمندان به سرنوشت بشر بسوی راه حل های حقیقی ملاحظه میشود، چنانچه دکتر کارلو (Caro Lucas Ghukasian) میگوید "روزه ای که اسلام واجب کرده، بزرگترین ضامن سلامتی بدن است. مدرک "فیزیک-پزشک fa.wikipedia.org نه رژیم غذایی و این اختلاف ادراکی، اثر تصدیقی روزه رانیز به ابطال میکشاند، همانطور ادعیه های معروف و رایج در ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت که از خدداوند شفاء می طلبند، این گونه منشاء غیر حسی را افرادی مثل کارل پوپر (Raimund karl Popper) نمی فهمند ولی در قرآن کریم نمونه های تاریخ و عملی آن فراوان است (سوره قیامت آیات 11الی 13)، اینگونه جریان ها که تابع نظام علیّ و معلولی است، جزء جریان ها و قواعد حقیقی است که جهان غرب از آن محروم است [4] و هم از مصدقات عقلی است چنانکه جان لاک (John Locke) میگوید "چون تبدیل هائی همواره بر یک سان در احوال چیز ها مشاهده میکنیم و چیزهای دیگری را میبینیم که همواره آن تبدیل ها را میدهند، پس آن تبدیل را "معلول" و چیزهائی که باعث این تبدیل ها شده اند را " علت "مینامیم و از همین راه تصور آفرینش و زایش و ساخت و تغییر برای ما حاصل میشود [5].

In the validities, which is truth or false? It is concerned to combine of right with unright, and difficulty is here that part was right by combined with falsehood, it losts it-self truth, s concept and destroyed its value and usefulness ever and this combination from the true property is empty, and leads to a ruling that as like: it is necessary saving of people from cancer, s devil todays and is seen those who interested in the fate of mankind toward trucht solutions if Dr. Caro Lucas Ghukasian said:" Islam has fast , the largest is safe for mankind"(physic –physician , fa.wikipedia.org " no diet and this difference of perception leads to cancellation the effect of recognition of fast day, the roots of these non-sense concepts understood not by likeness raimund karl Popper, but there are a lot of historical and empirical symbols in Quran (surah: day of judgment, verses: 11 to 13), these currents that continued system is causal of " cause and effect" these are the flow of the trucht rules ever those it was denied the world of west[4] and a certified rational evidences, if John Locke said: "because we always see conversions the same in the circumstances things and we see other things those that give us as identity same them consistably , then that replacemeted thing is" effect " and things that caued for changing this replacement it named" Cause" and from this way we undrstand hmanage Creations , changing and buiding truly.[5]

اعتباریات و رابطه آن با ادراکات نسبی

این موضوع مربوط به عالم ذهن و ادراک مربوط میشود، همانطور که اعتباریات در مقابل حقایق است، ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی است [6] ادراکات حقیقی در واقع انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع در نفس الامر است، اما ادراکات اعتباری عبارتند از فرض های (Assumptions) که به

ذهن خطور میکند و جنبه های وضعی ، قراردادهای فرضی و اعتباری زمانی و مکانی دارد ، به عنوان مثال براهین فلسفی و یا یک اقدام و عمل طبیعی و ریاضی از ادراکات حقیقی هستند ، این ادراکات حقیقی دائمی و مطلق بوده و غیر قابل تغییر هستند ، ولی ادراکات اعتباری نسبی (به دو صورت اعتبار سنجی و درست سنجی توسط شرکت های دانش بیان و محققین خبره) ، گاهی موقت و غیر ضرور بوده و اعتبار آنها به قوانین و مقررات کشوری و قراردادهای موقت اجتماعی ؛ تئوری های انتخابی و بطور کلی از ادراکات حقیقی متمایز و منفک میشود ، اختلاط بین این دو ، شخص حقیقی یا حقوقی را به گمراهی و خیالات میکشاند ، مانند اینست که یک امر بدیهی را بخواهیم با تجربه و آزمایش تصدیق کنیم ، در واقع امر مطلق نظیر اعتقادات انسان به ماوراءالطبیعه را بخواهیم با هم مخلوط کنیم ، چنین امری محال است که بین ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری و نسبی اتفاق بیافتد [7] .

Validites and its relationship with relative understanding

This subject is related to mind and Perception, as validities are opposite rights then valid perception is opposite truth understanding [6] the truth understanding is mental reflect developments in The Truth According to it-self , but valid perceptions include assumptions those it influences to mind and it has aspects situations , hypothetical contract, related to defind time and difind place for example: Philosophical arguments or a natural action and mathematical doing are truth , but their data be false probably , because the truth understanding is absolute and continuesly and non-modifiable but relative recognition(Validation and Verification) occasionally mporary and obviate is , indeed, its credid depends to legal laws and instruments , MoU, many theorirs and be separate from truth concept , mixture between in two understandings be misted the person and such these tests aren,t them-selves[7] .

در حال حاضر هزاران محصول است که برای مردم مضر می باشد و هزاران قانون است که مایه بیچارگی مردم شده است که انسان بنا به تجربه و یا فطرت و قلب سلیم خود ، مضرات و یا بی خاصیت بودن آنها درک کرده است و نسبت به حکومت ، دانشگاه ، بازار ، سیستم های مالی و اعتباری و غیر اینها شک کرده و بی اعتماد گردیده است و این پدیده ها با روح کمال جوئی و زندگی جاودانه او مغایریت پیدا کرده است و زندگی آرام ، سربلند و طبیعی خود را نمی یابد و از همه بدتر ، با فطرت خویش حق کشی ها را درک میکند ، چشم بهم چشمی ها را میبیند ، فلان فامیل برای پُزدادن دختر و پسرش را با هر درآمد نادرست و پرداخت های گزاف به مدرک دکتری میرساند که افاده بفروشد ، مسابقه برای سود کردن بهر طریق است و نهایتاً تن دادن به آنچه همه انجام میدهند و همرنگ جماعت میشود که نه با عقل سلیم او سازگاری دارد و نه با قلب آشفته وی و نه با روح وارگانیزم بدن او میسازد ، اینها عامل بیماری ، قتل و غارت ، دزدی و چپاول گری و نهایتاً ایجاد کسب و کارهای کاذب و ازدحام در محاکم قضائی میشود .

At this present time, these thousands of products that harm humans, and thousands of laws that have caused the need for people, that humankind understands these harmful and not be efficacious by their experiences, nature and health-heart and they don't become confidence to government universities, market, financial and critical systems and so on, and these phenomena have conflicted with his perfection-seeking spirit and eternal life and he does not find his peaceful life, honored and natural living, all worse, he understood injustice to right naturally, snap eye-cups, showing off, the race for profits by any way and going with the stream finally and not compatible with its health-mind, not with its heart and not its body-organism, these are disease factors, Murder and crime, theft and plundering and ultimately creating businesses false and congestion at courts.

اگر قبل از هر آزمایشی، طرحی یا اقدامی، این رابطه متقابل بررسی شود و عوامل حیات بخش طبیعی آن درک گردد و به اصل ضرورت (Principal of Necessity) وقوف حاصل گردد، قطعاً عوامل حقیقی حیات مختل نمی‌گردد، یعنی احتیاجاتی که ناشی از احکام حقیقی است، جایگزین احکامی می‌شود که خواسته‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و روابط سوداگرانه موجود را رفع یا تعدیل خواهد کرد و بازار میدان تاخت و تاز این سوداگری‌های غیر طبیعی کنار گذاشته و بالطبع از ازدحام در بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها و نظایر اینها کاسته خواهد شد [8]، این موضوع مهم به معنی عدم اصل انطباق حقیقی با احتیاجات واقعی (Essential of Conformity Between Truth and Reality needs) معروف است یک رشته تحصیلی لازم از دانش مفید در این مورد باید در دانشگاه‌ها آغاز شود و رشته‌های تحصیلی دیگری که در آینده از این نویسنده اعلام خواهد شد، از این روی، حیات از دیدگاه قرآن مجید، برحسب بیولوژی نص (Biology of text) احکامی را اعلام می‌کند که شرح و بسط آن باعث تطویل این نوشته خواهد شد در این مورد لئون برانس چویگ (Léon Brunschvicg) می‌گوید "حقیقت اینست که علم انسان باید رابطه و اثر متقابل با عقل و حس پیدا کند و اگر این رابطه و اثر متقابل فقد شود، عوامل حیات مختل می‌گردد، برای اینکه مبداء هویت، اصل ضرورت حمل شئی بر نفس (یعنی هر چیز، خودش است) را رهبری می‌کند و این نمی‌تواند در تضاد دیگر، نافی نفع بشریت باشد" [8]، بنابراین ما به همکاری عقل و حس نیاز داریم، عقلی که بدور از سُکریات و با مبناهای خودش کار می‌کند و این دو معنا با هم توافق ذاتی دارند (كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ)، یعنی هر چه بر اساس عقل صحیح است در حس هم صحیح است و هر معقولات یقینی که از مبناهای عقلی صادر می‌شود، قابل صدور احکام برای اجرا است، برای اینکه عقل، نص، حب النفس و قوانین طبیعی از پایه‌های اولیه زندگی بشر می‌باشند [9].

If before any test and any plan or action, this interaction is checked and it be understood those natural part of life and information be achieved about principal of necessity it does not disturb the true agents of life absolutely, namely, what needs that caused from right commandments will replaced instead greed of bad

existing commercial relationships in markets or will get adjusted ever and will decrease overcrowding in hospitals, courts and such these, this important subject it means” Essential of conformity between truth and reality needs “] 8 [، that is a scientific famous term, and it necessary establish a education course in universities in future , thus, life according to the holy Quran,s view and biology of its texts are many right commandments , in this case Léon Brunschvicg said:” the truth is that knowledge of human should be to find effect relationship between reason and sense , if this relationship and their interaction be annihilated so, critical factors of life hampered , because identity Source is the necessity of carrying the objective in itself and if this leadership be missed ,therefore , it is negating the benefit of humanity “[9].

مبانی حق و باطل

امور دنیا به دوبرخش حق و باطل تقسیم شده است، انسان فی نفسه به ذوات وجود بر حق ، فطرتاً فهم داشته و اعتقاد دارد و از آن به عنوان یک وجد نیکو یاد میکنند و اینکه کدام را حق میدانند و کدام را باطل ، مربوط به ادراکات او از نقطه نظر شعور باطن میشود ، در براهین آیات و حیانی بسیار ملاحظه میشود که آدمی در این مورد ، خود آگاه است و به اصطلاح هرکس میدانند ، چکاره است ، کلیه خوبی ها و بدی ها ، خیر و نیکی ها ، اعمال پاک و ناپاک ، نیات مخلصانه و یا غیر اخلاص و... همه را میدانند و در نزد خویشتن خویش به گناهان و یا ثواب ها بطور وجدانی اعتراف دارد و شما ابزاری برای تمیز این اراده ها ندارید، پس انسان در نزد خودش دنبال مغلطه و سفسطه نیست، ولی همین انسان در تعامل و تقابل با دیگران و بر حسب حق خواهی ، به توجیه گری و لفاظی [10] میپردازد و این شیوه فقط ، شیوه عوام نیست ، در فلاسفه و محیط های متصّف به علوم غیر حقیقی فراوان است که میتوان تحت القائنات سوفسطائیان یا شکاکان ، اثبات گرایان ، مادیدگران و نظایر اینها به وفور و حجم های فراوان ملاحظه کرد [11] ، کلیه دانشمندان غیر مادی نظیر افلاطون ، ارسطو ، دکارت ، کانت و نظایر اینان که ایده آلیست هستند به اصالت تصویر به عنوان اصالت واقع اعتقاد دارند [12] ، ولی در جبهه باطل ، پروتاگوراس (Protagoras) است او میگوید " انسان مقیاس همه چیز است، مقیاس هستی آنچه هست و چگونه است، مقیاس نیستی آنچه نیستی است « گرگیاس (Gorgias) از شکاکان و قدمای یونان و برکلی (Berkli) و شوپنهاور (Schopenhauer) [1] از متأخرین اروپا ، جهان خارج از ظرف ذهن را منکر شدند ، لیکن رئالیست ها (Realists) که از کلمه واقعی (Real) مشتق شده است و به آنان واقعیون هم اطلاق میشود ، به اصالت واقعیت خارجی (Genuineness of External Reality) که معلوم فطری (Natural Known) در انسان است معترف هستند [13] ، و نویسنده بدنبال آنست که نهضت حقیقت فهمی و حقیقت یابی (Truth understanding and seeking of thruth) در اروپا بر پا کند، چراکه فیلسوفانی در اروپا بودند و هستند ، مثل دکارت که معلومات را هم فطری میدانند و هم ناشی از عقل.

Principles of the Right and false

Affairs of the world are divided into two right and false, human can understand in itself naturally and knows it a goodness ecstasy and in this way, which is right and false? Related to feeling of it-sole is, these are many truths in divine verses that is every body knows himself, it means, “everybody knows is what it?” he knows goodness and badness, welfare, benefit, charity, pure action or not, lie or right, sincere intentions or not, treachery or trusty and so on, in the it- self acknowledges into its doing (sin or good deed) in all conscience and you have not any tool for discovering of human's inner by physical reasoning then every person doesn't follow misleading question or fallacy with them, but this man gives pay to gray's justification and using of mere words and bombastic social interactives]10[, also this method is no way of commons, but these methods are so much in philosophers and in academic spaces like: sophism or doubters, positivists, materialism and like these] 11 [and all immaterial scientists like: Plato, Aristotle, Descartes, Hume, Kant and so on, they believe to the originality of thought] 12 [but on the false side Protagoras said; “human is any measure in everything, scale being what it is and how is, what is not is not scale!?” many philosophers within minds denied like: Gorgias, Berkeley, Schopenhauer and other like these in the latter Europe, but Realists acknowledge to Genuineness of External Reality that is natural known] 13 [and this writer put on the Truth understanding and seeking of truth in Europe, Why so these were philosophers in Europe and now like: René Descartes who that knows things known are nature and both of wisdom too.

اصحاب حسیون (Empiricists) که منشاء علوم را حس و تجربه میدانند، نظیر جان لاک (John Lack) انگلیسی، در عین حال خطاهای حسی را با دلیل ثابت کرده است و بر کلی، وجود حقیقی رادری کرده و وجود نفس را تصدیق نموده و در تشکیل صور محسوسات در شخص ادراک کننده تردیدی ندارد] 14 [، موضوعی که انسان را در حقیقت یابی و تمیز حق و باطل یاری میکند، اراده (Will or Determination) است، همانطور که حقیقت جهان بر حسب اراده شکل گرفته است و انسان همانطور که اشاره رفت، به حقیقت خود که اراده بی واسطه است، پی میبرد و این اراده در ذات خود یک حقیقت مطلق، مستقل با لذات و خارج از حدود مکان و زمان است و تمام حقایق جهان، درجات و مراتب آن با اراده عمل میکند و امری یله ورها شده نیست] 15 [، از دیگر مطالب حق و باطل، وجود و درک تناقض هاست، قبول اصل عدم تناقض (Essential of Non-Existence Contradiction) است که از سوی برخی دانشمندان، بمنزله رمز گشائی، از اسرار حق و باطل مییاشد چنانچه بازی زبان (Language Game) از ویتگنشتاین (Wittgenstein) گشودن رمز دیگری در لفاظی عده ای

مادیگران است ، اینکه عده ای بگویند ، حقیقت است وعده ای دیگر بگویند حقیقت نیست ، یک تناقض آشکار است ، دکارت برای رهائی از تناقض و قبول "اصل عدم تناقض " از عبارت " من فکر میکنم ، پس هستم" (I think, then I am) استفاده کرد که البته جمله نادرست و "من هستم ، اولی بر تفکر است و فکر کردن متفرع از اصالت انسان ، یعنی "من" است ، چون دکارت نمی توانست قبول کند که " بگوید فکر میکنم ، ونیستم " یا " هستم درعین حال نیستم" پس " اصل عدم تناقض " گره گشای مصادیق علمی و ادراکات بشری است.

Empiricists those who know root if sciences the sense and expeice, like: John Lack(English) has proven to be a reason of sensory errors and Berkli there is a true appreciation and acknowledges the existence of the soul and he hasn,t doubt [14] [the subject that is guide fro human , indeed , it is “will or determination” as will orgenized the world according to truth and this determination term is truly in this creation no doubt and it is the commandment not bent and not be released [15]and other subject about these matters there is a paradox and understanding and accept “Essential of Non-Existence Contradiction” that through of many scientists , as decryption is a method to discovering of secrets the right and false if Language Game from Wittgenstein it is discovery of secrets in some of the rhetoric materialism, Decart cartes for the liberation essential of non-existence contradiction said: “I think, then I am” the first was the basis on thought and second was basis on originality of human namly as”me” eecause he could not accept that Descartes says: “ I think , the I am no or I am “ then Essential of Non-Existence contradiction is unraveling the scientific evidence and humam understanding .

حقیقت علم بمعنی درک حقیقت

مطلب مهم اینست که حقیقت علم بمعنی درک حقیقی از معلومات است و هرگونه کاشفیت حسی براساس خطاهای حسی (Errors of Sense) نمی تواند درک حقیقی از موجودات باشد ، وانگهی بسیاری از مراتب حواس ، جزء پیش فرض های اعتباری قرار میگیرد مثل صفر مطلق (Absolute Zero) یا سرعت نور ، درجه بندی های سرمایه و گرمایش و صدها مورد دیگر ، از جنبه های قراردادی و اعتباری است ، درمورد انسان این اعتباریات ، ندارد ، انسان وقتی گرسنه میشود ، خیال نمیکند ، حقیقتا گرسنه شده است ، بنابراین نشان دهنده های حقیقی با نشان دهنده ها (Gauges) اعتباری ، فرق دارند و برحسب اعتباریات طراحی و ساخته و تعبیه نمیشوند ، لذا سیستم های ارتباطی براین اساس ساخته و پرداخته شده اند و دراین سیستم های مجازی (Virtual Systems) ، هیچگاه نیات بد و یا خوب و یا اخلاقیات و سایر امور معنوی و بطور کلی حقایق وجودی انسان را نشان نمیدهند.

The important subject in this case that truth understanding of science is truth understanding of obviouses, and any discovering of basis on errors of sense cann, t is truth understanding of phenomenas; furthermore, many of much attention placed the default of validity asumptions like: absolute zero or speed of light, grading of cooling and heating and hunderds other likes those are from contracts, credits aspects , these validities don,t have the true role about human , for example , when one is hungry, he could not imagine but he is really hungry, therefore , true gauges are differ by valid gauges and no build in terms of conventions,so, the comminication systems have built by according to this accordingly and in these virtual systems don,t show the facts of human existence like: bad and good intentions, inner moraly and other spiritual affairs .

داده کاویهای علمی (scientific data mining) با فرضیه های پوپریسم (Popporism) و براساس ادراکات حسی – ابطالی و در سیستم های با هوش مصنوعی (Artificial Intelligent) اطلاعاتی را تولید ومنتشر میکنند که نفع حقیقی انسان در آنها ملحوظ نشده است ، هنوز ما داری مفسر(Interpreter) میان رشته ای(Interdisciplinary epersts) برای تبلور حیثیت انسانی انسان در این سیستم های وارداتی نیستیم، برای اینکه علم به جنبه های حسی و تجربی و مفیدیت قرارگیرد،بایستی داده های علمی (scientific data) اعم از کیفی و کمی(qualitative amdquantitive) به داده های حقیقی تبدیل شود و مجموعه اینها به داده های پایه (database) تبدیل شده وانبار (warehouse) آن ایجاد شود ، ولی در حال حاضر این فرآیند بدون توجه به مفیدیت دانش و در راستای منافع حقیقی انسان انجام نمیشود ، هنوز مفسران این رشته نتوانسته اند شرایط دانش مفید و غیر مفید که برای انسان ضرورت تام دارد، بصورت داده های علمی ، با قابلیت کمیت پذیری در الگوریتم های مورد نظر خود ، بکار بگیرند و تمام پروسه ها بعدی براساس مشاهدات حسی و عینی افراد بوده که بمنزله علم نیست و اینکه داده های مفید از غیر مفید تفکیک میشود و بصورت خودکار (Automatic Data) آماده مراحل بعدی میگردد، یک سلطه غیر حقیقی بر انسان تحت سیطره این سیستم های حسی – ابطالی است ، در حالی که کلیه موجودات جهان در ارتباط با یکدیگر هستند و همه در یک جریان تکوینی سیر میکنند و این حقیقت از عهده مفسر سیستم های غیر حقیقی ساخته نیست [16] .

The scientific data mining by hypothesis of Popporism and artificial intelligent not included in them the right benefit of man, we haven,t interpreter basis on interdisciplinary epersts for crystallizing the respect of humanity of human ,it sould be change the sense data to true data and from unusefulness datd to usefulness data automatically , all creatures in the world in relation to one another and all existences in the course of a developmental process naturally and this truth is not made from the interpreter of untruth systems. [16]

از دیدگاه قرآن مجید، علم فاسد، انسان را از خداوند متعال غافل کرده و فاسد میکند، به نظر می رسد که علم به سبب آن که نقیض جهل و نادانی است، امری مثبت و ارزشی باشد؛ اما با نگاهی به تحلیل قرآن از دارندگان علم و دانشمند به این نتیجه می توان رسید که علم همان گونه که در دست اهل آن، آثار مفید شخصی و اجتماعی دارد و عامل اصلی معرفت به هستی و عمل به کارهای خیر است، اما در دست ناهلان می تواند، ابزار مخرب علیه جامعه انسانی بلکه همه موجودات زنده باشد، حقیقت علم و دانش، کشف امر خارج از ذهن به واسطه صورت ذهنی است که از راه حس، عقل و تجربه حاصل میشود [17] البته در آموزه های قرآنی و علوم عرفانی از نوع دیگری علم سخن به میان آمده است که با علم به معنای صورت ذهنی و مفاهیم عقلی تفاوت دارد. از این علم به علم شهودی و حضوری در مقابل علم حصولی یاد می کنند. به این معنا که برخی از دانش های انسانی، از راه صورت های ذهنی به دست نمی آید، بلکه از راه مکاشفه و بدون واسطه و با اشراق الهی برای برخی از نفوس حاصل می شود که از آن به علم لدنی نیز یاد می شود.

From the viewpoint of Holy Quran, science corrupt makes depraved human and has overlooked from Allah, because science is to cause unto the opposite of ignorance and foolishness, it is something positive and valuable but whit looking for to Holy Quran, There beneficial effects of personal and social are in their followes it, it is the dwstructive tools agianst of human society in the infidels, s hands [17].

هجمه های مادی گرایان این وجوه علم و دانش را از بین برده و بشر را از ضروریات قطعی محروم کرده اند، و واقعاً چه باید کرد؟، کانت در کتاب خرد ناب، مکتب نقد (school of critism) را از آن جهت که به حد اعلی به نقادی و صرافای عقل و فهم انسان پرداخته و حدود عقل و حس را تعیین نموده و امور شناختی را از امور غیر قابل شناخت جدا ساخته، فلسفه انتقادی (Critism) می خوانند، اودر کتاب سنجش خرد ناب (measure of pure wisdom)، حدود عقل و حس را تعیین کرده و امور شناختی را از امور غیر قابل شناخت جدا ساخته است ودر فلسفه نقد خود بیان داشته است، وی راه حصول علم و حدود علم را مورد بررسی قرار داده و آنرا از فلسفه اولی و یقینی میداند و جزء علم نمیداند، جزء فلسفه میداند، همین طور ریاضیات را یقینی دانسته و منشاء آنرا فطرت میداند، در طبیعیات ورود کرده و عوارض ظواهر (Phenomena) را از افعال حسی میشمارد (که همان عَرَض است) که مظهر عوارض و ماهیات هستند، باین موضوع هم پافشاری میکند که اساس مواد و معلومات مربوط به ذهن است و ذهن از خود مایه به آنها میدهد و صورت بخشی میکند و چون زمان و مکان ذهنی هستند لذا هر صورت بندی ذهنی جزء ممکنات خواهد بود (البته در جهان نامتناهی غیر از این نبوده و این موضوع از حقایق عالم است - نویسنده).

The attacks of materialists have removed these means of knowledge and they have denied people from certain requirements, what to do really? Immanuel Kant has paid in this matter as “school of criticism” so much to the utmost to criticism

related about the limited of wisdom and sense and separates cognitive affairs from uncognitive affairs, he has considered for obtaining the limited of sciences the first jurisprudence return it knows and certainly knowledge and does not know it science, but he knows it the philosophy, as well he knows truth mathematics and natural (no their data) , he has belived that phenomena is sense activity (the same opposed).

کانت میگوید: ادراک ذوات (Nonmenon) همان مظهر عوارض چیزها هستند ، کانت ، عوارض وظواهر بوسیله حواس ادراک میشود ، اما میدانیم که هر ظهوری ، ظهورکننده لازم دارد (علت ظهور) ، پس قطعاً ذواتی وجود دارد که این عوارض مظاهر آنها است" ، بطور کلی کانت ، خود بشر را در درک و فهم موضوعات ضعیف میداند نه حقایق را ، هانری برگسون (Henri Bergson) با اینکه مشرب جزمی (Dogmatism) دارد، کشف حقیقت را نه حس میداند و نه عقل ، بلکه میگوید ما آنرا از نیروی درون و شهود باطنی یا بصیرت (Insight) کسب میکنیم (خلاصه ای از صفحه 167 کتاب رئالیسم علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) به بعد جلد اول). علم انسان به وجود خودش ، علم النفس یعنی خودآگاهی (self-consciousness) است ، روح ذاتی است که در حرکت و تکامل جوهری ماده پیدا شده و دارای شخصیت جداگانه و مستقل است و تعلق ذاتی و ارتباطی با ماده دارد ، خودآگاهی همان علم حضوری است ، مادیون آنرا شعور به خود (self-consciousness) یاد میکنند، یعنی هر کس تعقلی از خود دارد و به وجود خویش مطلع است [18]

Kant says: Nonmenon is the same of embodies the things complications, but we know that every manifestation and emerging needs (the emergence), Henri Bergson has belived that discovering of truth is sense and mind but that is insight or self-consciousness[18] .

نکته پایانی

عشق و اشتیاق به فهم در قضایا و مسائل ، از آرزوهای اهل علم و معرفت است ، و آنکس که بیشتر میداند و بیشتر میفهمد (لزوم درک میان رشته ای از علم) ، سوالاتش هم بیشتر و دقیق تر است آن زمان که انسان درک صحیح و فلسفی از قضایا و اشیاء داشته باشد ، به لذت فلسفه و درک علمی مسائل نایل میشود (به کتاب لذات فلسفه ویل دورانت مراجعه شود)، نویسنده در این نوشته بدنبال آن نیست که فلسفه ای را تأیید و یا رد نماید ، این هنر فیلسوفان حقیقت طلب است ، لیکن در پی این موضوع است که اثبات کند ، انسان تا فهم صحیحی از پدیده های های پیش روی خود نداشته باشد ، از قافله تمدن واقعی و کاروان علم و سعادت عقب مانده است ، هر کس موظف است درک صحیحی از پیرامون خود، اشیاء و رویدادها داشته باشد که جاهلانه قضاوت نکند ، یاوه نگوید، خیال بافی نکند ، با منطق و عقل سخن بگوید ، درست تحقیق کند و ظرفیت و استعداد خود را در این مسیر متعالی بکار بگیرد ، این یک قدرت حقیقی است و خداوند هستی این قدرت مداخله را در کلیه افلاک به انسان داده است ، و منظور از آزادی ، یعنی قدرت مداخله در رد اباطیل

و تصدیق حق و حقیقت بر مبنای علم و احکام عقلی و کسب رضایت خداوند متعال است ، این طی طریق یعنی سرآمد شدن و سرآمد بودن ، سرآمد زندگی کردن و احساس شدن مداوم بجای بودن خیالی در سرگرمی های زود گذر دنیا است.

انسان باید محدودیت های حبس کننده خود را بشکند تا بتواند از تحدید حدود درک حسی - ابطالی به ادراکات روشن از حقایق جهان دست یابد ، وگرنه ملاحظه صدها آثار باستانی و جلوه های حَقّانی و زیبایی طبیعت ، او را بیدار نمی کند ، میلیون نفر افتادن سیب را از درختان دیدند ، ولی اسحاق نیوتن موحد و عاشق خداوند متعال ، توفیق درک این فرود و فراز ها را پیدا کرد ، آنجا که درون پاک شما ، شما را به وجد میآورد و برای خدمت به بشریت و سعادت انسان قیام میکنید ، صدها کتاب فلسفی و علوم اعتباری ، این نقش سعادت بخشی را بازی نمی کند ، سرگذشت همه دانشمندان خدا شناس و خیر خواه انسانها چنین بوده است و هر کس که در این ماجرا دستی ندارد و در این دایره حضوری نیافته است ، فلسفه خود را از نفس اماره و فرمایشات ابلیس کسب میکند.

در علم شناختی ، در خودشناختی ، در هستی شناختی ، علاوه بر قوای حسی ، قوای فطری ، عقلی ، شهودی ، عرفانی و سیر باطنی وجود داشته ، که از استعداد های انسانی بوده و انسان برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی کمک میکند و بدینسان انسان به حصول تکثر در ادراکات میرسد که هم از راه حضوری است و هم از راه حصولی ، در این مورد به نظر مادیون ، دنیای ذهنی (Subjective) انعکاسی از دنیای عینی (Objective) است ولی عقل که ذهن را دربر گرفته و آن را یاری میدهد ، موجبات علم شهودی و حضوری میگردد و از راه الهامات و مکاشفات ، انسان را به درک حقیقی نائل میکند و این خمیرمایه ایده پردازان ، کاشفان ، مخترعان ، و تولید کنندگان اصلی ثروت یک کشور هستند که علل اشراقی دارد ، علم حضوری در حجاب و پشت پرده غیب نیست ، بلکه این " من " هستم که بخودم علم ندارم و در حجاب هستم و در سلول نادانی و غفلت بسر میبرم ، باید خود را از این حلقه اسارت سریع نجات داد ، چون ابرهای فرصت بسرعت میگذرند ، و چون آن اثر حضوری را از مشاهده نمی کنند ، لذا قطره اشکی بر ایمان نمی افشانند (در این مورد به شعر خوش نگار از نویسنده در سایت علم مفید مراجعه نمائید) مگر نگار ما از نگارخانه تاریخ ، گوشه چشمی بما داشته باشد که اینان بر سر وسینه میزنند ، مانند من و همراهان من ، تشنه نمائند ! که ما همه درگروی زمان و مکان نباشیم و بدانیم که در سرای حقیقت و در تمام زمانها و مکانها ، حق و باطل در مصاف یکدیگرند و من و شما انتخاب گر.

منابع این تحقیق:

1- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد اول ، صفحه 137

2- مدرک بالا صفحه 139

3- مدرک بالا صفحه 142

4- قرآن سوره مائده آیه (131) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ

1- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد دوم ، صفحات 13 الی 73

6- مدرک بالا، صفحه 141

7- مدرک بالا، صفحه 146

8- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد دوم ، صفحه 116

9- کتاب سنجش کرامت انسان ، تألیف نویسنده ، نشر اسرار دانش چاپ سال 1379 صفحات 11 تا 16

10- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد اول ، صفحه 11

11- مدرک بالا ، صفحه 10

12- مدرک بالا، صفحه 63

13- مدرک بالا، صفحه 62

14- مدرک بالا، صفحه 63

15- مدرک بالا صفحات بعدی

16- تفسیر المیزان، ج ۱ ، ص ۷۴ تا ۳۵

17- التفسیر الکبیر، فخر الرازی، ج ۲، ص ۱۸۴ تا ۱۹۱

18- علامه طباطبائی ، فلسفه رئالیسم ، (با پاورقی شهید مطهری) ، جلد اول ، صفحه 79

Top 10 Differences between Truth and Reality (followed next down subject)

Jack Nargundkar in LinkedIn

Senior Marketing Executive/ProFinder Marketing Consultant

Top 10 Differences between Truth and Reality

May 28, 2015

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to twitter to highlight what I believed was a key distinction:

TMT: There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white.

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“Keeping it real,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they’d rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one.

There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It’s almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It’s why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light.

Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, “Top 10 Differences between Truth and Reality:”

1. Truth is absolute, Reality is cognitive.

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts. If we simply substitute “reality” for opinion and “truth” for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

2. Truth hurts Reality bites.

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company’s ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company’s revenue stream.

3. Truth is singular, Reality is manifold.

In our company example above, the reality of the lost order is perceived differently by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

4. Truth is objective, Reality is subjective.

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of the business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company’s operations.

5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company’s various functional groups begins to fade.

6. Truth emancipates, Reality constrains.

There isn't any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

7. Truth redeems, Reality informs.

The best that reality, viewed from anyone's perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

8. Truth comes from the heart; Reality follows from the head.

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that they can be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

10. Truth is always real; Reality is not always true.

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this

quotation from The Bhagavad Gita: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed.

(What are you laughing so!?!) به چی میخندی پس!؟

(None of the present world, are you acquainted it?) هیچ با دنیای حاضر آشنا هستی؟

(Did you hear news?) آیا خبر ها را میشنوی؟

(What has happened?) چه اتفاقی افتاده است؟

(Much of people talk together) خیلی ها با هم حرف می زنند

(Many are silent) خیلی ها ساکت هستند

(Some cry) بعضی ها گریه می کنند

(Some laugh) عده ای می خندند

(Some follow the news conscious) بعضی های هوشیارانه خبر ها را دنبال می کنند

(some sleep) بعضی ها خواب هستند

(some awake ever) بعضی همیشه بیدار هستند

(The world is killing over) سراسر دنیا کشت و کشتار است

(you get instead are?) جای تو امن است؟

(Do not be so sure) زیاد مطمئن نباش

perhaps this tomorrow , Beside you a bomb) شاید همین فردا ، کنارت یک بمب منفجر شود (explode

(What are you laughing so?!) به چی میخندی پس!؟

(The great news is on the way) خبر بزرگ در راه است

(People ask each other) مردم از همدیگر سوال میکنند

(There are differences Challenge so much) چالش و اختلاف زیاد شده

(some also fell of fried and enemy) دوست و دشمن به جان هم افتادند

این زمین برای چی است؟ (Why is the earth ?)

وظیفه تو در روی زمین چیست؟ (What is your mission on earth)

آیا همه خواهیم مُرد؟ (shall we die all ?)

پس چرا از رفتن خود بی خبر هستیم؟ (So. Why are unaware of their loss ?)

به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?!)

چه کسانی پیروز هستند؟ (some victor)

چه کسانی باختند؟ (some lost)

اندیشمندان در چه فکری هستند (what do think wises)

این آشوب با آشوب های دیگر تاریخ فرق میکند (this chaos is differs by another chaos in)

(history

همه جا تظاهرات است (every where the protests)

نفرین می کنند (curse they)

مردم خدا را می خوانند (people call Allah)

عده ای با شیطان می رقصند (some dance whit Satan)

آنهایی که باشیطان میرقصند هر روز آدم می کشند (those whoever dance whit Satan kill)

(people every day

به چی می خندی پس؟! (What are you laughing so?!)

روز در حال غروب است (the day become to sunset)

مردم سوی خانه اشان میروند (the people go through their home)

بعضی ها خانه ندارند (some no have home)

عده ای غذا ندارند (some no have food)

بعضی ها پابرهنه هستند (Some are barefoot)

بعضی های کفش 100 هزار دلاری می پوشند (some wear shoes as 100 housed \$)

به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?!)

شب فرا رسیده است (Night has come)

بعضی ها میترسند (some be afraid)

بعضی های می رقصند (some dance)

عده ای شراب می خورند (Some drink wine)

عده ای نمی توانند بخوابند و فکر میکنند (some cannot sleep and is thinking)

هر کسی از این وضع سردر نمیآورد (Each one of these conditions not Help)

به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?!)

ولی خبر های درست است (but the news is correct)

خبر بزرگ چیست؟! (What great news ?)

تو از خبر بزرگ چه میدانی؟! (What do you know? of great news?)

به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?!)

هنگام جدایی فرا رسیده است. هر کس به راه خود می رود، ما می میرم و شما زنده می مانید. تنها خدا می داند کدام بهتر است؟

The hour of departure has arrived, and we go our ways I to die and you to live.
Which is the better, only God knows?

Mahmoud saneipour

6/26/2017

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

انسان در جستجوی مطلوبیت مطلوب خود (272): مطلوبیت شخصی ، یا سعادت همه مردم دنیا (مطلوبیت عام)

Personal utility or happiness of all people of the world (Public utility): human is seeking its desired utility (272)

مطلوبیت امری است نسبی و بخش حق و حقیقت آن پنهان است و به همان نسبت که حق و حقیقت بر مردم آشکار میشود ، منافع مطلوبیت عام بر مطلوبیت فردی آشکار میگردد.

It is desirable relatively and Part of its right and truth is hidden and to the extent that truth and right appears for people, Public utility interests over individual utility is revealing.

صفر مطلوبیت بر اساس حق و حقیقت چگونه تعیین میشود؟ ، آیا رابطه ای است بین صفر مطلوبیت در این مقاله و صفر مجموعه ها در مقاله 271 در ارتباط با یکدیگر؟

Zero utility is based on truth and right how determined? Is the relationship between the zero utility in this article and zero sets in the article 271 in relation to each other?

ماهیت مطلوبیت با قواعد دانش مفید مشخص میشود.

The nature of utility (desirability) characterized by useful knowledge.

شعر : از محمود صانعی پور

آنچه مطلوب دل ما بود، در این دیر نبود
مطلوبیت نبود هیچ ، جزء گفت و شنود
آدمی بهر لذت ایام ، رنج بسیار کشید!
لیک درین دفتر گیتی، برگ سبزی نفزود

Poem from: Mahmoud Saneipour

What our heart desired, this was not in the world

There was no utility, part of the dialogue

However one fun time, very long suffering!

But in the universe's book, not more any green leaf

مطلوبیتی که غرب انشاء کرده است ، چیست؟

اولین تعریف مطلوبیت (Utility) که از ناحیه اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک غرب به خورد مردم داده شده است ، از جری بنتام (Jerry Bentham) آغاز شد ، وی سعی کرد مطلوبیت را با اصول اخلاقیات

در آمیزد و به قانونی برای محاسبات در علم اقتصاد فراهم آورد ، از این رو طبیعت انسان را بین لذت ورنج (suffering&Pleasure) به تعریف کشاند (رنجی که او از آن یاد کرد فرق های اساسی دارد با اصول رنج و تلاش بودائی وسیعی قرآنی که در مقاله 270(جدول بزرگ) آورده ام) ، که حداکثر یکی از این دو ، به حداقل شدن دومی منجر میشود (که درنصایح پاراتو این چنین می گوید: منافع خود را آنقدر حداکثر کنید که به منافع دیگری لطمه وارد نشود- در مقالات این مولف با توضیحات لازم آمده است) و روش هایی را برای اندازه گیری لذت ورنج ابداع کرد که نقد آنرا در این مقاله ملاحظه خواهید کرد.

The West has utility essay, what?

The first definition of “utility” that has been to suck in people from the classic economic and new economic West’s zone, has begun from Jerry Bentham, he tried to mix the utility whit principals of ethics and provides into a law for calculating in economics, hence he led human nature to the definition of between of Pleasure and suffering (he spoke about of a suffering, it is basic differences by Buddhism and meaning of “trying “ in Quran – in big table),that Maximizing one of two these terms , leads to a minimizing the latter(that it says that the Parato,s advices : “so up to your interests thatnot to hurt other interests”- in my articles come with necessary explanations), he developed methods for measuring the joy and that suffering, you will read its critics in this article.

اصولاً واژگان کلیدی که متکی بر شخصیت ذاتی و طبیعت رفتاری انسان است ، در غرب کم پیدا میشود ، در واقع می توان گفت که واضعان علوم انسانی غرب ، در تشخیص و انتخاب مداخل ، مفردات ، زمینه و متون ادبیات علوم انسانی (که تاثیر فراوانی به علم و فناوری گذاشته است و باعث تخریب محیط زیست شده است -مولف) ، یک عقب افتادگی در فهم "حق و حقیقت " دارند، آنقدر که به خوردن و نوشیدن ، آمیزش های جنسی ، هابیسیم و نظایر اینها اهمیت میدهند به آموزه های حق و حقیقت و فاکتور و ضرایب آن در علوم انسانی توجه نکرده اند و مشکلات فراوانی که امروزه غرب را با بدهی های سنگین ، به آنها گرفتار شده است ، دقیقاً ناشی از تفکر مادیگرانه غربی بوده که متاسفانه بدلیل جاذبه های شکم پرستی و لذایذ حسی و جسمی به سراسر کره زمین نیز سرایت کرده است، و در کل جهان تعمیم یافته است و هزینه های اجتماعی (social costs) غرب را که اسراف ، زیاده خواهی ، و حرص برای دنیا پرستی است را خیلی افزایش داده است که نجات از این تله، بیک تدبیر نجات بخش جهانی ، نیاز دارد.

In principle of “key words” those rely the inherent character on humam,s nature and its behaviours, in the West at least found , in fact, we can say that stators of western’s human sciences, for identifications of selection simple substances and entrances , the contexts and texts related to lectures of humanity’s sciences, are arrears in understanding a "right and truth" (that has a great impact on science and

technology and environmental damage- author), as much as to eating and drinking , sexual intercourse, hobbism and attach important such these , have not given to current of right and truth and factors and their coalitions in humanity's sciences and west has caught to big problems and heavy debts ,was thinking of materialism exactly , unfortunately, because of gluttony and physical joying sense has spread around the over the world and the whole world is extended and social costs increased in lavishment , avarice and greed for worldliness that rescue of the trapped, by a saving measure global needs.

من برای تعیین مطلوبیت عام (برای اینکه مطلوبیت را نمی توان تحدید حدود نمود-مolf)از قواعد دانش مفید نظیر " تکلیف- حقوق "، " حقوق متقابل "، " تفسیر داده های حقیقی "، " قانون علیت تراکمی "قاعده ارزش افزوده "، "جری- انطباق " امور تکوینی علم و تکالیف واجب دانشمندان"، " زنجیره تقوا"، " وجود سیستم های اجتماعی "،"لاضرر ولاضرار"، " حیات طیبه "، " علم پایدار از حق و حقیقت "و نظایر اینها استفاده کرده ام(مجموعه این قواعد از منابع مختلف علوم انسانی و فیزیکی در جدول بزرگ ویا جدول مادر گردآمده است) ، ولی با اینکه مطلوبیت دامنه ای به مقیاس علوم انسانی دارد ، نمیدانم چرا توسط افرادی نظیر آدام اسمیت (Adam Smith)و پیرریکاردو (pear Ricardo) و کارل مارکس (Karl Marx) و عده زیادی تحدید حدود شده است ,معمولاً تساهل و تسامح غرب در علوم انسانی به قدری زیاد است که انسان کاملاً آزاد است و می تواند هر رفتاری را انجام دهد مثلاً آدام اسمیت وقتی می خواهد از مزیت صحبت کند واژه مزیت مطلق (absolute advantage) بکار میبرد و باین نحو بسیاری از واژگان کاربردی اقتصاد ی در مخیله آنان شکل گرفته و واقعیتی در خارج ذهن ندارد، مگر آنکه منافع طبقه خاصی را دنبال کنند، بنابراین عمده اشخاصی که از چند گرایش جانب دارانه پیروی میکنند در غرب زیاد هستند و چون از اقیانوس علوم انسانی حقیقی بهره نبردند، مطالب ذهنی خود را بجای علوم انسانی تلقی می کنند.

I set a public utility (the utility cannot be used for delimitation-author) to use of useful knowledge rules like: "duty-rights " , "Mutual rights " , "interpreter of true data " , "accumulating – causity law " , "value added " , "current-conformity " , " genesis affairs of obligatory assignments scientists " , "Virtue chain " , "Existence of social systems " , "lack of self-harm and other-harm " , "Good deed life " , " Sustainable Science of right and truth " and like these (the set of these rules from several resources are in big table or mother table), but while it is utility range to scale of humanity sciences, I do not know why by people like Adam Smith, pear Ricardo , Karl Marx and many have been delimited, negligence and easy-going of West is so high usually that in human sciences That man is completely free and can do every behaviours , for example: when Adam Smith talks to will take

advantage, he used this term as absolute advantage! And thus he/they imagined formed many of economics terms and no reality outside the mind, unless the interests of a particular class follow, so of those who follows a few trends biased there are many in the West and because they did not benefit from ocean of true humanity sciences, their mental content consider instead human sciences.

نظرات افراد فوق که مشاهیر علم اقتصاد هستند (و هنوز جزء دروس دانشگاهی است-مؤلف) مورد انتقاد قرار گرفت نظیر استانیلی جونز (Stanley Jones) اعتقاد داشت ، که ارزش های تماماً بستگی به مطلوبیت ندارد (البته درک اودر حد " تحدید حدود "مطلوبیت بود- مؤلف) وادعا کرد که علم اقتصاد باید بر مبنای مطلوبیت ریخته شود(درعین حال که تناقض گفته است ولی در نتیجه گیری نهائی درست است- مؤلف) که امری نسبی و تابع شرایط گوناگون است (از نظر این مؤلف ، نظریه اخیر وبه اضافه با رعایت قواعد دانش مفید ، نظریه کاملی خواهد بود که علم اقتصاد باید از آن تولید شود)، بطور کلی در اقتصاد کلاسیک ، کلمه مطلوبیت به خصایص کالا "Product spec" منحصر میشود وانسان به منزله یک موجود مصرف کننده کالا " consumer of goods " است و لذا مطلوبیت رابطه ای پیدا میکند با تقاضای تحت سیطره واحد های تولیدی و قدرت های صنعتی جهان که شما خواننده محترم ، حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

The above comments are individuals that famous (and those are prats of academic lessons yet-author) credited by many scientists like Stanley Jones that he believed that all values not depends on the utility (of course he understood the "delimitation" had utilities- author) and he claimed that economics should be based on desirability (however, that contradiction has said but the final conclusions field is correct – author) that Inter dependent relative is and variety of conditions (according to this author ,the recent theory and rules of useful knowledge , a complete theory would be economics should be produced), generally, in classical economics , the word of “utilities “is limited to “Product spec” and man as a creature "consumer of goods" and the utility finds link by industrial productions those it prevalence over on market demands and industrial powers of the world that you reader, read detailed narration from this summary.

ننو کلاسیک ها بر این باور بودند که مطلوبیت یک اندیشه مطلق نیست(البته نسبی بودن آن بر اساس حق و حقیقی است که حدود و ثغور آنرا در شرایط مختلف تعیین میکند – مؤلف) بلکه رابطه ای است بین انسان و اشیاء(رجوع شود رابطه مجازی بین انسان و اشیاء- از مؤلف) و منظور از اشیاء در نگاه این اقتصاددان ها ، بیشتر به اشیاء فیزیکی وصلب معطوف است و این درحالی است که خود لذت ویا رنج و تبعات آن از جنس روان (psycho) است و این موضوع در نگاه ارزشی (value) ریکاردو به موضوع مطلوبیت ، تمایل زیادی به عوامل و ضرایب نفوذ ، لذت بردن و برخورداری از مادیات میباشد که نیکولا

ماکیاولی (Niccolo Machiavelli) این شیوه را در حد کشتن انسان و نابودی رقیب برای رسیدن به کام بردن انسان دستور داده است (به نوشته های من در این مورد به جدول بزرگ مراجعه شود- مولف).

Neo-classicalists would believe that utilities are not an absolute thought (the relativity of it is based on truth and right those determine the limited about it in different situations-author) but the relationship between man and things (refer to Virtual relationship between man and things from this author) and the objects look economies, focused more on physical objects and while your pleasure or pain is mental psycho and look at this matter in value of Ricardo to the issue of utility, many factors influence the tendency coefficients, enjoy the material things and the opportunity is that Niccolo Machiavelli has ordered this way, in the killing of man and destructing of competitors for reaching of any enjoy palates(refer to my many writtens about this matter in big table).

معادله نئوکلاسیک ها برای دومصرف کننده x و y عبارت است از مقایسه دو مجموعه از کالاها، سرگرمی ها، اشتغال، برخورداری های مادی، مطلوبیت یکی بر دیگری مرجح تشخیص داده میشود، بنابراین ماکول میشود به اندازه گیری اشیاء مادی مورد نظر مصرف کننده (بدون توجه به ارزش های معنوی انسان به موضوع زندگی) مثل اندازه گیری یوتیل (utils Measured or utility analysis) که از فرآورده های فکری واضعان اگزیستانسیالیسم (Existentialism) بوده و مدرنیسم (Modernism) ولذت یابی ماکیاولی (getting Machiavelli pleasure) و مطلوبیت های کاردینالی (Cardinal utilities) و آرینالی (Arynaly) و قدرت ترجیحات (Power of preferences) و نظایر اینها (که بیک عبارت؛ نسخه نابودی غرب را نوشتند) و مردم بیگناه را با دست خودشان به ورطه هلاکت بردند که تاب رنج بردن ندارند و دائم در حال رقص و هیپی گری و هابسیم بوده؛ اگر جنگی در بگیرد کسی تاب جنگ آوری، شهادت طلبی، گرسنگی و تشنگی ندارد و مردمی که غایت آنها خندیدن و رفاه مستمر است، یک دقیقه برق ساختمانشان که میرود؛ دنیا در پیش چشمشان تیره و تار میشود، اینست رمز بدهی کشورهای غربی که ملت هایشان باید هرچه از طلا و نقره در خانه هایشان جمع کرده اند، بابت این بدهی هنگفت بدهند، آمریکا با 20 تریلیون و 600 میلیارد دلار بدهی در راس کشورهای غربی بوده که معادل 29 در صد بدهی کل جهان است.

Would neo-classical equation for 2 consumers of x and y is comparing the two sets of goods, entertainment, occupation, materials enjoying, utility preferred one over the other is diagnosed, so is postponed to measure consumer material objects (without pay attention to spiritual values into true living- author) like (utils Measured or utility analysis, according Existentialism, Modernism, Cardinal utilities, Arynaly, Power of preferences and so on (in other words, they wrote destroy prescription for the West) and they took innocent people with their own

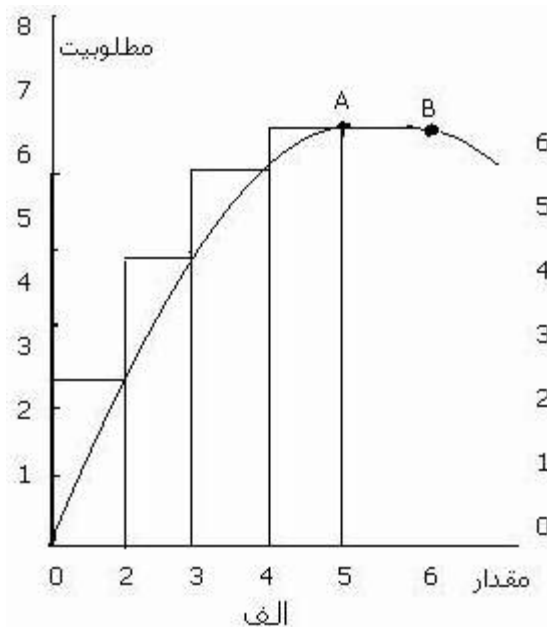
hands into destruction those who Endure suffering, do not, And continually are into hobbism , dancing and Hippie ,if a war takes one swing warfare, Martyrdom, No hunger and thirst and People who are extremely laughing and continuous prosperity, one minute power structure that is dark eyes will be adopted world, it is mystery of debt to Western countries that their people have in their homes have more than golds and silvers, must to give for their huge debt, America has a debt of \$ 20 trillion and 600 billion have been at the head of Western countries that is 29% debt of the world.

https://fa.wikipedia.org/wiki/فهرست_کشورها_بر_پایه_بدهی_خارجی

www.eghtesadonline.com/.../242063-بدهکارترین-کشورهای-ج

مطلوبیت صفر چیست؟

مطلوبیت نهایی (marginal utility) اصطلاحی در علم اقتصاد سرمایه داری است که به تغییرات مطلوبیت کل (total utility)، حاصل از بدست آوردن مصرف یک یا چند واحد بیشتر از کالا یا خدمات اشاره دارد، مطلوبیت حاشیه‌ای، شیب منحنی مطلوبیت کل است، تا زمانی که مطلوبیت حاشیه‌ای مثبت باشد، مطلوبیت کل با ادامه مصرف افزایش می‌یابد، اما در صورت منفی شدن مطلوبیت حاشیه‌ای، مطلوبیت کل هم کم می‌شود، در جایی که مطلوبیت کل بیشترین مقدار خود را دارد، مطلوبیت حاشیه‌ای صفر است، به تصویر زیر نگاه کنید:



مطلوبیت شکمی غرب در نقطه A به حد کمال میرسد و سپس با استفاده مکرر کاهش می یابد تا به صفر برسد (بدیهی است که قاعده افراط و تفریط در هر چیزی باعث معضلاتی می شود در صفحات بعدی نتیجه افراط و تفریط و بخصوص در مصرف مواد مضر و حرام و یا اعمال جنسی نمونه هائی آمده است) و هر مصرف اضافه از کالای X مطلوبیت را منفی میکند و مطلوبیت نقطه B کمتر از مطلوبیت نقطه A است (که نوه های ما هم میفهمند و این همه دکتر و پروفیسور لازم ندارد) ، موضوع تغذیه در رابطه با اندازه گیری مطلوبیت بیک ادبیات مسخره (Literature ridiculous) در اقتصاد غرب تبدیل شده است و برای کسی که به این اباطیل توجه میکند ، باید بداند ، جای مصرف مشروبات الکلی ، افیون ها ، روان گردان ها ، کوکائین ، وده ها مواد نشئه کننده و لذت بخش در گراف های مطلوبیت کجاست ، از خوردن و پس دادن آنها و صدهای بیماری ، فساد و جنایات اجتماعی از این خورد و خواب ها و جرائم ناشی از هرچه خوری (the dining) است ، بگذریم ، به سراغ موارد غیر شکمی (unabdomenly) می پردازیم ، مثل مسائل جنسی ، هم جنس بازی ها ، سادیسم (Sadism) خطرناک در جنایات جنسی ، بیماری وحشتناک و مُسری نظیر سیفلیس (syphilis) ، ایدز (AIDS) و غیر اینها که مُرده این افراد مرتکب کننده ، حتی برای خانواده های آنان مایه تنفر ورنج آور است، در آدرس زیر نام ده نفر از افراد مشهور تاریخ معاصر آمده که بر اثر زیاده روی با زنان (frequent womanizer) نوشیدن مشروبات الکلی و دائم الخمر مثل عرق سگی ([drink absinthe](#)) به انواع مرض ها به خصوص سیفلیس (syphilis) دچار شدند، سیفلیس یک بیماری کثیف و خطرناک و مُسری است که جسد مرده را می سوزاند و یا در قبری خاص و با مواد ضد انتشار آلودگی زخم های آنها ، دفن میکنند

What is the utility of zero?

Marginal utility is term economics of capitalism, which refers to total utility change, marginal utility, is total utility curve's slope, as long as the marginal utility is positive, total utility consumption continues to rise, but if negative marginal utility, total utility is low, where the desirability of its maximum value, Marginal utility is zero(see above curve).

West abdominal utility is at the point A to the fullest extent and then frequent use is reduced to zero (that our grandchilds understand it and so many doctors and professors do not need), the subject of nourish is measured in relation to utility changed to a Literature ridiculous in west's economy and for someone who looks this twiddles must be know, where are the place of alcohols drinking, opiates, psychotics crime materials, cocaine and tens of material suppliers of spaced –out into utility's curve, let's move on!, We came to the unabdomenly, like longstanding sexual relationship, homosexuality, the crime of sadism, ravishment , terrible disease, such as syphilis AIDS and so on ,those who dead and guilty of people even hatred and painful for their families , at the following address name ten

famous people in contemporary history come those who has been on [frequent womanizer](#) and [drinking absinthe](#) have involver whit several diseases especially with syphilis , Syphilis is a disease of dirty and dangerous and contagiously that dead body burns or they bury in specific grave.

افراد مشهوری که بر اثر افراط در شهوت رانی و اعمال حرام به مرض سیفلیس دچار شدند:

1. آلفرد هیتلر
2. کریستوفر کلومباس
3. بیتهون
4. آبراهام لینکولن
5. جان ویلکس بوث
6. شارلز هشتم
7. ایوان (همراه با عکس)
8. شکستپیر
9. وین سنت وان جوگ
10. اسکار والد

Celebrities who indulge in the lust of unlawful acts were sick with syphilis:

1. Adolf Hitler May Have Ruled Germany While Suffering From Syphilis
2. Christopher Columbus Introduced Syphilis To Europe
3. Beethoven Wrote His Compositions While Suffering From Syphilis
4. Abraham Lincoln May Have Had Syphilis While President
5. John Wilkes Booth May Have Been Suffering From Syphilis During The Assassination
6. Charles VIII Caught Syphilis And Started An Epidemic
7. Ivan The Terrible's Infamous Reign May Have Been Caused By Syphilis



.8Shakespeare May Have Quit Writing Due To Syphilis

.9Vincent Van Gogh's (Possibly) Syphilitic Inspirations

in the 1880s, van Gogh left his childhood home and went to the city of Antwerp in Belgium where he engaged in a libertine lifestyle. There, he started to **drink absinthe** and regularly hired prostitutes. Although he left Antwerp in 1886 to live with his brother in Paris, van Gogh would have a lasting reminder of his time in Belgium: syphilis

10. Oscar Wilde Died Insane With Syphilis

<https://firsttoknow.com/historical-figures-who-had-syphilis/>

در غرب ، برحسب مرام جنایت کارانه ماکیاوولی (Machiavelli) ، اساس لذت است که از طریق غرب ، روشنفکران غرب زده (کتاب غرب زدگی از مرحوم آل احمد) در سراسر جهان در لابلای دروس دانشگاهی ، مراسم ها و هر گونه هرزگی سرایت کرده است ، و مطلوبیت براساس لذت بردن اندازه گیری می شود ، خوردن مثل نیم کیلو فلفل قرمز ، یک کیلو روغن حیوانی منجمد ، ده پرس غذا یا 10 هات داگ (hot dog) یعنی سگ داغ، وده ها مورد که در مسابقات و سرگرمی های کاملاً احمقانه رایج است ، به موارد بسیار زشت و شنیع تعمیم یافته که برای غرب شرم آور است .

In the west, in terms of Machiavelli's criminal intent, the pleasure that the West is basely and Intellectual Westernized (from Jalal Al-e Ahmad) in all universities over the world, ceremonies and any obscenity spread, eating of like half a kilo of red pepper, a kilo of frozen animal fats, ten or 10 hot dog food Press, those it currents in entertainment and competitions full foolishly and obscenest generalized to a very ugly that's a shame for the West.

چه کشورهایی داری گروه ها و سازمان های هم جنس باز هستند ؟

هم جنس بازی یکی از نتایج بد فهمی غرب از مطلوبیت است که متأسفانه به شرق هم سرایت کرده است
همجنس گرایی یکی از گرایش های جنسی است که ویژگی آن تمایل زیبایی شناختی، عشق رمانتیک، و تمایل جنسی فردی است که تنها متوجه جنس همگون با خود او است. همجنس گرایی همراه با دو گرایش دیگر جنس گرایی و دوجنس گرایی، سه گرایش اصلی جنسی را تشکیل می دهند. به فردی که به جنس دیگر گرایش داشته باشد «دوجنس گرا» و به افرادی که هم به جنس دیگر و هم به افراد همجنس با خود تمایل دارند، «دوجنس گرا» می گویند .

رفتار همجنس گرایی به برقراری رابطه جنسی با فردی همجنس اطلاق می شود. همجنس گرا به افرادی گفته می شود که ترجیح می دهند مدتی طولانی به فعالیت جنسی با افراد همجنس خود بپردازند. در سال های اخیر، برای توصیف سبک زندگی همجنس گرایی از اصطلاح «همجنس خواه» استفاده شده است، زیرا باور بر این است که این اصطلاح نسبت به اصطلاح همجنس گرا بار منفی کمتری دارد. افراد زن و مردی

که می‌خواهند جهت‌گیری جنسی همجنس‌گرایانه خود را به‌طور علنی ابراز کنند معمولاً از اصطلاح همجنس‌خواه استفاده می‌کنند امروزه برای اشاره به افراد همجنس‌گرای مرد از گی که از واژه انگلیسی (Gay) آمده‌است و برای همجنس‌گرایان زن معمولاً واژه لزبین یا لِز که از واژه انگلیسی (Lesbian) آمده‌است استفاده می‌شود. در زبان فارسی در گذشته به همجنس‌گرایان زن، «طَبَق‌زن» گفته می‌شده که به عمل طَبَق‌زنی اشاره شده است ، این اصطلاح امروزه در زبان فارسی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انجمن روان‌شناسی آمریکا معتقد است که براساس اتفاق نظر علوم رفتارشناسی و جامعه‌شناسی و متخصصان سلامت و سلامت روانی همجنس‌گرایی فی‌نفسه نمونه‌ای معمولی و رد نکردنی از اختلاف در گرایش‌های جنسی انسان است (<https://fa.wikipedia.org/wiki/همجنس‌گرایی>)

مرکز همجنس‌گرایان دنیا کجاست؟

باشگاه خبرنگاران جوان: زن‌ها در سرزمین‌های اشغالی به ابزاری پرسود برای تجارت و صنعت گردشگری رژیم صهیونیستی تبدیل شده‌اند به همین واسطه شهرک صهیونیستی "تل‌آویو"، این روزها به دلیل اشاعه فساد و فحشا در این منطقه به "مرکز همجنس‌گرایان جهان" تبدیل شده است.

لیست کشورهای با قانون ازدواج همجنس‌گرایان

در زیر آمار کشورهایایی که این کار مضمّنز کننده و غیرانسانی تصویب شده آمده است:

بلژیک برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی

کاستاریکا قانونی

السالوادور قانونی

گواتمالا قانونی

هندوراس قانونی

نیکاراگوئه قانونی

پاناما قانونی

بلژیک قانونی

فرانسه قانونی

لوکزامبورگ قانونی

موناکو قانونی

هلند قانونی

آلبانی قانونی

ارمنستان قانونی

جمهوری آذربایجان قانونی

بلاروس قانونی

بوسنی و هرزگوین قانونی

بلغارستان قانونی

گرجستان ... قانونی
مقدونیه ... قانونی
مولداوی ... قانونی
مونتگرو ... قانونی
روسیه قانونی (البته اخیر فکر کنم غیر قانونی شده)
اوکراین قانونی
آندورا قانونی
قبرس ... قانونی
یونان قانونی
ایتالیا قانونی
مالتا قانونی
پرتغال قانونی
سن مارینو قانونی
اسپانیا قانونی
واتیکان قانونی
ماداگاسکار قانونی
کنیا برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
رواندا قانونی
سیشل برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
زامبیا برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
زیمباوه برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
کیپ ورد قانونی
ساحل عاج قانونی
گینه بیسائو قانونی
نیجریه برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
جمهوری آفریقای مرکزی قانونی
چاد قانونی
گینه استوایی قانونی
گابن قانونی
جمهوری کنگو قانونی
لسوتو برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
آفریقای جنوبی قانونی
سوازیلند برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
قزاقستان قانونی
قرقیزستان قانونی
تاجیکستان قانونی
ترکمنستان برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی
ازبکستان برای زنان قانونی - مردها غیر قانونی

و همه شون بعد از تشکیل کلیسای شیطان پرستی (1966...)

**Which countries are bad heavier homosexuals:
Homosexuality is a result of misunderstanding west of utility that
unfortunately has spread to the East**

Gays Where is the world?

Zionist city in Tel Aviv-Haifa in Israel

)<https://fa.wikipedia.org/wiki/همجنس‌گرایی>

<https://forum.hammihan.com/thread65885.html> [Translate this page](#)

Apr 10, 2013 - 15 posts - 12 authors

<https://thismatter.com/economics/total-and-marginal-utility.htm>

List of countries about Homosexuality, gayness, lesbianism

76 countries where homosexuality is illegal - 76CRIMES

<https://76crimes.com/76-countries-where-homosexuality-is-illegal/>

1.

In the view of the Erasing 76 Crimes blog, ILGA's list only slightly understates the problem. ILGA leaves out Egypt from a "Same-Sex Sexual Acts Illegal" list of 71 countries with anti-LGBT laws, but adds it in an overview statement that "72 states continue to criminalize same-sex consensual activity," because in Egypt ...

List of gay, lesbian or bisexual people - Wikipedia

https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_gay,_lesbian_or_bisexual_people

1.

2.

This is a referenced overview list of notable gay, lesbian or bisexual people, who have either been open about their sexuality or for which reliable sources exist. Famous people, who are simply rumored to be gay, lesbian or bisexual, are not listed. The definition of sexual orientation has changed greatly over time and the...

Shameful 76 - The 76 Countries That Make Being LGBT Illegal | Forktip

<https://www.forktip.com/lgbt-couple-safety-worldwide/>

1.

2.

Below we have put together a list of all the countries which currently make being LGBT illegal or frowned upon. On top of that, LGBT Laws. Below is a list of the LGBT laws which are enforced in this country. ... Algeria currently practices the "Sharia Law", stating that all homosexuals must be sentenced to death. The Public...

قاعده لاضرر ولاضرار فی الاسلام وقاعده واجب (یا ضرور)

اینکه تحت عنوان لذت ورنج، مطلوبیت های زندگانی بشر خلق شود و مقیاس های بچه گانه ای دایر مدار معاملات، زندگی، خانه داری، مراسم و گردش و داری و شغل و کاسبی های فاسد بشود، جای تامل برای جامعه متمدن دارد، من بارها در مقالات متعدد اظهار کردم (www.elmemofid.com) درس ها، رشته ها و مطالب باطل و سرگرم کننده و فاقد صلاحیت های لازم برای تدریس به دانشجو باید جمع شود و متون درسی باید پاک سازی شود و متون حرام، فاقد منطق، مخالف با روح جستجوگر انسان جویای کمال و غیر اینها به زباله دان تاریخ ریخته شود و باید در این انقلاب طرحی نوریخت و دانشی سعادت ساز برای بشر بوجود آورد.

The rule of lazarus and lazarus in Islam and Mandatory rule (or necessary)

That's the joy of suffering, created utility of humam,s, living and childish measures produced for dealing, living, ceremonies and amusements and their bobs corruptly, it has thinkable for a civilized society, I decelerated in many articles many times (www.elmemofid.com), lessons, disciplines and entertaining and false,s subjects and ineligibles of necessity for teaching the students must be take a way ever or related to text-books should be cleaned from unlawful texts, Lacks logic, contrary to the spirit of human searcher seeking perfection and so on, be thrown into the dustbin of history and design a new plan in this revolution and bring happiness to mankind and knowledge construction.

همانطور که قبلاً به اختصار گذشت، مطلوبیت با شاخص های دانش مفید تعیین میشود که در حال حاضر حدود 200 قانون و قاعده آن (جدول مادر دانش مفید) با عوامل مصداقی و ضرایب نفوذ آنها مشخص شده است و برای تدریس در دانشگاه ها آماده است، از زمره این موارد باید به قاعده لاضرر و لاضرار که از جمله قواعد فقهی است، توجه شود که کاربرد فراوانی دارد، اصل این قاعده از روایتی که از رسول مکرّم اسلام، محمد رسول الله صلی الله و علیه و آله وارد شده است، در این روایت حضرت فرموده اند: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام یعنی در دین اسلام نه می شود به خود ضرر وارد نمود و نه به دیگران ضرر وارد ساخت (wiki.ahlolbait.com/wiki/_لاضرر).

As already briefly passed, utility defined whit indexes of useful knowledge that at the present time being there are 200 rules and laws (mother table useful knowledge) an example of their influence with specified coefficients and for teaching of in universities, among these it should be noted the rule of no injury itself and other those is practicable a lot (wiki.ahlolbait.com/wiki/_لاضرر).

قاعده لاضرر از مهم ترین قواعد فقه اسلامی است، سؤالی که در این مقاله مطرح شد که باید برای آن قانون و مقررات با شاخص های راهبردی، فنی، عملیاتی و کلینکی وضع شده و از طریق استاندارد های فیزیکی و معنوی مورد ارزیابی و کنترل قرارگیرد، قاعده دیگر، احکام واجب و یا ضرور است که در

مقالات بعد پیرامون آن بحث مفصلی ارائه خواهد در مطالب بعدی به انواع مطلوبیت های فردی و اجتماعی، تفسیرهای حقیقی در مورد واژه مطلوبیت ، موارد سودمندی مواد برای انسان ، نحوه سنجش موارد مطلوب ، موضوع ترجیحات در امور مطلوب ، بهینگی مطلوب ، سعادت بجای مطلوبیت ، و غیره خواهیم پرداخت.

There is no any harm for itself and other is the most important religious jurisprudence in Islam, the need for the law and regulations imposed whit strategic , technical , tactic and clinical criterions and this set be control and assessment via physical and spiritual standards , other rule, necessary or obligatory provisions that will be provided detailed discussion in next article,

شعری از مولف:

گفت : آن کسانکه از دفتر ما ، برگی آموختند
پروانه ای گشتند در آتش شمع ما سوختند
آنکه چون نیافت مطلوب ما، او مرده است
هرزه نصیبش شد و در احتضار افسرده است

A poem from mahmoud saneipour:

Said: Those who learned a leaf of our book,

Became butterfly our candles were burned in the fire

Although didn't find as our desired, he is dead

Use bad laughing got and is sad at the point of death

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

نشانه شناسی شرارت و شریر (275)

Semiology of mischievous and wicked man

نویسنده و تحلیل گر: محمود صانعی پور

Writer and anlizer: Mahmoud Saneipour

بدسگالی و بد ذاتی نتیجه القانات شیطنی است

Villainy and depravity is consequence of satanic inductions.

پیام مسلمان جهان: زمین را از شرارت و شریر پاک کنید

The message of world, s Muslims: remove mischievous and wicked men from the earth

شرارت چیست؟ و شریر کیست؟

ای کسی که این مقاله را می خوانید ، اگر بدانید که شرارت چیست؟ و شریر کیست؟ خواهید دانست که تمام بدبختی هائی که در این جهان پیش آمده و به شما ضرر زده ، از شرارت انسان بوده و از ناحیه انسان شرور صادر شده است . اگر شما نشانه های شرّ را بدانید و افراد شرور را بشناسید ، در حاشیه امنیت قرار خواهید گرفت ، و سوسه های شیطنی شریر را خواهید شناخت ، و از خطر افراد شرّ و پست رهائی خواهید یافت و با آنها رفاقت نمی کنید ابدأ و با آنها قرارداد همکاری نمی بندید و حيله های آنان را تشخیص میدهید و گول ظاهر آرام و وعده های پوچ آنها را نمی خورید و خواهید دانست که عمده و اکثر بدبختی های وارده اعم از جنگ ، آشوب ، غارت و ستم گری ، ایجاد فقر و نابودی ها از ناحیه افراد و یا گروه های شرور است ، شما در این مقاله از منظر های مختلف ، به نشانه شناسی شرارت و شریر آشنا میشوید .

What is evildoning and sinisters?

A person who read this article, if you know what is evil? And who is sinister? You will know that from the villain issued all the misfortune that has happened in the world and the detriment of the wickedness of man was struck to you. If you know the signs of mischief and know the evil people, you will be in fringe of security, in addition, you can distinguish the satanic temptations and you be get rid from risk of the people, s evil and humble, and with them not friendship at all and do not close cillabotation, s cotract with them and you can recognize their tricks and nul – promises of them and you will know that most of miseries from war, chaos, plunder and oppression, poverty and destruction are from man, s evil and group, s evil, you will acquainted from many different visions as a sign of evil and sinisters.

در تمام ادیان الهی اجتناب از شرارت و شریر تاکید شده است و خداوند فرموده است که شرارت یک فعل شیطنی و شریر پیرو شیطان است و شرور هیچ خیر خواهی برای هیچ کس ندارد ، در قرآن مجید ، طی چندین سوره و آیات نشانه هائی از شرارت و شرور را آشکار میکند ، به دو سوره معوذتین زیر توجه کنید:

In all divine religions, avoid evil, avoiding of mischievous and wicked man is emphasized and Allah has said that mischievous is a Satan, s act and wicked man

follows Satan and wicked man there is no good will for everybody, in great Quran, through many surahs and verses appears signs of mischievous and wicked man, pay attention to below two surahs for taking in Allah:

1. سوره ناس (An-Nas surah)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (١) مَلِكِ النَّاسِ (٢) إِلَهِ النَّاسِ (٣) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (٤) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)

In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

Say: I seek refuge in Allah of mankind, (1) The King of mankind, (2) Allah of mankind, (3) From the evil of the sneaking whisperer, (4) Who whispereth in the hearts of mankind, (5) Of the jinn and of mankind. (6)

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو من پناه می جویم به پروردگار آدمیان (1) پادشاه آدمیان (2) الله یکتا معبود آدمیان (3) از شر و وسوسه شیطان (4) آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان (5) چه آن شیطان از جنس جن باشد و یا انسان (6)

2. سوره فلق (Day break)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (١) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (٢) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (٣) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (٤) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (٥)

In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم

Say: I take refuge with the Allah of the Day break

از شر تمام آنچه آفریده

From the evil of what He has created

از شر هر موجود شرور وقتی شبانه وارد می شود

From the evil of darkness when it gathers

و از شر زنان دمنده در گره ها

From the evil of the women who blow on knots

و از شر هر حسود هنگامی که حسودی می کند

From the evil of an envier when he envies

ملاحظه میکنید که خداوند متعال، شمول و دامنه شرارت را وسیع میداند، و آنرا به شیطان نسبت میدهد و این خوی شیطانی است که به روح و روان آدم رسوخ پیدا کرده و از وی فردی شیطانی و شریر می سازد که بسیار خطرناک است، زنان و مردان هر دو در تله این القائات و وسوسه های شیطانی قرار میگیرند و اینها کسانی هستند که بی دین هستند، بی دینی و عدم اعتقاد به خداوند و امور غیبی، بزرگترین نشانه های این افراد خطرناک است، اندیشه های بسیار خطرناکی که در مورد دیگران بکار می برند، حتی کشتن و نابود کردن طرف مقابل و رقیب خود (دچار افکار ماکیاولی میشوند در این مورد به مقاله من در مورد خطرات افکار ماکیاولی مراجعه شود) از هیچ حيله ای دریغ نمی کنند، داشتن حسد، کینه ورزی، زدن ضربه های نابود کننده و نظایر اینها از نشانه های دیگر این قبیل افراد شرور است، پناه بردن به خداوند رحمان از شرّ این افراد خبیث و دوری کردن از این جرثومه های فساد ضروری است.

You can see that Allah knows vast including the extent of evil and attributed it to Satan and it is evil temper that had rooted in the mind and soul of man and makes a person evil and mischievous from it, that is very dangerous, both men and women sit down in trap of throwing and satanic temptations and these are people who are irreligious (unbelievers), atheism and non-belief in Allah and the unseen affairs are most signs of these dangerous people, the dangerous thinking that they use to others cruelly, even destruction to kill their opponent and competitor (Machiavelli's thoughts are with, in this case refer to my another article in mother table), they do not hesitate any trick, having jealousy, revenge, destructive killer shock and such this, these are other signs about satanic persons, refusing to merciful Allah get rid of these evil is necessary and avoiding from these malignant mankinds certainly.

تحقیقات روانشناسی پیرامون افراد شرور

شرارت یک بیماری خطرناک است و بیشترین جنبه خطرناک بودن آن، بخش پنهان روانی آن است که زمان بروز آن معلوم نیست و از نیات قلبی و دورنی این افراد ناشی شده و در شرایطی که شریر تصمیم به عمل خطرناک میگیرد، کسی و یا طرف مقابل مطلع نیست که پیش گیری انجام دهد، در روان شناسی، این بیماری به سندروم E (Syndrome E) شناخته شده است که حرف E معرف واژه Evil به معنی شرارت است، از نظر من که چندین بار گرفتار این گونه افراد شریر شدم، علاوه بر علت های ژنتیکی، خصلت های قومی، تعصب های مذهبی، طرفداری از مرام و یا فرد نافذ، شیطان پرستی، انتقام گیری و نظایر اینها، علل بروز این بیماری خطرناک است.

Psychological research about mischievous persons

Wickedness is a dangerous illness and the most dangerous aspect of it, hidden part of it is mental that the time it occurs is not known and intentions of these people come from the hard-heartedness and in the absence of a wicked decision to act is dangerous, one or the other party is not aware that get prevention of any dangerous doing, in psychology, this disease is known to syndrome E that letter E is modifier Evil means, in my opinion that I have enough experience about this matter, in addition to genetic reason, tribal characteristics, fanaticism, taking the part of pervasive person or any idea, Satanism and such this, The causes of this dangerous disease.

از این خصیصه خطرناک (بیماری مرگ آفرین)، توسط آمریکا، اسرائیل (صهیونیسم)، وهابیت و نیروهای متخاصم، گروه‌های تروریستی نظیر داعش، کمپ‌های نازی‌ها، افراد جاسوس و گروه‌های وحشت و تخریب تولید میکنند و از یک فرد معمولی، یک تروریست خونسرد می‌سازند که بی‌خبر با آهستگی مثل حرکت یک مار افعی، وارد مدرسه شده و دوستان مدرسه‌ای خود به رگبار می‌بندد، و تبدیل به آدم‌کش حرفه‌ای می‌شود و اگر این افعی از بین نرود و در یک قفس زندانی شود، خوی آدم‌کشی او فروکش نخواهد شد و برای سردمداران شرارت جهانی، یک فرد جانی متخصص محسوب می‌شود.

Creating from this dangerous particulars (Deadly disease), by America, Israel (Zionist), Wahhabi and Hostile forces, Terrorist groups like ISIS, Nazi camping, Spy people and esp groups and from a normal person, created a easygoing terrorist who unaware and without sound enters school and his friends shot closes the school and chaged to a Professional killers and if the person does not go away and be imprisoned in a cage, he will not subside temper murder and for the leaders of the world's evil, Johnny is an expert.

بعضی‌ها به اشتباه، این خصایص شرارت و آدم‌کشی، شکنجه و آزار را از غرایض حیوانی میدانند که قطعاً غلط است، حیوان برای گرسنگی و نیاز خود رفتاری دارد که بی‌رحمانه تلقی می‌شود؛ درحالی‌که نمونه‌های رحم حیوانات درنده به حیوانات ضعیف و یا توله‌های آنها، زیاد تجربه شده است، رفتار حیوانات بر اساس منطق حیوانیت آنها بوده و غریزه‌ای هستند که به ارث می‌برند و از یک "جریان - انطباقی" با ثبات پیروی میکنند و با رفتار بی‌رحمانه و آمرانه از یک انسان که مدعی عقل است، فرق اساسی دارد و اصطلاحاً قیاس مع الفارق (Measured with a difference) است و شرارت مربوط به بیماری‌های مغزی و قساوت قلبی، یک آدم‌شریر، بی‌عاطفه و قاتل است!.

Somebody mistakenly, this evil characteristics and homicide, torture and harassment know of animal instincts that is definitely false, its need to conduct animal hunger that cruelly treated, while many experienced those samples of

kindness of beast of prey to weakness animals or young of certain animals, Animal behavior based on the logic of their bestiality and an instinct that inherit and follow of “current - conformity” stably and it is different basically by brutal treatment and imperius of a human that claims of reason and it is “measured with a difference” idiomatically and wickedness relates to mind, disease and hard-heartedness, a wicked person, no feelings and murderer!.

ماجرای زنی که 3 شوهر خود را کشت و مرگ آنها را طبیعی جلوه داد!

A woman who killed her 3 husbands and she pretended they were natural death!

<https://www.khabaronline.ir/detail/708797/provinces/Fars>

Gruesome murder young Canadian by husband and wife disgusting!



[قتل هولناک جوان ایرانی توسط زن و شوهر چندی اور کانادایی! + عکس](#)

قتل 49 زن خیابانی پس از تجاوز و آزار جنسی + عکس | قاتل بدن زنان را مثله می کرد و به جای گوشت می فروخت!، قتل 49 زن خیابانی پس از تجاوز و آزار جنسی | رابرت پیکتون قاتل کانادایی 49 زن خیابانی را پس از تجاوز و آزار جنسی به قتل رساند. گفته می شود قاتل بدن زنان قربانی را پس از قتل مثله می کرد و یا به خوک هایش می داد، یا به جای گوشت خوک می فروخت! او می گوید از قتل زنان شاد می شدم، مثل کودک که در شهربازی شادی می کند! این جنایتکار در اعترافات هولناکش بیان کرد که به خاطر غفلت و سهل انگاری به دست مأموران پلیس افتاده و اگر زیرکانه تر عمل می کرد می توانست نفر پنجاهم را نیز به قتل برساند.

www.aftabir.com/news/article/view/2018/01/27/1819517



#قتل # قتل دختر # قتل دختر خیابانی # قتل زن # قتل زن خیابانی # قتل زن خیابانی # مثله کردن # ای # تجاوز # تجاوز جنسی # تجاوز و قتل # آزار جنسی # حوادث خارجی (این جانی وسادیست "sadist" به مدت 250 سال زندانی محکوم وهنوز تمایل زیاد به این شرارت خطرناک دارد)

شما خوانده ، که اهل اخبار کشور و جهان هستید ، تقریباً هر روز از این گونه شرارت ها ، قتل ، ترورها ، آدم کشی ها و غیره مطلع می شوید و درمقابل ، شاهد قوانین ضعیف و حق کشی ها که علل تزیاید این وحشی های قرن ما است ، میباشید ، نخست وزیر وقت کانادا از اینکه این جانی ، هنوز زنده است و گوشت بدن 49 زن به سگ داده شده و خورده است ، در حیرت مانده است و میگوید "این چه قانونی است "One of the world's most notorious serial killers expressed disappointment that he had been unable to murder more victims to an undercover police officer posing as his cellmate. [Robert Pickton](#) said he butchered 49 women at his farm near [Vancouver](#), Canada. Unaware that he was being filmed, the 69-year-old told his police officer cellmate that he had "wanted an even 50" of victims but fell short of the macabre target after "being sloppy".



Most of Pickton's victims were sex workers, who he [lured from Vancouver's red light district to his farm](#) with drugs and alcohol.

تحقیقات پیرامون شرارت

بدفهمی پیرامون شرارت ، یک مسئله مهم بوده و دلیل جهالت بعضی می باشد ، مثلاً عده ای شرارت را به مسائل ایدئو لوژیک نسبت میدهند و منظورشان همان مفهوم دین است ، در هر حالی دین با شرارت مبارزه بی امان داشته و حکم قصاص (punishment command) به عنوان احکام تشریح برای عامل شرّ تجویز کرده است و این اعتقاد است که شریر یک مفسد فی الارض (seditious person in earth) است و زمین باید از این جرثومه های فساد پاک شود ،سور و آیات فراوان در کتب دینی برای اثبات این نظریه فراوان است .

Researching about villainy

Misunderstanding about the evil, it was an important reason is the ignorance of somebody, for example, attribute some evil into ideological issues and their understand is the same concept of religion, while every religion has a relentless struggle against evil and has prescribed punishment command as the provisions of the legislation to get rid of evil and this belief is basis on reason for wicked man who is a “seditious person in earth” and must be clear the earth from these perverseness germs, many surahs and verses in divine books to prove this theory is abundant.

ما با کسانی برخورد میکنیم که از دین ، عدالت ، انصاف و انسانیت ، هیچ دانشی نداشته و شاید اعمال بعضی افراد شریر را که بنام دین ، به چپاول اموال مردم مشغول هستند از سوی دین میدانند ، چون می بینند که داعش مدعیان دین هستند و به کشتار انسانها در سراسر زمین گسیل داده شده اند، اگر می خواهند بدانند که سوء استفاده از دین چیست ، اینست که به قول خود مذهبیون خالص ، اگر می خواهند، دینی

خراب کنند ، باید با یک دین قلابی به جنگ دین حقیقی بیایند ، این است " مذهب علیه مذهب" (از دکتر علی شریعتی)، دین دار واقعی یاور مظلوم و چپاول گراست و دشمن دین با پرچم ، شعار ، لباس همان دین دار حقیقی ، مشغول گشتار مردم مظلوم می شود و در این مورد بصیرت ، تیز بینی ، هوشیاری ، و روشن دلی می خواهد که افراد بی دین فاقد آن هستند (شرارت از نگاه ادیان در آخر این مقاله آمده است – آنرا مطالعه نمایند).

We come in contact with those who has no knowledge of religion, justice, Fair and humanity and maybe some people do evil deeds who busy to plunder of public property by name of religion thinks it is from religion, because they see the ISIS Claims religion and killing people around the globe have been dispatched, if they want to know what is the misuse of religion? That his promise pure religious, should a false religion to the true religion come to fight, this is “religion agiast religion” (from dr. shariati), a true muslem helper of the oppressed and the enemy of religion-oriented plunder and oriented plunder enemy of religion is engaged massacre victims by the same true religion, s flag, motto, dress and in this case, should be necessity insight, sharp-eyed, consciousness and heart- light that irreligious people are lacking.

آدمی که شهادت طلب است برای اینست که زمین را از لوٹ هرگونه شرارت پاک کند و شرارت هزار چهره را نشان دهد و این آزمون آلهی را که شریر باید از بین برود را با موفقیت انجام دهد ، اگر چه صدها افتراء و تهمت به دین داران واقعی وارد شود ، و سازمان حقوق بشر طرفدار دنیای غرب ، با این پاک سازی دنیا را از شرارت مخالفت کند!، ولی دین داران واقعی و مدافعان انسان های مظلوم ، عاقبت فاتح میدان های نبرد با هرگونه شرّ و شریر هستند ، نکته ای که در اینجا بسیار مهم است اینست که شریر بالقوه یک روح شیطانی را با خود حمل میکند ، به دستور شیطان بزرگتر و آمر نیاز دارد ، بنابه دستور و با گرفتن دستمزد های مکفی و پاداش های دنیوی ، دستور را موبمو اجراء میکند.

Martyrdom-seeking man who clears the earth from any poilution of villainy and shows the thuosent faces of evil and it is the big test that you know must be remoyed ever succsusfully, although hundreds of defamation to religion and bring agaiast to the real religious men and if human rights organizations in the West, however disagreeing bycleanse the world of evil!, but the truth religious men and defenders of oppressed people, are victory in butteledfeild agaiast ever evils , one thing that is very important here it is that potential wicked man delivers the satanic spirit with himself and acts acoording with order this satanic spirit in detail.

دستورات خشونت را بیدار می کند

در واقع دستورات انجام خشونت مانند شکنجه دادن، قتل و غارت برای کسی که ریشه اعتقادی به خداوند و اساس وحی ندارد، از شرارت و کینه های درونی بر خوردار است و این دلیلی برای انجام شرارت میشود و پس از مدتی که پاداش هایی را بر اساس الگویی خاص از دستورات به شرکت کنندگان داده میشود، به داوطلبان گفته میشود در صورت عدم اطاعت از دستورات سابق، هیچ پولی دریافت نمی کنند و مجبور هستند دستورات را اطاعت کنند وگرنه خودشان در کام مرگ قرار میگیرند، این است عاقبت منافقین، داعشیان و تروریست های از خدا بی خبر که خداوند متعال نصیبشان میکند.

Orders awake the rudeness

intruly, the instructions violence like torture, murder and looting for who hasn, t the root of bleiving to Allah and basis on revelation, he enjoys from mischievous and internal rancour certainty and this is a reason to do evil and after any time to volunteers are told if you do not obey the orders of the former, not receive any money and are forced to obey orders and otherwise they were killed in mouth of death, this is the sequel hypocrites, isis and terrorists who with out news from Allah that exalted Allah granted them finally.

به تصاویر زیر ولذتی که قاتل های مامور می برند نگاه کنید

See to follows images and enjoining of whom obtained a warrant for her arrest













صور شیطان پرستی و تباهی انسان در قرن 21 (نشانه های بیشتری از شرارت را بدانید)

Satanism,s figures and human depravity in the 21st century(know more signs of evil)

هفت نشانه‌ی بروز شرارت

Seven signs of evil

همانطور که اشاره شد , بروز شرارت به عنوان یک بیماری، نظریه سندروم E را ایجاد کرده است. از مهمترین نشانه‌های مشترک بین عواملان قتل عام و کشتارهای جمعی عبارتند از:

1. تکرار اجباری خشونت
2. عقاید و سواس گونه

3. بی‌حسی نسبت به خشونت

4. احساسات ثابت , کم‌تغییر و خشن

5. عدم نمایش خشونت در فعالیت‌های روزانه ظاهری, آراسته نشان دادن

6. تمایل به اطاعت و تمکین از جایگاه‌های بالادست ها

7. تعصب های احمقانه در دین باطل علیه دین حقیقی

بنابر این قوانین ملی و بین المللی از این بابت ناقص هستند

As it mentioned, as a disease of evil, theory has created E syndrome, of the most common symptoms the perpetrators of genocide and mass killings as follows:

1. Forced repetition of violence
2. Obsessive ideas
3. Obviousness about rudeness
4. Constant feeling low , violent change and rude
5. Hide physical violence in everyday activities and representing of adormment
6. Willingness to obey and comply hands of top spots
7. Dogmatism foolishly in false religion against the true religion

Thus, national and international laws in this regard are incomplete

فقر نتیجه شرارت ظالم است (به مجموع مقالات این نویسنده در مورد فقر جهانی مراجعه شود)

Poverty is the result of evil tyrants (refer to set article about world,s poverty from this author)



تصاویری از فقر جهانی

Many images of world,s poverty



کشتار بومیان استرالیایی توسط انگلیسی ها در تصرف استرالیا

allthatyouwant.mihanblog.com/post/6996

Killing Native Australian by Englishes in capture Australia (imagery):

استعمار انگلیس با عبارت "عصر نسل کشی" عجین شده و تاریخ شناسان دوران سلطه انگلیس بر دیگر کشورها را به این نام می‌شناسند بریتانیا شکار بومیان استرالیایی را مثل شکار کانگورو یک ورزش سالم تلقی میکنند، روند کلونی سازی انگلیس، با مهاجرت به آمریکای شمالی و کشتار 20 میلیون سرخ پوست آمریکا و بومیان استرالیا و کشتار بومیان این مناطق با جنایت و خون رقم خورد، مهاجران با وجود آگاهی و اطلاع از جنایات خود، تمامی حقوق بومیان استرالیا را نادیده گرفته و دولت تازه تاسیس نیز تنها به محکوم کردن گاه و بیگاه این جنایات بسنده می کرد.

Colonization of England as "genocide age" "ingrained and historians nominated of rotation, sovereignty from England against other countries by this trem, hunting the Australia, Aboriginal by British like hunting kangaroo consider a healthy exercise, colonization of England, by migrating to North America and Killing 20 million Native America and Indigenous Australians and Aboriginal these areas came by crime and blood, Immigrants with knowledge and information of their crimes, All rights ignored Indigenous Australians and The newly established government only The occasional condemnation of these crimes was sufficient too.





آویزان کردن سر بریده شده مردها بر گردن زنانشان Hung a beheaded by men upon women

تصاویری از جنایات انگلیسی ها در تسخیر آمریکا (Crime of England in conquering of america)





[نقش انگلستان در مرگ 9 میلیون ایرانی به حاکمیت رضاخان \(the role of Reza Khan](#)

[نقش-انگلستان-در-مرگ-9-میلیون.](https://www.mashreghnews.ir/.../)





[تجاوز به دو میلیون زن آلمانی در آخرین روزهای جنگ!](#)

Transgression to 2 million german in the last day's warII



fararu.com/fa/.../ تجاوز به دو-میلیون زن-آلمانی-در-آخرین-روزهای-جنگ

basirat.ir/fa/news/293039/ نسل-کشی-بومیان-استرالیا

نابودی کامل ساکنان بومی جزیره تاسمانی

جزیره تاسمانی واقع در سواحل جنوبی استرالیا، بخشی از این کشور است که بیش از ده هزار سال قدمت دارد. بومیان این جزیره نیز همانند ساکنین اصلی استرالیا، جنگ و قتل عام توسط انگلیسی ها را شاهد بودند. هزاران سال پیش بومیان از آب های جنوب شرق استرالیا عبور کرده و نخستین ساکنان این جزیره شدند. در سال 1803، آسایش بومیان تاسمانی با تجاوز نیروهای انگلیسی به هم خورد. متجاوزین پس از مدتی شروع به آغاز فعالیت های اقتصادی، تجارت، واردات و صادرات، ماهیگیری و حتی برده داری کردند.

کتاب هایی که از نسل کشی بومیان استرالیا می گویند

پروفسور کالین مدیر مرکز مطالعات نسل کشی تطبیقی در دانشگاه مکواری سیدنی با مطالعه بر روی

تاریخچه بومیان جزایر تنگه تورس جریبات این حرکت وحشیانه را تحت عنوان نسل کشی در استرالیا برای اولین بار منتشر کرد. این نسل کشی علاوه بر کشتار مردم بی دفاع عواقب دیگری هم به دنبال داشت. زندگی هزاران کودک بی سرپرست که توسط دولت به زور از خانواده های خود جدا شده بودند در "نسل به سرقت رفته" منتشر شد.

esources:

منابع

<https://www.wsws.org/en/articles/html/07/geno-s09/1999>
<http://www.opendemocracy.net/martin-shaw/britain-and-genocide>
http://www.aramnahrin.org/English/Arameans_In_The_Media_Misinformation_2009_6.htm
<http://aoverton.wordpress.com/710>
<http://www.humanrights.gov.au/publications/track-history-us-taken-away-kids-th-anniversary-bringing-them-home-10-commemorating-2474043>
http://www.academia.edu/Extermination_Extinction_Genocide_British_Colonialism_and_Tasmanian_Aborigines
<http://australianmis.com/australia-at-a-glance.php?persian=>
<http://www.internshipprovider.com/destination-australia>

قانون تلمود (Talmudic law)

قانون تلمود از صهیونیسم جهانی فقط یهود یها را "ادم" میداند وبقیه انسان های روی زمین حیوان تلقی می شوند ویهود می تواند هر گونه با آنها عمل کند!؟

- 1- اسرائیل شاهاک می گوید: به نوشته کتاب هاتانیا، کتاب مقدس جنبش هابادی از شاخه های قوی هاسیدیسم، غیر یهودیان مخلوقات شیطان هستند که مطلقا هیچ چیز نیکویی نزد آنان یافت نمی شود. تفاوت کیفی میان ظفر الاسلام خان؛ نقد و نگرشی بر تلمود؛ ترجمه محمد رضا رحمتی؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ قم؛ 1369؛ ص 21. یهودیان و غیر یهودیان از مرحله جنینی وجود دارد.
2. يك يهودی تعبدگرا از همان اوان جوانی در چهارچوب مطالعات مقدس خویش می آموزد که بیگانگان با سگان قابل مقایسه هستند، که از آنها به نیکی یاد کردن گناه است.
3. نکته پذیرفته شده این است که در فریب بیگانگان به جای مداوای آنان هیچ چیز قابل سرزنش نیست، اگر این کار خصومتی را بر نمی انگیزد.
4. آدمهای دنیا از زمره بیگانگان و غیر یهودیان هستند. بدین ترتیب از آنجا که احتمال بسیار کمی وجود دارد که کسی از مسافران یهودی باشد، باید گذاشت که غرق شوند.

5. نمی‌توان روابط جنسی میان يك مرد يهودی و يك زن غير يهودی را زنا توصیف كرد. بنا بر تلمود، چنین روابطی از گناه حیوانیت ناشی می‌گردند. (به همین دلیل، در كل فرض می‌شود که بیگانگان پدرشان معلوم نیست).
6. بیگانگان که (طبق هلاخا) دروغ‌گویان مادرزاد هستند، گواهی‌شان در برابر يك دادگاه خاخمی هیچ ارزشی ندارد. در این زمینه موقعیت آنان همانند زنان، بردگان و صغیران يهودی است؛ در عمل حتی بدتر است.
7. همچنان که انسان بر حیوانات فضیلت دارد، يهود بر اقوام دیگر فضیلت دارند.
8. نطفه ای که از غير يهودي منعقد می‌شود، نطفه اسب است. اجانب مانند سگ هستند و برای آنها عیدی نیست زیرا عید برای اجنبي و سگ خلق نشده است.
9. سگ افضل از غير يهودي است، زیرا در اعیاد باید به سگ نان و گوشت داد، ولي نان دادن به اجنبي حرام است. هیچ قرابت و خویشی بین اجانب نیست، مگر در نسل و خاندان الاغ قرابتي است؟
10. خانه‌هاي غير يهودي به منزله طویله است. اجانب دشمن خدا و مثل خنزیر و قتلشان مباح است.
11. اجانب برای خدمت کردن يهود به صورت انسان خلق شده اند.
12. و انسانی که بر غير يهود کوچکترین ترحمی روا دارد، عادل نیست.

www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=934&articleID=509700

<https://fa.wikipedia.org/wiki/تلمود>

https://en.wikipedia.org/wiki/Talmudic_law

[Babylonian Talmud \[Full Text\] - Jewish Virtual Library](#)

www.jewishvirtuallibrary.org/babylonian-talmud-full-text

Read more

شراب خواری ، قمار بازی ، با اعداد ورمل واصطرلاب ،شیطان پرستی ، بت پرستی ، و.....از شرارت است

سوره مبارکه بقره آیه ۲۱۹ و ۲۲۰ به همراه ترجمه و تفسیر

[دسته بندی ها: آیات آسمانی](#)

[نوشته توسط: سجاد نبی زاده](#)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (٢١٩)

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ۗ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ ۗ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢٢٠)

ترجمه فارسی:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید! (٢١٩)

(تا اندیشه کنید) درباره دنیا و آخرت! و از تو در باره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد؛) آنها برادر (دینی) شما هستند.» (و همچون یک برادر با آنها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، بازمی‌شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می‌اندازد؛ (و دستور می‌دهد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود، جدا سازید؛ ولی خداوند چنین نمی‌کند؛) زیرا او توانا و حکیم است (٢٢٠)

ترجمه انگلیسی:

In the name of Allah, most benevolent, ever-merciful

They ask you of (intoxicants,) wine and gambling. Tell them: “There is great enervation though profit in them for men; but their enervation is greater than benefit. And they ask you what they should give. Tell them: “The utmost you can spare.” So does God reveal His signs: You may haply reflect (219?)

On this world and the next. And they ask you about the orphans. Tell them: “Improving their lot is much better; and if you take interest in their affairs, they are your brethren; and God is aware who are corrupt and who are honest; and if He had pleased He could surely have imposed on you hardship, for God is all-powerful and all-wise (220)

شروع از نگاه ادیان ، مطالعه نمائید

۴- شرور از دیدگاه دین یهودالفاظ عبرانی و یونانی که به “شرارت” ترجمه شده اند افاده ی معانی مختلف می نماید. در سفر پیدایش (۱۸:۲۳) و سفر تثنیه (۹:۲۷)، به معنی “کجی و کج روی” است. در سفر پیدایش (۱۳:۱۳ و ۳۹:۹) به معنی “بدی” و در سایر بخش های کتاب مقدس در معانی دیگری وارد شده **آزمون**

بزرگ است. (نک: قاموس کتاب مقدس، ص ۵۲۱) دین یهود خداوند را قادر، عادل، و بخشنده می داند و از این رو باید پاسخگوی علت وقوع شرور باشد. در رابطه با شر اخلاقی، پاسخ دین یهود ساده است. از آنجا که خداوند به انسان اختیار داده است، انسان ها مسئول انواع گناهای هستند که مرتکب می شوند. در دین یهود گناه، طغیان علیه اراده ی خداست. همچنین گناه انحراف از راه خدا و بیگانگی از اوست. مسأله ی گناه به بهترین وجه در داستان گناه اولیه ی آدم در کتاب مقدس تصویر شده است و کاملاً در ارتباط با این تبیین، شر و آلام طبیعی نیز به طور غیر مستقیم به گناهی که آدم مرتکب شد نسبت داده می شود. **شر**

شیطان رنج چیزی جز کیفر گناه نیست. در برخی از متون یهود، وجود شر به عنوان آزمایشی برای ایمان توصیف می شود. در حقیقت خداوند می خواهد از طریق رنج و آلام، ایمان افراد را نسبت به خود اندازه بگیرد. چنین دیدگاهی در خود داستان رنج و آلام طولانی قوم یهود نهفته است که به خود یهود نسبت می دهند، اما معتقدند که تمام این رنج ها و آلام فقط برای آزمایش ایمان آنهاست. (همان، ص ۱۳۸) گاهی اوقات شر در دین یهود جنبه ی تأدیبی یا اصلاحگرانه دارد که این رنج ها مانند تنبیهات و سرزنش های پدری مهربان هستند که هدف نهایی اش اصلاح و تأدیب فرزندان است. چون خداوند کسانی را که دوست دارد تنبیه می کند، مانند پدری که از دیدن پسر تأدیب یافته اش لذت می برد. گاهی شر عامل رهایی بخش نشان داده می شود و نشانه اوضاع بهتری است که به وجود خواهد آمد. این هم در خود داستان بنی اسرائیل روشن می شود، که هر گاه قوم بنی اسرائیل مجبور به تحمل رنج و مصیبت شده اند، وضعیت بهتری به دنبال آن ایجاد شده است. از این رو رنج و آلام در دین یهود نماد وضع بهتر در آینده قلمداد می شود. بنابراین در باطن هر شری خیری نهفته است و نباید رنج را به عنوان شر مطلق تلقی کرد. خداوند وجود شر را تنها برای خیرنهایی انسان ها به شمار آورده که مطلق وجود ندارد. به عقیده یهودیان، شر اساساً قابل نسبت دادن به خداوند نیست، شر ناشی از تسلط نیات شیطان پلید است. اما شیطان نمی تواند به عنوان نیروی قائم به خود، شر محسوب شود و علت تمام آلام و رنج ها شناخته شود زیرا این امر برخلاف ویژگی توحیدی دین یهود است. (نک: دین شناسی تطبیقی، ص ۱۴۰) جان هیک می گوید: “صفات کتاب مقدس به گونه ای واقع گرایانه بازتاب آمیزش خاص خیر و شر در تجربه بشری است. کتاب مقدس اشکال گوناگون اندوه و رنج، صورت های مختلف “سبعیت انسان نسبت به انسان” و هستی نامطمئن و به همین جهت دردمندان ما را در جهان تصویر می کند. بنابراین نمی توان شک داشت که بنابر دیانت مسیحی شر کاملاً واقعی است و به هیچ وجه وهم و خیال نیست.” (فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، ص ۹۰)

۵- شرور از دیدگاه دین مسیحی چون خدای مسیحی اساساً بخشاینده و با محبت و شبیه پدری مهربان است، وجود رنج در عالم، چالش بسیار جدی برای مسیحیت ایجاد نمی کند. وقتی که خداوند مخلوقاتش را این قدر

دوست دارد پس چرا این همه شر و رنج و الم در عالم وجود دارد؟ مسیحیت سعی می کند که شیطان را به عنوان شر و پلیدی قلمداد کند اما آشکار است که این عذر قابل قبول و پذیرفتنی نیست، زیرا این سوال مطرح است که آیا شیطان تحت نظارت خداست یا مستقل عمل می کند. اگر شق دوم جواب درست باشد خداوند مبرا از مسئولیت شر خواهد بود اما دیگر نمی توان او را قادر مطلق دانست. در عهد قدیم شیطان به عنوان مظهر و تجسم مستقل شر ظاهر نمی شود، بلکه به عنوان عضوی از بارگاه آسمانی ظاهر می شد که وظیفه اش بر انگیزختن مردم به اعمال شریرانه بود و آن ها را به رنج و آلام مبتلا می ساخت تا صدق ایمان آنها به خداوند آزمایش شود. (همان، ص ۱۶۳) در اینجا دو عامل همراه با هم علت شراند: یکی طبیعت اهریمنی شیطان و دیگری استفاده ی ناروا از اختیاری که به آدم داده شده بود. اما باز هم وضعیت به خوبی تحت نظارت خداوند است و از نظر مسیحیت خداوند مستقیماً مسئول شر نیست و او را قادر مطلق می داند؟؟؟؟ اگر چه طبیعت اهریمنی شیطان علت اصلی رنج آدمی است اما او به دور از نظارت خداوند نیست بدین معنا که خداوند خودش وجود شر را به عنوان نشانه و ابزاری برای تأدیب انسان جایز می شمارد. بنابراین در یک کلام، رویکرد مسیحیان به مسأله ی رنج، شیطان را از یک طرف و انسان را از طرف دیگر مسئول شر می شمارد، اما خداوند بدون مداخله و برای هده اخلاقی خیر نهایی بشر وجود شر را جایز شمرده است.

۶- شرور از دیدگاه اسلام از آنجا که اسلام دینی کاملاً توحیدی است و بر قدرت مطلق خداوند تأکید بسیار نموده است، می توان دریافت که هر آنچه در عالم وجود دارد آفرینش خداست و تحت سلطه و نظارت اوست. از منظر قرآن، خداوند بر هر چیزی قادر است و مستقیماً مسئول وجود شر و رنج در عالم است. اینک چگونه می توان او را رحمان و رحیم دانست؟ عقیده ی غالب این است که وظیفه ی انسان نسبت به خدا تسلیم نا مشروط و اطاعت محض است و نباید هیچ گونه شکی نسبت به آفرینش او داشته باشیم و بهتر است که انسان با سادگی تمام مقدرات را با تقوای کامل تحمل کند. چون خداوند بر عالم نظارت کامل دارد و رنج و آلام را باید جزئی از مشیت یا هدف او دانست، پس سوال درباره ی ارزش هدف خداوند غیر دینی و نشانه ناسپاسی است. هدف خداوند در مجاز شمردن شرور به دو طریق است، یکی آن که رنج، مجازات و کیفر گناه است. دیگری آن که رنج، آزمایش و محک ایمان به خداوند است. طریق نخست مسأله عادلانه بودن کیفر گناهان را مطرح می کند، پس طریق دوم با اهمیت تر است. از این طریق خداوند می خواهد با تحمل رنج و الم میزان تحمل و عمق ایمان آنان را به خود آزمایش کند. عده ای هستند که خداوند را به اکراه می پرستند اگر در نتیجه ی ایمان و طلب مغفرت از طرف خدا پاداش نیک دریافت کنند به او ایمان می آورند و گرنه به کفر می گرایند. خداوند چنین افرادی را مؤمنین واقعی نمی داند. پس باید مؤمنین واقعی را از چنین تردید کنندگان جدا دانست چون مؤمنین واقعی معتقدند که وجود شر ناشی از مشیت خداوند است. به آیات قرآن استناد شود و حدیث پیامبر

۶-۱- شر از منظر قرآنی مسأله ی شر و وجود آلام و مصائب و انواع ناگواری ها و ناملایمت ها در حیات بشری مورد تأکید قرآن مجید قرار گرفته است. بر طبق قرآن، به نظرمی رسد که شر جزء ضروری مشیت خداوند است، زیرا بین صادق و غیر صادق فرق می گذارد و در نتیجه نه تنها شخصیت آدمی را می سازد، بلکه ماهیت واقعی آن را نیز به نمایش می گذارد. در آیات مختلف و با انگیزه های متعدد

به وجود ناملايتمت ها و جبران آن در آخرت اشاره هاي شده است. مثلاً كلمه ي شر که در قرآن به معنای “ناملايتمت” و “ضرر” و “زيان” ها و ضد خير است، بيش از سي بار به کار رفته است. در سوره های اسراء/ ۸۳، فصلت/ ۵۱، معارج/ ۲۰ و فصلت/ ۴۹ بر ابتلای انسان به انواع شرور تاکيد و خاطر نشان شده است که به وجود آمدن اين شرور زمينه ساز شکوه و تأليف و جزع انسان از خدای منان است. قرآن کریم در دو آيه ي کلیدی، تحليل جامع و گويایی از سبب پيدایش شرور و سيئات تکوينی و نحوه ي استناد آنها به خدای سبحان ارائه می دهد و می فرماید: ان تصبهم حسنه يقولو هذه من عندالله و ان تصبهم سيئه يقولوا هذه من عندک قل کل من عندالله. (نساء/ ۷۸) (اگر پيشامد خوبی به آنان برسد می گویند اين از جانب خداست و چون صدمه ای به ايشان برسد می گویند، اين از طرف توست بگو همه از جانب خداست.) اگر سيئه ها را به رسول خدا (ص) نسبت می دادند از باب تطير و فال بد زدن بوده است و يا خواسته اند بگویند که آن حضرت ضعف مديریت دارد و زمامداری را آن طور که بايد نمی داند. (تفسير الميزان، ج ۵، ص ۸) قابل ذکر آن که انسان خود زمينه های نزول خير و شر را بنیان می نهد. لذا قرآن کریم در ادامه می فرماید: ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سيئه فمن نفسک. (نساء/ ۷۹) (هر چه از خوبی به تو می رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می رسد از خود توست.) در اين آيه ي شريفه، هر چند خطاب را متوجه رسول خدا (ص) کرده، اما در صد بيان مطلبي عمومی است که شامل همه ي مردم می شود به تعبير ديگر، در عين اين که در بردارنده ي خطاب فردی است خطاب آن اجتماعی نیز هست. برای اينکه مجتمع انسانی برای خود کينونت و ساختاری انسانی و اراده ای اختیاری دارد غير آن کينونت و اختیاری است که فرد دارد. (تفسير الميزان، ج ۵، ص ۱۷) پس ترديدی نيست که خير و شر به طور کلی در دست خداست چنان که فرموده: کل من عندالله. (نساء/ ۷۸) لذا همه اشياء و موجودات در هستی و در بقای خود و همچنين در حوادثی که بر ايشان پيش می آید، تسليم و تخت فرمان او هستند. علم و قدرت او بر همه چیز احاطه دارد و از خبر و شر بودن امور آگاه است. در تفسير آيه شريفه: فاذا جاءتهم الحسنه قالوا لنا هذه و ان تصبهم سيئه يطيروا بموسی و من معه الا انما طائرهم عندالله و لکن اکثرهم لا يعلمون. (اعراف/ ۱۳۱) علامه طباطبایی چنين آورده است: بهره ای که ايشان از شر و بدی دارند نزد خداست و آن عذابی است که خداوند برای آنان تهيه ديده است. ليکن بيشتر ايشان از اين عذاب غافلند و خيال می کنند که از گناهان و جنایاتی که مرتکب می شوند اثری باقی نمی ماند و در دفتری بايگانی نمی شود. (تفسير الميزان، ج ۸، ص ۱۹۰) آيت الله جوادی با ذوق و ظرافت تفسيری خود در اين رابطه نوشته اند: “با فهم نکات مهم دو آيه (نساء/ ۷۸ و ۷۹) به ویژه فرق بين “من عندالله” و “من الله” روشن می شود چگونه حسنه و سيئه، خير و شر هر دو “من عندالله” است. البته حسنه افزون بر اين “من الله” نیز هست. اما سيئه “من الله” نيست، بلکه “من نفسک” است. به تعبير ديگر، “حسنة” هم “من عندالله” است هم “من الله”، ولی “سيئه” فقط “من عندالله” است و “من الله” نيست، بلکه “من الانسان” است. (جوادی آملی-عبدالله، تفسير موضوعی قرآن کریم، ج ۲، ص ۴۰۵) هيچ نوع از انواع سيئات به ساحت قدس او مستند نيست. برای اين که به جهت سيئه بودن خلق نشده است. کار خدای تعالی، خلقت و آفريدن است و سيئه، چون امری عدمی است، خلقت بردار نيست. مثلاً اگر انسان دچار سيئه ای باشد در حقيقت فاقد رحمتی از جانب خدای تعالی است و اين فقدان هم مستند به اعمال گذشته ي اوست. او کاری کرده که نتیجه اش اين شده که خدای تعالی، رحمت خود را نسبت به او امساک کرده است. (تفسير الميزان، ج ۵، ص ۱۹) (بايد ه داشت که اين بحث مربوط به حسنه و سيئه

است به معنای حوادث خوب و بد است و حسنه و سیئه به معنای طاعت و معصیت بحثی دیگر است. خداوند متعال در سوره ی عنکبوت آیات (۱۴ تا ۴۰) بعد از آن که داستان اقوام گذشته از جمله قوم نوح، لوط، عاد، ثمود و... را با بیان عذاب وارد بر آن ها ذکر می کند و می فرماید: هر یک (از این اقوام) را به گنااهش گرفتار عذاب کردیم. از آنان کسانی بودند که بر سر ایشان بادی همراه با شن فرو فرستادیم. و از آنان کسانی بودند که فریاد (مرگبار) آن ها را فرا گرفت و برخی از آنان را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم و این خدا نبود که برای آنها ستم کرد، بلکه خودشان بر خود ستم می کردند. قرآن کریم به این نکته مکرراً تصریح می کند، آن چه از مصیبت ها و رنج ها که انسان در واکنش به میل طلبی و هوا خواهی نفسانی و گناهان خود می بیند، تنها بخشی از آنها است و خداوند از واکنش به بسیاری از آن ها می گذرد. قرآن کریم در سوره های بقره/۱۵۵، انبیاء/۳۵ و اعراف/۱۳۰ شرور را امتحان الهی محسوب می کند. در این آیات خداوند متعال خودش را علت و عامل پیدایش بعضی انواع شرور مانند قحطی، انواع بیماری ها، فقر اقتصادی و بلایای مادی و جانی معرفی می کند. (تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۸۷) قرآن کریم بعضی شرور و بلایا و آلام را کیفر اعمال انسان ها و انتقام و قهر الهی ذکر می کند. که در طول تاریخ بعضی امم مانند عاد، لوط، فرعون، اصحاب ایکه و حجر گرفتار آن شدند. چنان که در آیه: فانتمننا منهم فاعرقنا هم فی الیم. (اعراف/۱۳۶) به قوم فرعون اشاره می کند که در نتیجه طغیان ها و نقض عهدهای خود در دریا غرق شدند. شهید مطهری درباره ی آیه ۱۷ شریفه سوره ی رعد می گوید: ”در میان خیرات و وجودات و هستی ها و حق ها، باطل ها و بدی ها هم هست. این ها از لابه لای آنها پیدا می شوند، بدها و باطل ها هم خواه ناخواه در وجود و هستی پیدا شوند، ولی اصل نظام عالم بر خوبی است و آن که عالم را نگه می دارد خوبی هاست. بدی ها و باطل ها یک سلسله امور عرضی و زایل شدنی هستند.“ (مجموعه آثار، ج ۴، ص ۳۲۲ آیات و ادعیه رفع شر و توبه نصوح

پی نوشت ها :

۱، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، ۲، کارشناس ارشد فلسفه و حکمت. منبع: نشریه فکر

راهکارهای مقابله با مزاحمت‌های اجنه و طلسم‌ها

اجنه به عنوان موجودات مختار ، هم صنف خوب دارند و هم صنف بد . اما در چه صورت مزاحم انسان می شوند و راههای علاج ترس از آنان و راهکار های مقابله با طلسمات و شر اجنه چیست را به طور اجمالی در این نوشتار می آوریم، برای ورود به بحث لازم است اطلاعاتی از اجنه به صورت کلی لحاظ شود .

در عالم هستی برخی از موجودات غیر محسوس اند و به حواس طبیعی و عادی قابل درک نیستند. یکی از این موجودات جن است. جن که در اصل معنا مفهوم «پوشیدگی» دارد، از چشم انسان پوشیده است. قرآن وجود این موجود را تصدیق کرده و سوره‌ای به نام «جن» نیز در قرآن وجود دارد. در قرآن گاهی از این موجود به «جان» نیز یاد می‌شود [۱]. ماهیت و حقیقت این موجودات چندان برای ما روشن نیست ولی از پاره‌ای آیات و روایات می‌توان به برخی از مشخصات این موجود دست یافت، از جمله:

- 1- از آتش آفریده شده و خلق آن پیش از خلق انسان است [2].
- 2- جن نیز مانند انسان مکلف و مسؤول است [3].
- 3- دسته‌ای از آنها مؤمن و گروهی کافر، عده‌ای از آنها نیک کردار و برخی از آنها زشت‌کردارند [4].
- 4- بعضی از آنها مرد و مذکر و پاره‌ای دیگر زن و مؤنث هستند و تولید نسل نیز می‌کنند [5].
- 5- آنها زندگی می‌کنند و می‌میرند [6].
- 6- دارای شعور و اراده‌اند و می‌توانند با سرعت حرکت کنند. مانند قصه حضرت سلیمان و تخت بلقیس - ملکه سبا [7].
- 7- مسخر انسان می‌گردند. البته در این رابطه تنها در قرآن به قضیه حضرت سلیمان اشاره شده است که علاوه بر پرندگان، وحوش و انسان‌ها، جن‌ها نیز در اختیار و به فرمان حضرت سلیمان بودند [8].
- 8- در روایات آمده است که جن مؤمن برای پیامبران و امامان، مسخر می‌شوند و خدمت می‌کنند و کسانی که به اذن الهی ولایتی دارند نیز می‌توانند جنیان کافر را تحت فرمان خویش درآورند [9].
- 9- از پاره‌ای آیات قرآنی و روایات معلوم می‌شود که جنیان به پیامبر خدا (ص) ایمان آورده اند [10].
10. خداوند در آیه ی 275 سوره ی بقره می‌فرماید: کسانی که ربا می‌خورند (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده (و تعادل خود را نمی‌تواند حفظ کند گاهی زمین می‌خورد و گاهی به پا می‌خیزد). مرحوم علامه‌ی طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: اگر چه آیه دلالت ندارد که هرگونه جنون و دیوانگی ناشی از تماس شیطان باشد و لکن اشاره‌ای است بر این که بعضی از دیوانگی‌ها از ناحیه شیطان است. و همین‌طور آیه دلالت بر این نمی‌کند که این گونه تماس فعل خود شیطان باشد برای این که شیطان به معنای شریر (شرور - مردم آزار) است که هم بر ابلیس اطلاق می‌گردد و هم بر انسان‌های شریر و هم جنیان شریر و ابلیس هم از طایفه جن است. اما آن چه یقینی است از دلالت آیه این است که برای جن در این گونه تماس (که حاصل آن دیوانگی است) شأنی است ولو این که همه‌ی آن‌ها این گونه نباشند ((11)). اما این گونه نیست که شیطان سلطه‌ای قهری و غیر اختیاری بر انسان داشته باشد، بلکه سلطه شیطان، همه سلطه فتنه و غرور است به این معنی که انسان را دعوت به آلودگی می‌نماید و به عبارت دیگر در راه هدایت دام می‌گستراند، به فرموده قرآن: (ای شیطان) بر بندگان تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند ((12)).
11. این که جن در کجای زمین قرار دارد؟ به طور واضح و مشخص مطرح نشده است هر چند برخی از روایات به امکانی که جنیان در آنجا حضور بیشتری دارند اشاره شده است. آنچه که مسلم است جن نیز مانند انسان موجودی است جسمانی با این تفاوت که انسان از خاک و جن از آتش است. **شیطان**

پرستی

12. منظور از ظهور جنّ و شیطان این نیست که از ماهیت حقیقی خود خارج شوند و تغییر ماهیت بدهند بلکه به این معنی است که در قوه حسّ و ادراک انسان به صورتهای مختلفی محسوس می‌شوند. به همین جهت، گاهی جنیان به صورت يك آرم، گاهی موجودات كوچك، گاهی موجودات بزرگ با بدن‌ها و چشم‌ها و موهای عجیب متمثل می‌شوند و شیطان نیز بصورت يك پیرمرد، گاهی بصورت جوان ظاهر شده است. در خبری می‌خوانیم که شیطان انگشت پای مبارك امام سجاد (ع) را در حال نماز نیش می‌زند و می‌خواهد حضرت را از توجه در نماز غافل سازد ولی امام با ذکر الهی از شرّ او نجات می‌یابد.

13. آزار و اذیت جن به این معنا که الآن شایع هست و مردم از آن می‌گویند در مورد آزار و اذیت و یا اینکه به اشکال و چهره های مختلف حضور پیدا می‌کند و انسانها را می‌ترساند، نمی‌باشد، البته همانطور که قبلاً اشاره شد جن وجود دارد اما وجود جن دارای خوب و بد می‌باشد یعنی بنابر آنچه در روایات آمده اجنه مثل انسانها دارای مؤمن و کافر می‌باشند، پس جن مؤمن با انسانهای مؤمن، خوب است و کاری با آنها ندارد اما جن کافر، انسانهای بد را ضرر می‌رساند و آنها را اذیت می‌کند. [13]

با نگاه به برخی آیات بر می‌آید که اگر ما اجازه ی ورود به جنیان ندهیم از بسیاری از احوالات و افکار ما غافل اند و می‌توان با وارد شدن در قلعه ی شریعت الهی از تیررس حيله هاي آنها به دور بود.

این طور نیست که فکر کنیم حال که آنها ما را می‌بینند و ما آنها را نمی‌بینیم آنها اجازه داشته باشند به راحتی وارد حریم شخصی ما شوند و با ما مقابله نمایند.

14. شیاطین و جنیان هیچگونه تصرف و سلطه قهری و غیراختیاری بر انسان ندارند و هرگونه انحرافی از ناحیه آن‌ها در مورد انسان صورت می‌گیرد همراه با اختیار آدمی است، اما این که بعضی سختی‌ها در زندگی انسان از ناحیه شیاطین است شکی نیست که همه برای آزمایش و امتحان ماست. از این رو تفاوت است میان انحراف و سختی. انحراف برای مؤمنین نیست، اما چه بسا سختی برای آن‌ها باشد.

اخیراً خواهری فریب خانمی را خورده بود که کارهای غیر عادی انجام می‌داد و به او گفته بود می‌خواهم شما را با امام زمان (عج) آشنا کنم، او را به جمکران می‌برد و می‌گفت به من دستور داده اند باید با پای برهنه دور مسجد جمکران بدویم. این خانم می‌گفت در مسیری که از اصفهان به طرف قم می‌رفتیم یک مرتبه همان طور که پهلوی من نشسته بود لباسش عوض شد. بنده عرض کردم این با جنی‌ها ارتباط دارد. ابتدا نمی‌پذیرفت و این کارها را حمل بر کرامت می‌کرد، می‌گفت مثلاً همان طور که داخل اتاق ایستاده یک دفعه چادرش عوض می‌شود، یا برای ما میوه تازه می‌آوردند که مثلش در بازار نیست. می‌گفت: کفش هایمان گم شد، بعد از چند روزگفت: کفش‌ها زیر میز خانه مادرتان است. بنده بر اساس همان کاری که عفریت جن انجام داده عرض کردم این با جنیان ارتباط دارد و هیچ کرامتی هم در کار نیست، به او بی‌محلی کنید و گر نه پای جنیان را خودتان در زندگی‌تان باز می‌کنید.

از آن جا که نوع تسلط ایشان بر اشخاص متفاوت بوده، راه علاج و درمان نیز گوناگون است،

از این رو نمی توان نسخه ای کلی در این باب ارائه کرد. به دلیل آن که خداوند متعال جهان را براساس نظام علی استوار ساخته است، همیشه آثار و حوادث و افعالی که در جهان هستی صورت می گیرد به دلیل و یا بهتر بگوییم متکی بر علت است، اما این علل گاهی طبیعی و عادی اند و گاه غیرطبیعی.

اما با توجه به توصیه های عمومی که برخی اساتید و روایات و... کرده اند اجمالا راهکارهایی برای دفع اجنه بیان می کنیم؛ از آن جمله:

1. دوری از تنهایی.

2. تغییر مکان و محل زندگی اگر چه به طور موقت.

3. صدقه دادن. به فرموده آیت الله شیخ حسنعلی اصفهانی در کتاب نشان از بی نشانها، هر روز اگر چه به مقدار کم صدقه بدهید.

4. خواندن سوره هایی از قرآن مانند «چهار قل» و آیه «و ان یکاد». چهار «قل» را مداومت نمایند یعنی سوره های «توحید»، «فلق»، «ناس» و «کافرون» را دائما مخصوصا به هنگام خواب ذکر نمایند.

5. در نهایت مراجعه به برخی از کسانی که توانایی رفع آزار جن ها را دارند.

6. توسل به چهارده معصوم و ذکر شریف صلوات در طول بیداری و قبل از خواب نقش موثری در اعاده حالات معنوی دارد. کسانی که اشتغالات روزشان زیاد است، با استفاده از ذکر صلوات می توانند حالات معنوی مانند حضور قلب خود را حفظ نمایند و در عین حال به کار و پیشه خود پردازند.

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه باک دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

(مضمون مصراع دوم، ترجمه‌ی روایتی است از حضرت علی (ع): البیت الّذی یقرء فیہ القرآن و ینکر الله عزّ و جلّ فیہ، تکثر برکته و تحضره الملائکة و یهجره الشیطان خانه‌ای که در آن قرآن قرائت شود، و یاد خداوند در آن خانه مرتب انجام شود، برکت آن خانه زیاد شود و ملائکه در آن خانه حاضر گردند و شیطانها از آن خانه بیرون روند. (دیوان حافظ دکتر انجوی شیرازی))

ما در پاره‌ای خبرها درباره شرارت‌ها، وسوسه‌ها و تهاجم‌های شیطان‌های جنّی مطالبی را می‌شنویم یا می‌خوانیم و با استفاده از قرآن کریم پی می‌بریم که شیطان معنی وسیعی دارد و به معنی هر موجود سرکش و طغیانگر و مودی است، لذا در قرآن به انسانهای پست و خبیث و طغیانگر نیز شیطان گفته شده است. (سوره انعام، آیه 112)

با دقت در آیه ی 102 سوره ی بقره : « و ما هم بضارین به من احد » ؛ متوجه می شوید که آنها هرگز نمی توانند ضرر بزنند « الا باذن الله » مگر اینکه خدا بخواهد .

7. یکی از راه هایی که خداوند برای بعضی ها به عنوان تنبیه قرار داد از طریق جادوگران و جنیان است . البته اینها آزاد نیستند که بتوانند هر بلایی سر هر کس بیاورند ، درست است قدرت ما به جنیان نمی رسد .

، اما قدرت خدا به آنها می رسد . پس نباید خودمان را در مقابل قدرت جادوگران دسته بسته بدانیم و فکر کنیم خداوند سرنوشت ما را در دست آنها قرار می دهد . یکی بگوید نکند فلانی دارد برای من جادو می کند ، مگر دست خودش است ! اگر خدا مصلحت بداند و زمینه را ما با بی ایمانی خود فراهم کرده باشیم ، طبق مصلحت الهی ، خداوند از آن طریق ما را تنبیه می کند ، راه نجات هم برگشت به بندگی خدا است و راضی بودن به آنچه خداوند برای ما مقدر کرده است . اگر بنا نیست خدا مرا تنبیه کند ، هیچ جادوگری نمی تواند کاری بکند ، خودتان شنیده اید که جادوگران می گویند فلانی ضد جادو است . نه ، او ضد جادو نیست ، به جادوگران باید گفت : شما فکر می کنید آنجایی که جادو می کنید ، جادو بود که اثر کرد ما خودمان با آرزوهای دنیایی زمینه ی تاثیر جادوی شما را فراهم کردیم . لازم است در رابطه با نقش جادوگران ، سخن خدا را یک اصل بگیریم که می فرماید : « و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله » هیچ جادوگری ، هیچ ضرری به کسی نمی تواند برساند ، مگر به اذن خدا . پس اشکال در ما است

In the of Allah, the beneficent, the merciful

Hunger in America (گرسنگی در آمریکا)

مؤلف و مفسر: محمود صانعی پور

Compiler and interpreter: mahmoud saneipour

“گرسنگی در آمریکا” مقاله شماره 274 تحت عنوان

Article No. 274 as” Hunger in America”

بیانیه من در مورد آمریکا:

آمریکا بیش از 100 مشکل اساسی دارد و در آینده نزدیک ؛ نتیجه عقوبت از اعمال خود را تجربه خواهد کرد و همه مصائبی که اکنون دارد از ناحیه خودش است ؛ تاریخ معاصر آمریکا نشان میدهد که همواره بین گزینه مطلوب و یا نامطلوب جهانی، بیشتر متمایل به انتخاب گزینه های نامطلوب و متناقض و با رویکرد های زورگویانه بوده و یک رهبری ظالمانه را در جهان دنبال کرده است ، در واقع ، انتخابی بین گزینه های نامطلوب در جهان بوده و بین **نوحیدین (lemma + di=Dilemma)** یا حد های نامطلوب گزینش داشته است و منظورش از رهبری جهان ، یعنی ستم کاری و چپاول مردم جهان بوده که نتیجه آن فقیر نمودن بیش از 70 درصد مردم (بیش از سه میلیارد نفر) بوده که به آنها ، آشغال (garbage) خطاب میکند و در کشور خودش آمریکا 49 میلیون ، یعنی %16.1 مردم آمریکا گرسنه دارد و از نظر من (که امر مقدر است) ، هر بلایی که به سر مردم دنیا آورده است ، اینک به سر خودش آمده و راه فرار ندارد ، امریکا بجای اینکه از قواعد دانش مفید (useful knowledge) و منطق عقلی و عدالت برای اصلاح خود پیروی کند، و توبه کرده و از گذشته زور گوئی خود، جبران نماید ، به جنگ تمام جهان (جنگ هسته ای ، جنگ تجاری ، جنگ روانی ،) پرداخته و در چاه ویل خود در حال فرو رفتن است ، این مقاله با

محوریت " گرسنگی در آمریکا" با استدلال حدی (Dilemma) وقواعد دانش مفید تحریر شده است و نشان میدهیم که با این قواعد ازدوراهی ها ویا چند راهی های گمراه کننده نجات یابد ، ویا حذف الگوریتم های خیالی و مجموعه های ریاضی تهی از حقیقت و قضایای خود بافته ، به راه سرگردان خود خاتمه دهد، مردم دنیا به فراست لازم دریافته اند که آمریکا بازی " آش خاله ات است ، بخوری پات ، نخوری پات" انجام میدهد واین هم مثل سایر لفاظی های سران آمریکا ، مثل نوع خاصی از شیگردهای ریاضی- پایه برای توصیف، تخصیص، ایجاد، توسعه، و تولید آنچه می خواهند و جزء اعدادی انتزاعی و غیر مشهود ، متناقض وگول زننده است (آفتاب آمد ، دلیل آفتاب) وامور بدیهی عالم وجود را نمی توان به مسخره گرفت و سطح آرامش مصنوعی برای توده مردم آمریکا طراحی کرد واز طریق این سطح مصنوعی ، به چپاول مردم آمریکا وجهان پرداخت ، مردم هشیار جهان ، از نقش معرکه وشیطان پرستانه سران آمریکا ، پرده برداشته اند.

My statement into America:

America has more than 100 problems and early, as a result of their actions will experience in future and all the suffering that has now been from itself, America's recent history shows that always desirable or undesirable option in the world, it wants to select undesirable and paradoxical option by unreasonable demands approach was and an oppressive leadership in the world has followed, infact, it's properties were between in undesirable options all the time, and between "Dilemma=di + lemma" ever ! And its aim to world leaders, the oppressed people of the world have been injustice and oppression that has been result more than 70 percent of the poor (more than 3 billion people in the world) they, garbage calls!?, his own country, in America 49 million it means, America's hungry people is 16.1%, (That is the decreed of God), everything that is brought to the people of the world, now come to their people and not escape commissioning at all. America rather than follow from useful knowledge, rational logic and justice for its reform, it has made global war as nuclear war, trade war, psychological warfare and so on. And it is sinking into bottomless well. This article has written by axle of "Hunger in America "and useful knowledge's rules and I show that it will saved itself from seducer two or multi- ways and to end its wandering ways through eliminating of imaginary algorithms and mathematical set null of truth and itself statements made. People around the world have found of necessary insight that America plays as" it is your aunt's pottage, if you eat it will charge to your own, if you not eat it will to your own too!" And, like other leaders of America's behavior such as certain types of basic mathematical techniques for descriptions, assign,

create, develop, and produce what they want, and part of abstract numbers and non-obvious, so, it is erring and paradoxically (Sun was came the reason of Sun) and Obviously the universe cannot be ridiculed and artificial comfort levels designed for America's mass people and through the artificial surface, To pay plunder the people of America and the world , the Global Awareness people , from the role of devil's brilliant and patriotic leaders of America, have uncovered.

Poverty Stock Photos and Pictures | Getty Images (See Page 12)

اشعار: از محمود صانعی پور (poems : from mahmoud saneipour)

نان تازه بکام آدمی شیرین است (the new bread is sweet in mouth of a man)

این نان بهریتیم ، قصه دیرین است (this bread is a long story for orphan)

یتیم نان مالید به شیشه پنیر و گفت : (Orphan rubbed bread on the cheese glass and said :

" معنی نان خشک و زردی رخسار ، اینست " ("it means crust and yellow face ,this is")

گرسنه ، گرسنه است چه آمریکا ، چه عجم (Hungry, hungry or America, what foreign)

خاندان سیرند، هر جای جهان، آنان را چه غم (traitors Satisfied, in everywhere, what made them sad!)

گفتند ، فقیر، فقیر است ، چون هست ، فقیر (They said, poor, poor, because he is poor)

ناطق گفت: منطق ظالم، گردن است و شکم (A speaker said the ruthless logic, neck underparts)

تمام قوه فرد شرور، در گردن او جمع شده (All branches of the evil, gathered in his neck)

جمله احکام شرارت از قلب بیرحم شده (all evil commands issue from ruthless heart)

در گردن و اشکم او، رهبر او شیطان است (in his neck and belly , his leadership is Satan)

بهر چپاولش نگر، نیش او خندان است (However plundering of him is oriented, then he is smiling)

دیده بینا بر صورت کور خوش است! (Clear eyes is good on the face of blind optimism)!

بانوی نازا را یک پور خوش است! (Baby into a barren woman is welcome!)

وه! در دست یتیمی ، هست يك سكه زر! (Oh! An orphan, a Goldfinch !)

هیئات "آواز دهل از دور خوش است" (Alas , "Song drum away merrily")

من در مورد آمریکا مقالات چندی به رشته تحریر در آوردم ، از آن جمله مقاله " 100 مشکل آمریکا " ، " آمریکادر سال 2025" ، " ادبیات حقیقت با ادبیات غرب متفاوت است" و غیره که می توانید در سایت دانش مفید من به آدرس (www.elmemofid.com) ملاحظه نمائید ، در مورد فقر و گرسنگی آمریکا به نوشته و مقالات عدیده ، از نویسندگان دلسوز آمریکا ، اکتفا نمودم و اصل این گزارشات را در این تالیف آوردم ، نکات مهم آنها را به فارسی ترجمه کرده و در بخش زبان فارسی آوردم ، اینکه ترامپ با جهالت و غفلت از اوضاع وخیم آمریکا ، دیگر کشورها را به عناوین مختلف نظیر گرسنگی ، آشغال بودن و توهین های دیگر زیر سوال میبرد ، در حال بی خبری و خماری بوده و از داخل آمریکا خبری ندارد که این کشورش به میدان جنگ تبدیل شده ، و با داشتن 325 میلیون نفر جمعیت ، دارای 300 میلیون قبضه اسلحه های سبک و سنگین در بین مردم است ، و بطور کلی این آمریکا از لحاظ امنیت قضائی ، تبعیض نژادی ، عدم حفاظت از سوی پلیس ، فقدان امنیت اجتماعی و روانی و غیره ، دچار معضلات عدیده شده است بطوری برابر پیش بینی های علمی و دقیق ، شیرازه این کشور از خواهد پاشید ، مگر اینکه با رهبری سالم و مدبر و خیرخواهانه ، این مشکلات رفع شود و از اصل بداء (Bada) مفری پیدا کند.



Mission Statement:

To end hunger and illiteracy through the provision of nutritious meals and books to children, seniors and families in need by informing, engaging and mobilizing communities and partners.

Meals Packed To Date

4,905,600

www.cnn.com

I wrote about America many articles, amongst as "100 problems of America," "the fate of America in 2025" and "the truth forum is deferent by the force forum" "and other those are in (www.elmemofid.com), concerning of poverty and hunger in America I rely according to numerous articles from America's authors compassionately and I brought them in this compilation and in the part of person ,there are many important points about this matter, the fact that Donald John Trump by the ignorance of the dangerous situation relates America, undermines other counties on various grounds such hungry ,rubbish(he hasn't modesty speech) and other offensive vocabularies, also he is unaware and drunken headache and the news is not about America that there has been into as battlefield and With 325 million people , have 300 million light and heavy firearms among people and

generally , this country has been numerous problems in terms of judicial security , Jim-crow, lack of police protection, lack of social security and mentally and so on , so that according to scientific and exalt forecasting ,headbands these countries, will collapse , unless to remedy of these problems whit right and good managerial leadership and well-intentioned and the original “Bada” finds an outlet.

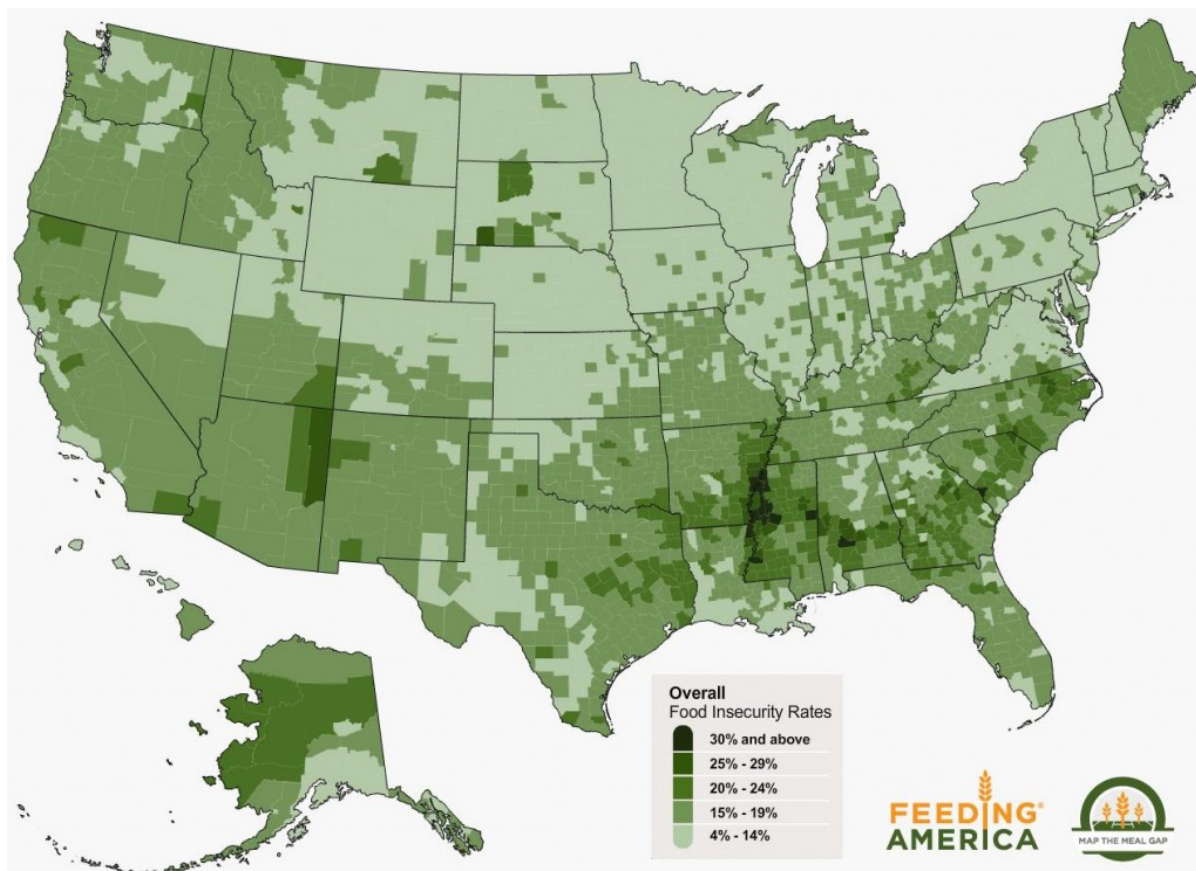
پیش‌تر نیز در ماه آوریل موسسه‌ی خیریه تأمین غذای آمریکا "Feeding America" گزارش سالانه‌اش را درباره‌ی گرسنگی در آمریکا را منتشر کرد که نشان می‌داد ۴۹ میلیون تن از آمریکاییان یعنی ۱۶ درصد جمعیت این کشور، در سال ۲۰۱۲ در شرایط ناامنی غذایی -گرسنگی- به سر می‌برده‌اند و این یکی از دلایل فروپاشی اقتصاد لیبرال و درراس آن امریکای ستم کار است (به مقاله من تحت عنوان "آینده آمریکا" در www.elmemofid.com مراجعه شود.

Earlier in April, the charity fund” Feeding America” released its annual report on hunger in America that was showing about 49 million Americans that 16 percent of the population, can appear in terms of food insecurity in 2012 and this is one of the reasons for the collapse of the liberal economy and especially in oppression America (refer to my article as “the fate of America in 2025”).

موسسه خیریه (Feeding America) بر گرفته از دیده باین آمریکا (sentinel of America) متنی را به شرح زیر ارائه کرده است :

1. تداوم و شیوع فقر در میان توده‌های مردم و رکورد درآمدهای اقشار محروم آمریکا بیانگر این واقعیت است که بهبود اقتصادی مورد ادعای مقامات رسمی تنها برای اشرافیت مالی منفعت داشته است. در همین سالی که گزارش مزبور از فقر و کاهش درآمد حکایت می کند، سود شرکت‌ها بسیار بالا رفته است و ارزش سهام نیز به دلیل سیاست تزریق پولی بانک مرکزی این کشور یک سوم افزایش داشته است. جالب این است که مقامات کاخ سفید این گزارش را ستودند و آن را نشانه‌ای بر بهبود شاخص‌های کلیدی در زمینه‌ی فقر و درآمدها دانستند اما واقعیت چیز دیگری است. این گزارش صرفاً تاییدی بر این نکته است که شرایط زندگی مردم فرودست در آمریکا هیچ بهبود واقعی‌ای نداشته است.
2. پیش از انتشار این گزارش، در ابتدای سال جاری بانک مرکزی آمریکا نیز گزارشی منتشر کرد که نشان می داد درآمد یک خانوار متوسط آمریکایی بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است. گزارش فدرالرزرو حاکی بود که خانواده‌ی متوسط آمریکایی هم کنون سالانه ۶۴۰۰ دلار کمتر از سال ۲۰۰۷ درآمد دارد.
3. پس از بحران سال ۲۰۰۸ شمار فزاینده‌ای از مردم آمریکا نتوانستند برای خود خانه‌ی مستقل دست و پا کنند و به ناچار نزد والدین و یا آشنایان خود زندگی می‌کنند. شمار این افراد از ۱۷

درصد به ۱۹ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. لازم به ذکر است که تأثیرات بسیاری از برنامه‌های کاهش هزینه‌های عمومی در این گزارش نیامده است



Food insecurity exists in every county and congressional district in the country. But not everyone struggling with hunger qualifies for federal nutrition assistance. Learn more about local food insecurity and the food banks in your community by exploring data from Feeding America's annual Map the Meal Gap project.

[Play Map Overview](#)

Food Insecurity in the United States

Click on the map or use the search bar to start exploring.

Map Type

- County
- District

166 | Page

Mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife lrearning (LLL), www.elmemofid.com, www.linkedin.com, mahmoudsaneipour@gmail.com, +98-21-22098737, 09121105673

Year

- 2015
- 2014
- 2013
- The United States

Food Insecurity Rates

1. 4-14%
2. 15-19%
3. 20-24%
4. 25-29%
5. 30% +

District of Columbia

2015 Overall County Food Insecurity in the United States

Feeding America has published the Map the Meal Gap project since 2011, thanks to the generous support of [The Howard G. Buffett Foundation](#), [Nielsen](#), and the [Conagra Brands Foundation](#), to learn more about the face of hunger at the local level. You can learn more about [how we got the map data](#), read reports of [overall](#) and [child](#) food insecurity from previous years, and even access [data tables](#) by county and congressional district for each state.

[HOW WE GOT THE MAP DATA OVERALL FOOD-INSECURITY REPORTS CHILD FOOD-INSECURITY REPORTS STATE DATA TABLES](#)

- [What is food insecurity and what does it look like in America?](#)
- [How is program eligibility determined?](#)
- [What is the safety net for people who are food insecure?](#)
- [How do you calculate the dollars needed and the meal costs?](#)

What is food insecurity and what does it look like in America?

Food insecurity refers to [USDA's measure](#) of lack of access, at times, to enough food for an active, healthy life for all household members and limited or uncertain availability of nutritionally adequate foods. Food-insecure households are not necessarily food insecure all the time. Food insecurity may reflect a household's need to make trade-offs between important basic needs, such as housing or medical bills, and purchasing nutritionally adequate foods.

Select your state and county from our interactive map above and start learning more about your neighbors struggling with hunger and the food banks that serve them. Read more about the findings of *Map the Meal Gap* in our [Report](#), access local food insecurity [data tables](#) by state or learn [how we got this data](#).

1 in 6 people in **America** face **hunger**. The USDA defines "food insecurity" as the lack of access, at times, to enough food for all household members. In 2011, households with children reported a significantly higher food insecurity rate than households without children: 20.6% vs. 12.2%.

[11 Facts About Hunger in the US | DoSomething.org | Volunteer for ...](#)

<https://www.dosomething.org/facts/11-facts-about-hunger-us> [Feedback](#)

Hunger in America



Food insecurity exists in every county and congressional district in the country. But not everyone struggling with hunger qualifies for federal nutrition assistance. Learn more about local food insecurity and the food banks in your community by exploring data from Feeding America's annual Map the Meal Gap project.

Feeding America has published the Map the Meal Gap project since 2011, thanks to the generous support of [The Howard G. Buffett Foundation](#), [Nielsen](#), and

the [Conagra Brands Foundation](#), to learn more about the face of hunger at the local level.

You can learn more about [how we got the map data](#), read reports of [overall](#) and [child](#) food insecurity from previous years, and even access [data tables](#) by county and congressional district for each state.

[HOW WE GOT THE MAP DATA](#)[OVERALL FOOD-INSECURITY REPORTS](#)[CHILD FOOD-INSECURITY REPORTS](#)[STATE DATA TABLES](#)

- [What is food insecurity and what does it look like in America?](#)
- [How is program eligibility determined?](#)
- [What is the safety net for people who are food insecure?](#)
- [How do you calculate the dollars needed and the meal costs?](#)

What is food insecurity and what does it look like in America?

Copyright © 2018 Feeding America. All Rights Reserved. Feeding America is a 501 (c) (3) non-profit recognized by the IRS. Tax ID Number: 36-3673599, Photos associated with client stories feature the actual person referenced. Other images are for illustrative purposes only.

The Hunger Games

Novel series

The Hunger Games is a trilogy of young adult dystopian novels written by American novelist Suzanne Collins. The series is set in The Hunger Games universe, and follows young characters Katniss Everdeen and Peeta Mellark. [Wikipedia](#)

Author: Suzanne Collins

Number of books: 3

Country: United States of America

Characters: Peeta Mellark, Katniss Everdeen, Finnick Odair, [MORE](#)

Genres: Utopian and dystopian fiction, Adventure fiction, Science Fiction, Drama, Action fiction

Books

The Hunger Games

2008

The Hunger Games Tr...
2010

Catching Fire
2009

Mockingjay
2010

People also search for
View 10+ more
Divergent

Harry Potter (Literary...

The Mortal Instruments

Percy Jackson &

[Panem | The Hunger Games Wiki | FANDOM powered by Wikia](#)

thehungergames.wikia.com/wiki/Panem

The name Panem derives from the Latin phrase panem et circenses, which literally translates into 'bread and circuses'. The phrase itself is used to describe entertainment used to distract public attention from more important matters.

[Talk:Panem](#) · [Dark Days](#) · [Commander Paylor](#) · [The Capitol](#)

You've visited this page 2 times. Last visit: 2/25/18

The name **Panem** derives from the Latin phrase **panem ET** circenses, which literally translates into 'bread and circuses'. The phrase itself is used to describe entertainment used to distract public attention from more important matters. Where

are the districts in Hunger Games? IN The Hunger Games, the nation of **Panem** (implied to be North America after some sort of post-apocalyptic scenario) is divided into 13 districts and the Capitol. **District 12** is hinted to be in the **Appalachia Mountains**, and the Capitol is hinted to be in **the Rocky Mountains**. Dec 8, 2011

People also ask

Where are the districts in Hunger Games?

What are the 12 districts in the Hunger Games?

What is the meaning of Panem ET circenses?

"Bread and circuses" (or bread and games; from Latin: **panem ET circenses**) is metonymic for a superficial **means** of appeasement.

[Bread and circuses - Wikipedia](#)

https://en.wikipedia.org/wiki/Bread_and_circuses

Search for: [What is the meaning of Panem et circenses?](#)

What is the richest district in The Hunger Games?

What district is 10 in The Hunger Games?

What happened to District 11 in The Hunger Games?

Bread and circuses

From Wikipedia, the free encyclopedia

This article is about a concept in political satire. For other uses, see [Bread and circuses \(disambiguation\)](#).

"**Bread and circuses**" (or **bread and games**; from [Latin](#): *panem et circenses*) is a figure of speech, specifically referring to a superficial means of [appeasement](#). As a [metonymic](#), the phrase originated by [Juvenal](#), a [Roman poet](#) active in the late first and early second century [AD](#) — and is used commonly in cultural, particularly political, contexts.

In a [political](#) context, the phrase means to generate public approval, not by excellence in [public service](#) or [public policy](#), but by diversion, [distraction](#) or by satisfying the most immediate or base requirements of a populace^[1] — by offering a [palliative](#): for example food (bread) or entertainment (circuses سیرک). [Juvenal](#), who originated the phrase, used it to decry the selfishness of common people and their neglect of wider concerns.^{[2][3][4]} The phrase implies a population's erosion or ignorance of [civic duty](#) as a priority.^[5]

The list of state's Hunger in America

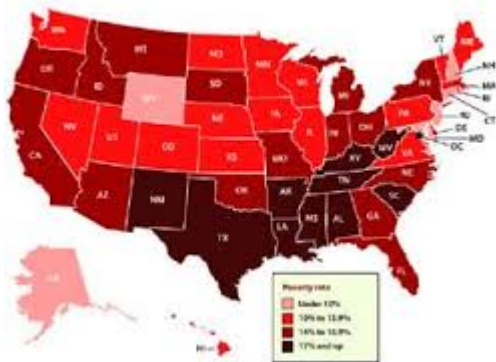
[Poverty Stock Photos and Pictures | Getty Images](#)

<https://www.gettyimages.com/photos/poverty>

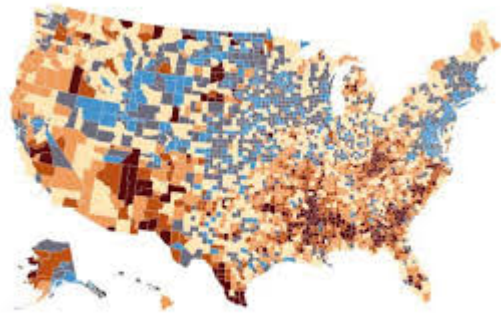
Many images of poverty in America



Poverty rates by state in 2009







Percent population below the poverty line
5 10 15 20 25 30





Further information: [Grain supply to the city of Rome](#) and [Populares](#)

This phrase originates from Rome in [Satire X](#) of the Roman satirical poet [Juvenal](#) (circa A.D. 100). In context, the [Latin](#) *panama ET circenses* (bread and circuses) identifies the only remaining cares of a Roman populace which no longer cares for its historical birthright of political involvement. Here Juvenal displays his contempt for the declining [heroism](#) of contemporary Romans, using a range of different themes including lust for power and desire for old age to illustrate his argument.^[6] Roman politicians passed laws in 140 B.C. to keep the votes of poorer citizens, by introducing a grain dole: giving out [cheap food](#) and [entertainment](#), "bread and circuses", became the most effective way to rise to power.

... Already long ago, from when we sold our vote to no man, the People have abdicated our duties, handed out military command, high civil office, legions — everything, now restrains itself and a **and circuses.**^[7]

Juvenal here makes reference to the Roman practice of providing free wheat to Roman citizens as well as costly [circus games](#) and other forms of entertainment as a means of gaining [political power](#). The *Annona* (grain dole) was begun under the instigation of the *popularis* politician [Gaius Sempronius Gracchus](#) in 123 B.C.; it remained an object of political contention until it was taken under the control of the autocratic [Roman emperors](#).

What does hunger in America look like? Here's one way to visualize it. If all hungry American adults held hands and stood side-by-side, they would stretch

approximately 34,639 miles. Think about that: 34,639 miles. **That's long enough to stretch coast-to-coast 11 times.** This disturbing figure does not even include 17 million hungry children.

2016 Hunger Report — the Nourishing Effect: Ending Hunger, Improving Health, Reducing Inequality

A new study commissioned by Bread for the World Institute shows that last year alone, hunger and food insecurity increased health expenditures in the United States by \$160 billion. The study is highlighted in the Institute's new report, [The Nourishing Effect: Ending Hunger, Improving Health, Reducing Inequality](#).

“Nowhere are the hidden costs of hunger and food insecurity greater than in health care,” said Rev. David Beckmann, president of Bread for the World. “Access to nutritious food is essential to healthy growth and development, and can prevent the need for costly medical care. Many chronic diseases — the main causes of poor health as well as the main drivers of healthcare costs — are related to diet.”

Food insecurity is associated with higher rates of depression, cardiovascular disease, high blood pressure, diabetes, and other physical and mental health conditions. Food assistance programs such as SNAP (formerly known as food stamps) and school lunches save money in the long run by improving educational and health outcomes.

Government resources that could go toward programs such as early childhood education or reducing the national debt are instead spent in emergency rooms and hospitals to offset the costs of hunger and food insecurity. The \$160 billion is equivalent to more than a third of the U.S. government's annual deficit.

The study was carried out by John Cook of Boston Medical Center and Children's HealthWatch, and Ana Paula Oblation of Universidade Federal de São Paulo in Brazil.

“The old adage that an ounce of prevention is worth a pound of cure has never been more appropriate,” said Asma Lateef, director of Bread for the World Institute. “Investments in federal nutrition programs are critical and much more

needs to be done to ensure that vulnerable and underserved communities have access to healthy foods.”

Ending hunger and food insecurity will allow millions of people to do better in school, be more productive at work, and live healthier lives. The Nourishing Effect offers recommendations for healthcare providers, anti-hunger advocates, and policymakers to help make a healthier, hunger-free U.S. a reality.

DOWNLOAD RESOURCES

- [The Nourishing Effect: Ending Hunger, Improving Health, Reducing Inequality | The 2016 Hunger Report](#)
- [2016 Hunger Report Executive Summary](#)
- [Estimating the Health Costs of Hunger in America](#)

RELATED RESOURCES

- [Visit the Hunger Report website](#)
- [Hunger costs the U.S. economy \\$160 billion in poor health outcomes and additional health care every year. Find out more.](#)
- [Browse more Hunger Reports](#)

Sentencing Reform and Corrections Act of 2017

Unnecessarily long prison sentences, combined with the lack of rehabilitative programs for people in prison, exacerbate hunger, poverty, and existing inequalities. Overly harsh mandatory minimum prison sentences have contributed to the rapid increase of our country’s prison population. Bread for the World is a collective Christian voice urging our nation’s decision makers to end hunger at home and abroad. By changing policies, programs, and conditions that allow hunger and poverty to persist, we provide help and opportunity far beyond the communities where we live.

Bread for the World is a 501(c)4 organization. Its two affiliates — [Bread for the World Institute](#) and the [Alliance to End Hunger](#) — are 501(c) 3 organizations.

425 3rd Street SW, Suite 1200, Washington, DC 20024

Phone: 800-822-7323 | Fax: 202-639-9401 | E-mail: bread@bread.org

[Reducing Gender Inequality](#)

The Hunger Project catalyzed the creation of a national alliance committed to ending all forms of discrimination against girls. Each year on September 30, this alliance organizes [National Girl Child Day](#) events across the country. A formal alliance of 500 organizations, the National Girl Child Advocacy Forum, also works to address domestic violence and the spread of HIV/AIDS.

In each union, we train and empower a team of women leaders, who are able to reach women secluded in their households with education on basic rights, halting child marriage and improving nutrition in the key “1,000 Day Window” from the beginning of a woman’s pregnancy to her child’s second birthday. More than 6,000 women’s leaders have organized themselves as the “**Unleashed Women’s Network**” (*Bikoshitonari*).

[Strengthening Local Democracy](#)

Shujan (Citizens for Good Governance) is a platform of committed, active and socially conscious citizens, mobilized by The Hunger Project, to strengthen grassroots democracy, ensure transparency and accountability of local government, and carry out advocacy initiatives at the national level. Shujan is also working for political and election reform. In 2014, The Hunger Project and Shujan produced two reports on candidate demographics for the 10th National Parliament Election for 300 constituencies. The reports, whose objective was to allow access to information on high-powered candidates and candidate wealth growth rates since 2008, served as valuable resources for voters throughout Bangladesh, and resulted in a surge of first-time elected officials.

[Promoting Youth Leadership](#)

Youth Leaders bring the creativity and leadership of the youth population to the forefront while stimulating a sense of social responsibility in more than 15,000 students nationwide each year. Together, they meet monthly in chapters across the country, planning activities to improve their communities with an

emphasis on literacy and education. These leaders organize campaigns in their communities throughout Bangladesh on issues such as nutrition, education, family planning, tree planting and environmental education. They also arrange debates, math Olympiads, writing competitions, roundtables and blood donation camps.

Volunteer Mobilization

As the mindset of dependency and gender discrimination begins to be transformed, and women and men commit themselves to a new future, The Hunger Project empowers them to build the social capital they need to fulfill their vision. We do this through establishing social units of highly trained volunteers. Each unit is trained in how to organize themselves, facilitate group action and reporting, communicate and handle decision-making. The Hunger Project has discovered that volunteers are often most motivated and inspired by working alongside others who share similar interests and characteristics.

The Hunger Project

The Hunger Project, 110 West 30th Street, 6th Floor, New York, NY 10001

Tel: +1-212-251-9100 Fax: +1-212-532-9785

Poverty affects our most basic needs: food, clothing, and shelter. An impoverished individual or family must always juggle their limited resources in attempting to meet these needs. Food expenditures are among the most flexible items in household budgets which are frequently squeezed when income dips or unemployment strikes. Nationally, the minimal cost to feed a family of four can run \$145 to \$287 a week. According to the USDA, more than one in seven American households – 49 million individuals, including 12 million children – struggles to have enough to eat. Hunger also increases the risk of illness and infection. Those who are chronically hungry are also more likely to be obese, leading to an increased risk of heart attacks, strokes, and diabetes.

The USDA also states that from 2007 to 2011, the years just before and after the Great Recession, the percentage of U.S. households with food-insecure children (lacking consistent access to adequate food) increased from 8.3 to 10% because households with unemployed adults and part-time workers comprised a larger portion of the total in the post-recessionary period than in the pre-recessionary

period. Due to the nation's higher unemployment, the USDA Food Stamp Program (also known as the Supplemental Food Assistance Program – SNAP) has more people enrolled than at any time in its 40-year history (one in seven Americans). Hundreds of thousands of children suffer pangs of hunger as they await their first meal of the day – a free breakfast and/or lunch served at school. More Americans are facing food insecurity for the first time in their lives. A Tufts University study demonstrates that even mild malnutrition can affect a child's ability to develop appropriate cognitive skills.

Local Hunger Statistics

High housing consumes over 50% of the family income in and around San Jose.

High housing consumes over 50% of the family income in and around San Jose.

Silicon Valley is one of the wealthiest places in the nation, but it is the tale of two valleys. This country - with a GDP of \$16.8 trillion - has the developed world's second highest rate of child poverty. In the Bay Area 1 in 4 children lives below the poverty line. In our region apartment rents average more than \$2,850 per month. It takes an annual income of more than \$114,000 for a family to pay their bills and put food on the table. The majority of the guests we serve earn less than \$20,000 per year. Therefore, many of them have no other choice but to work multiple jobs or share homes with multiple families. Few have the time or resources to prepare food, let alone acquire ingredients. The little food they may have may be eaten by another family.

Santa Clara University's Santa Clara County Hunger Index reports that the community's unmet need for food assistance has been skyrocketing. Using data from US Departments of Commerce and Agriculture, UCLA, and other Santa Clara County partners, The 2013 Hunger Index estimated 814 million meals were required for all low-income households in 2013. Dr. Starbird found that these families were able to afford enough food to provide 417 million meals, or a little more than half their daily needs. Food-assistance programs provided 221 million meals, leaving 176 million "missing" meals.

Like many regions across the nation, Santa Clara County has “food deserts,” low-income neighborhoods without grocery stores with fresh fruits and vegetables at

affordable prices, and a lack of adequate public transportation. This means that the local population tends to buy higher calorie, cheaper food, which is lower in nutritional value. The Hunger Study published by Second Harvest Food Bank and Santa Clara University's Leavy School of Business states that hunger affects 44% of the children and 12% of the seniors in Santa Clara County.

Today poverty is rising among seniors faster than any other group. Two reasons for this are that the baby boom generation is retiring at the rate of 10,000 people per day, and that people are living longer and having to pay high medical costs.

51% of U.S. families headed by a person 65-74 had no money in retirement savings accounts in 2010.

Seniors experience more complications from chronic illnesses, leading to longer hospital stays - 20 percent of people over the age of 75 have five or more chronic illnesses. Malnutrition also increases the risk of falls - one in three seniors' experiences a fall every year, and 30 percent suffer moderate to severe injury.

Children's Needs

According to the USDA, more than one in seven American households – 49 million individuals, including 12 million children – struggles to have enough to eat.

Children's hunger-needs

Although food assistance increased by 8% in 2011, the vulnerable households increased by 7% and the food need by 8%. The USDA also states that from 2007 to 2011, the years just before and after the Great Recession, the percentage of U.S. households with food-insecure children (lacking consistent access to adequate food) increased from 8.3 to 10% because households with unemployed adults and part-time workers comprised a larger portion of the total in the post-recessionary period than in the pre-recessionary period. Second Harvest Food Bank's study also paints an equally dire local picture – more than one in seven children in Santa Clara County face chronic hunger. Hundreds of thousands of children suffer pangs of hunger as they await their first meal of the day – a free breakfast and/or lunch served at school.

Programs & Activities

Loaves & Fishes provides hot meals in eastern Santa Clara County to anyone in need including families and the homeless. Loaves & Fishes serves more than 7,000 meals each week or approximately 450,000 annually. We are committed to nutritiously balanced meals and are one of the few meal programs that do not rely on overly processed convenience foods, as locally grown, organic vegetables and fruit are served at each meal. Our garden provides fresh, nutrient dense and delicious seasonal produce.

The first objective of Loaves & Fishes is to meet the most basic nutritional needs of our low-income guests, providing some sense of food security. Secondly, by meeting a portion of a working-poor individual or family's food needs, they can then use the remainder of their precious resources to pay for other basic needs, such as rent, medical, or utilities. Once basic survival needs are met, guests can then strive to meet other "higher" goals, such as better employment and education, which can lead to true self-sufficiency. Nutritious meals and proper nutrition increase healthy functioning allowing better school and job performance, overall better health, and a more positive outlook on life.

For people facing hunger, poverty is just one issue

41 million Americans struggle with hunger, a number nearly equal to the 40.6 million officially living in poverty. Based on annual income, 72% of the households the Feeding America network served in 2014 lived at or below the federal poverty level with a median annual household income of \$9,175.

Though they often go hand in hand, poverty is just one of several issues tied to hunger. Unemployment, household assets and even demographics can also make it difficult to access the nutritious food people need to thrive.

Real Story of Hunger: Meet Victoria and Steven

Victoria and Steven were living the American dream comfortably with their son. But when they had to relocate to take care of Victoria's aging mother and aunt, they were forced to spend all their savings and found themselves with nothing. Steven and Victoria turned to their local food pantry for the help they needed. By

providing meals to families in tough times, the Feeding America network of food banks is helping make sure all Americans can get — and stay — on their feet.

[Watch Victoria and Steven's story >](#)

Facts about poverty and hunger in America

Even in the world's greatest food-producing nation, children and adults face poverty and hunger in every county across America. In 2016:

- 41 million people struggle with hunger in the United States, including 13 million children. In 2015, 5.4 million seniors struggled to afford enough to eat.
- A household that is food insecure has limited or uncertain access to enough food to support a healthy life.
- Households with children were more likely to be food insecure than those without children
- 59% of food-insecure households participated in at least one of the major federal food assistance program — the Supplemental Nutrition Assistance Program (SNAP, formerly Food Stamps); the National School Lunch Program and the Special Supplemental Nutrition Program for Women, Infants and Children (often called WIC)

[For more statistics and information on this issue, download our Hunger and Poverty Fact Sheet >](#)

Feeding America works to lift people out of poverty

More than half of the households that the Feeding America network serves receive SNAP benefits, and nearly all Feeding America households with school-aged children receive free or reduced-priced lunch. Participation in these federal programs is just one indicator of how great the need is among the people we serve. Thankfully, there is a Feeding America network foodbank that touches every single county in the country.

Give to Feeding America today

For every dollar donated, the Feeding America network of food banks secures and distributes 11 meals to people facing hunger — including those fighting through poverty.

We want to make the world a better, fairer place. We want to keep the powerful honest. And we believe that doing so means keeping society informed by producing quality, independent journalism, which discovers and tells readers the truth.

It's essential for the functioning of democracy. And our unique ownership structure means no one can tell us to censor or drop a story.

Katharine Viner, editor-in-chief, explains the Guardian's unique ownership model. But it's difficult and expensive work. While more people are reading the Guardian than ever before, far fewer are paying for it. And advertising revenues across the media are falling fast.

So if you read us, if you like us, if you value our perspective – then become a Supporter and help make our future more secure.

Most importantly of all, you'll appreciate every word that you read, in the knowledge that you've helped to bring it to the page.

The Guardian newsroom during a busy afternoon

Like many other media organisations, the Guardian is operating in an incredibly challenging financial climate. Our advertising revenues are falling fast. We have huge numbers of readers, and we are increasingly reliant upon their financial support.

We don't have a wealthy owner pulling the strings. No shareholders, advertisers or billionaire owners can edit our editor.

Our owner, the Scott Trust, safeguards our editorial independence from commercial or political interference. It reinvests revenue into our journalism, as opposed to into shareholders' pockets.

But while the Scott Trust ensures our independence, we need our Supporters, now more than ever before, to help secure our future.

We know that not everyone is in a position to become a Supporter. But if you can, you'll be an integral part of our mission to make the world a better, fairer place, for everyone.

HUNGER IN AMERICA

According to Feeding America, **1 in 7** Americans struggles with hunger. Food insecurity exists in every county in America. Despite a gradual economic recovery and stock market rebound, wages for many Americans have simply not risen fast enough to cover the increased cost of living. To these Americans, food has become an **unaffordable luxury**.

In 2015, 42.2 million people faced hunger in the U.S. (Source: USDA).

According to the Feeding America Hunger Study 2014:

- 57% of client households served by Feeding America food banks said 66% had to choose between medical care and food, and 69% had to choose between utilities and food.
- In 2015, 43.1 million people (13.5 percent) were in poverty.

In 2010, an estimated 133 billion pounds of food from U.S. retail food stores, restaurants, and homes never made it into people's stomachs. (USDA)

CHILDREN AND HUNGER

According to Feeding America, in 2015:

- 13.1 million children lived in food-insecure households
- 14.5 million Children in the U.S. lived in poverty.

Although food insecurity is harmful to any individual, it can be particularly devastating among children due to their increased vulnerability and the potential for long-term consequences. Children who are denied an adequate diet are at a greater risk than other low income children of not reaching their full potential as

individuals. Children who are undernourished have trouble concentrating and bonding with other children and are more likely to suffer illnesses that force them to be absent from school. They consistently perform more poorly on standardized tests. Poor performance early in school is a major risk factor for dropping out of school in later years. According to labor statistics, educational attainment is perhaps the greatest indicator of job and income mobility, so **the impact of childhood hunger can be lifelong**. Studies have also shown time and time again that even mildly undernourished children may potentially suffer abnormal brain, cognitive, and psychological impairment that, if not corrected, can be irreversible.

In the U.S. Conference of Mayors' Report on Hunger and Homelessness (A Status Report on Homelessness and Hunger in America's Cities, December 2016) it was noted:

- Forty-one percent of survey cities reported that the number of requests for emergency food assistance increased over the past year.
- Of the requests for emergency food assistance, 63 percent were persons in families, 51 percent were employed, 18 percent were elderly, and 8 percent were homeless. (These categories are not mutually exclusive and the same person can be included in more than one.)

SENIORS AND HUNGER

In 2014, 5.4 million seniors over age 60 (9% of all seniors) were food insecure. The number of older adults is projected to increase over the next decade and continue to rise in the following decade. In 2040, there will be 79.7 million older adults, more than twice as many as in 2000. In 2015, 9 percent of seniors (4.2 million older adults age 65 and older) lived below the poverty line.

- In 2015, under the Supplemental Poverty Measure, seniors make up 14 percent of people in poverty as compared with 10 percent under the official measure.
- In 2015, under the Supplemental Poverty Measure, medical out of pocket expenses (MOOP) increase the poverty rate among seniors (8% excluding MOOP, 14% including).

For seniors, protecting oneself from food insecurity and hunger is more difficult than for the general population. **Seniors require greater consideration towards their health and medical needs that can become compromised when there is not enough food to eat.** A study which examined the health and nutritional status of seniors found that food insecure seniors had significantly lower intakes of vital nutrients in their diets when compared to their food secure counterparts. **Food insecure seniors are at increased risk for chronic health conditions,** even when controlling for other factors such as income:

- 60 percent more likely to experience depression
- 53 percent more likely to report a heart attack
- 52 percent more likely to develop asthma
- 40 percent more likely to report an experience of congestive heart failure

(Source: Feeding America, Senior Hunger Facts)

POVERTY AND THE WORKING POOR

In the U.S., families with very low incomes run out of money at the end of the month. Families cut back on how much they eat and then eventually skip meals **altogether on some days.**

In the U.S., hunger is not caused by a scarcity of food, but rather the continued prevalence of poverty. **To the surprise of many, most Americans (51.4 percent) will live in poverty at some point before age 65.** That means any one of us - or our friends or family members - may be affected.

به مقالات من در مورد فقر جهانی به سایت دانش مفید مراجعه نمایند www.elmemofid.com

The end